داکتر عبدالله ازجمله پولهای نقد حدود نیم ملیون دالر برای مصارف اقامت وانتقال گماشتگان رژیم ربانی تسلیم شده است.

۹ سپتامبر ۹۵ ـ نجیب لغرائی بتاریخ ۸ سپتامبر ازطریق دهلی به تهران رفته هدف مسافرت او تشویق دولت ایران برای مداخله نظامی در هرات بوده است. اما منابع خبری حلقه های افغانی درپشاور به آئینه افغانستان گفتند، گمان نمیرود تلاش رژیم ربانی برای داخل ساختن ایران بغیدان جنگ هرات موفق شده بتوانند. لغرائی بعد از یکروز اقامت درایران بمعیت وزرای گریزی کابینه ربانی (داکتر عبدالله، صدیق چکری، نورالله عماد و عبدالرحمن) بکابل برگشته ولی تورن اسماعیلخان از رفتن به کابل ابا ورزیده است. هنگامیکه نجیب لغرائی در تهران بود جنرالان گریزی رژیم در مشهد تشکیل جلسه داده، قوماندان علاوالدین خان را بحیث رئیس کل اختیار حوزه هرات (درفرار) انتخاب و جنرال عظیمی راکه یك کمونست پرچمی معلوم الحال میباشد بحیث معاون او وتعیین کرده اند. اینکه تورن اسماعیلخان بمشهد میماند یا بکدام کشور خارجی میرود منابع پشاور اظهار نظر کردندکه امکانات قتل وترور تورن اسماعیلخان توسط گماشتگان رژیم ربانی در مشهد ازاحتمال بعید نبوده اسماعیلخان یا بزودی بجرمنی خواهد رفت یا اینکه بطالبان تابعیت نموده بهرات بازخواهد گشت.
جنرال عظیمی ادعا کرده است که اسماعیلخان دربین اواخر با سفیر امریکا (جان منجو)که وظیفه اش خاتمه یافته وهمچنان با سفیر پاکستان دیدارها ومذاکراتی انجام داده است. باساس این اشارات گویا اسماعیلخان ازطرف امریکا وپاکستان بعدم مقاومت تشویق شده باشد.

۱۰ سپتامبر ۹۵ ـ صدای امریکا گفت بینظیر بوتو صدراعظم پاکستان بارتباط حمله بر سفارت پاکستان درکابل گفته است که حکومت وی در امور داخلي افغانستان مداخله نکرده، وحمله بر حریم سفارت پاکستان یک عمل پلان شده، قصدي و جنائي بوده است. بوتو اضافه کرد که روابط بین پاکستان وحکومت رباني در حال حاضر خوب نیست وباید تقویت گردد. وی گفت اجازه نخواهد داد که یک گروه اغتشاشي روابط دو کشور رابخرابي بیشتر بکشاند. سردار آصف علي وزیر خارجه پاکستان تقاضا کردکه حکومت رباني باید رسما عفو و معذرت بخواهد وتاوان خسارات بر سفارت واعضای آنرابپردازد. این بار اول است که اولیای پاکستان از حکومت کابل بنام «حکومت رباني» نام میگیرند. آصف علي اضافه کردکه پاکستان روابط سفارتي اشرا با حکومت رباني قطع ولي قونسلگری خود را در شهر جلال آباد دایر خواهد ساخت.

۱۰ سپتامبر ۹۵ـ سرویس خبری آقای خالد پشتون وضع قدرتهای مخالف بارژیم رباني در پاکستان را چنین گزارش میدهد که بدون موجودیت کدام اتحاد یا ائتلاف رسمي بین آنها، همگي شان یکنوع هم آهنگي و همنوائي برای تشدید جنگ بمنظور سقوط رژیم رباني را دارند. بهمین منظور گلبدین حکمتیار از پکتیا به سروبي آمده قوماندانه این جناح را شخصا بدست گرفته و نیروهای وی بسوی تیزین وبتخاک در حال پیشروي میباشند.

۱۰ سپتامبر ۹۵ـ مذاکرات رسمي و جدي بین هیات اعزامي طالبان وشورای ننگرهار درجلال آباد در جریان است. طالبان تقاضا دارند تا میدان هوائي ننگرهار باساس همکاری بدسترس استفادهٔ طالبان گذاشته شود تایکتعداد از طیارات خود رااز شیندند بجلال آباد منتقل سازند. شورای ننگرهار استدلال کرده است که بمجرد وصول طیارات طالبان بجلال آباد رژیم کابل میدان رابمباردمان خواهد کرد، انگاه مناسبات جلال آباد با کابل به تیره گي انجامیده موقف ظاهرا بیطرفي جلال آباد نقض خواهد شد.

بقول سرویس خبری خالد پشتون منابع افغانهادرپاکستان دربرابر عملیات طالبان واکنشهای متفاوت نشان داده اند. برخي راعقیده برین است که درتلاش اشغال کابل مبادا طالبان باز دچار اشتباه گردند که مواضع خود را مستحکم نکرده مانند سابق حمله کنند. عده ای دیگر عقیده دارندکه اشغال نظامي کابل متضمن تلفات ملکي فراوان خواهد بود زیرا رژیم رباني پیوسته مردم بیدفاع شهر را سپر ساخته رباني و مسعود وقوماندانهای شورای نظارخودشان در سمچها وتاکاوهای سمت شدهٔ زیر زمیني پنهان میشوند که آسیب نمي بینند، بنابران جستجوی راه حل سیاسي بهتر خواهد بود. اینها معتقد اند که پیشنهاد صلح حاضر و آماده است و به پروسیجری که زمان را در برمیگیرد نیازمند نیست .این گروه معتقد است که در صورت بازگشت فوری محمود میستری اکنون تطبیق پلان او چانس بیشتر دارد. ولي کسانیکه ازو کابل برآمده اند میگویند اهالي کابل سخت مشوش بوده هرکس که توان ووسائل خروج از شهر رادارد درحال برآمدن است . این پروسه خروج بعد از سقوط هرات تشدید یافته در کابل بر موتر هانوبت میسر نمیگردید واکثر فامیل ها بیرون شده اند. راپور رسیده که یکعده فامیلها میخواستند تحت تابعیت طالبان در امده بطرف لوگر بروند اما سپاهیان شورای نظار مانع شده آنهارازجر داده اند. درجلال آباد وپشاور ازدحام زیاد اهالي کابل بنظر میرسد واین در حالیست که هنوز از جنگ خبری نیست . رویهمرفته خوشبیني زیاد نسبت بموفقیت طالبان در بین افغانهای مهاجر و مسکون دیده میشود.در نفس شهر کابل آرامي است ولی در حومهٔ شهر(ارغندی و اطراف آن) صدای فیر های دفاعي و هوشیار باش بگوش میرسد.

حدس دیگر اینست که قوماندانان کمونست در کابل دست بیک کودتا بزنند و حکومت رباني را از هسته سقوط داده بطالبان تسلیم کنند. در میتنگ شورای دولت که هفته گذشته در کابل داېر گردید کمونستهای سابق از تسلیم شدن شهر بطالبان طرفداری کرده بودند. اما طالبان از کمونستها متنفر بوده شاید از یکعده قوماندانهای جهادی شامل در حزب جمعیت کمک بخواهند ، همانطور که در شیندند و هرات از طرف جمعیتیهای ناراض حمایت شدند.

د خالد پستون خبری سرویس په حواله، دشیندند دنیولو دحرنگوالي په اړوند ویل کیږي چي عبدالرحمن نومي په شیندند کي قوماندان و، او دی جمعیتانو وواژه. د فراه والي چي حاجي عبدالعزیز شیندلدي دی، په کام(علیزی) او د وژل سوی قوماندان پلار دی، دخپل زوی د انتقام اخیستو په «بدل» کي د طالبانو سره جوړ سو او دشیندند هوائي هډه یې طالبانو ته ورتسلیم کړه. والله واعلم بالصواب.

۱۰ سپتامبر ۱۹۹۵ - از منابع افغاني در نیویارک خبر رسیده که پتروس غالي سکرتر جنرال ملل متحد داکتر روان فرهادی را بدفتر خود احضار و یادداشت مورخ ۶ سپتامبر ۹۵ نجیب الله لفرائي را بوی مسترد نموده است. پتروس غالي بروان فرهادي گفته که ملل متحد با تمام وسائل دست داشته وتلاش لازم برای دریافت ثبوت مداخلهٔ پاکستان در شیندند وهرات موفق نگردیده مدارک مستند برای ثبوت این ادعای رژیم کابل وجود نداشته لهذا یادداشت رژیم کابل در جملهٔ اسناد شورای امنیت ثبت شده نمیتواند.
معني این گفتار سکرتر جنرال بزبان دپلوماتیک اینست که رژیم کابل حتی بملل متحد دروغ میگوید. اگر شخص دیگری غیر از داکتر روان فرهادي که کمترین حیثیت وشخصیت برای خود قایل میبود سفیر رباني میبود حتما با تقدیم معذرت بمردم افغانستان استعفی میداد اما روان فرهادی تنخواه ماهانه ششهزار دالر راغنیمت دانسته بحیث یک سفیر بي حیثیت بکار خود ادامه میدهد.

گزارش خبری رادیو پیام افغان

سرویس رادیو پیام افغان بمدیریت مسئول آقای عمر خطاب در ظرف سه سال گذشته تازه ترین اخبار وطن و مصاحبه ها با رجال خبیر افغان وخارجیان وارد وعلاقمند بافغانستان را تهیه وبدسترس افغانهای مهاجر درامریکا گذاشته است .بخش اخبار این رادیو ازپشاور توسط شاغلی شاکرتهیه میشود که از محک تجربه وبیطرفي برامده، ثقه ترین اخبار افغانستان را ازداخل وخارج تهیه وعرضه میدارد. تصادفا رادیو پیام افغان نیز بتاریخ یکشنبه ۱۰ سپتامبر یک پروگرام سه ساعته بالای افغانستان داشت که در یک بخش آن مصاحبه یکساعته با جناب داکتر عبدالصمد حامد پخش شد، این مصاحبه تاکنون بما نرسیده، ولي بخش اخبار آن و صحبتي که با شاغلي شاکر در پشاور صورت گرفته وبما رسیده، اینک قسمتهائی ازین اخبار رابیرون نویس کرده تقدیم میداریم :

شاغلی شاکر بحواله بي بي سي ازقول قاضي عبدالرحیم کشکي ، مجاهد وشخصیت معروف هرات، گفت که بهنگام گریز قوماندان اسماعیلخان وهمکاران لو' آقای اخلاقي از گروه اکبری گریز نتوانسته بدست طالبان اسیر شده است. هکذا بقول قاضي کشکي آقای سید نورالله عماد سخنگوی رژیم رباني نیز بایران گریخته است.

شاکر خبرداد که بتاریخ ۴ سپتامبر رباني و مسعود پنجشیری سفیر کبیر ایران را بارگ احضار ومدت دو ساعت با او مذاکراتي انجام دادند.
شاکر گفت ذهنیت عامه بمقابل حکومت رباني تغیر کرده بعد از آنکه طالبان طیارهٔ روسي دارای اسلحه روسي رادرقندهار فرود آوردند وبمردم ثابت شد که روسها بحکومت کابل اسلحه میدهد ، مردم افغانستان بماهیت روس پرستي رژیم رباني پي برده از آن متنفر شده اند.

شاکر از قول منورین هرات خبرداد که مردم عام هرات از طالبیان بگرمي استقبال نموده وبانها خوش آمدید گفتند. طالبان بیرق خود را بحضور داشت وهمکاري مردم هرات بالای عمارت ولایت هرات بلند کردند وشب پنجم سپتامبر قول اردوی هرات بدون مقاومت تسلیم شده بود. اوگفت مردم هرات از اسماعیلخان وطرز اداره او ناراض بوده ودلیل سقوط هرات هم همین موضوع بوده است.

شاکر بحوالهٔ صدای امریکا خبرداد که طبق گزارش ملل متحد حکومت روسیه حاضر شده تا از طالبان معذرت تحریری بخواهد و در مورد افغانهای مفقودالاثر معلومات میدهد.هکذا حکومت روسیه بتمام کمپنیهای هوائي خود هدایت داده است تا به قلمرو فضائي افغانستان پرواز نکنند.
شاکر از قول سخنگوی طالبان خبرداد که دیپوهای تیل و اسلحه در میدان شیندند صدمه ندیده و طیارات جنگي نیز سالم بدست آمده است که عبارت است از میگ ۲۱، سو جت ۲۲ و طیارات دو ماشینه ترانسپورتي، جمعا ۱۴۰ فروند.

شاکر از کابل خبرداد که غفورزی معین وزارتخارجه رباني گفت مقامات وزارت خارجه کابل مدارک مستند مداخلهٔ پاکستان در سقوط شیندند وهرات را باختیار هیات مخصوص ملل متحد گذاشته است . او افزود که اما سخنگوی ملل متحد بحوالهٔ بي بي سي گفته است که هیچنوع مدارک و اسناد راحاصل نکرده ونديده است تا باساس آن مداخله پاکستان در جنگهای داخل افغانستان ثابت شود.غفورزی بعد از شنیدن این خبر گفت « این اظهارات نطاق هیات ملل متحد نشان دهندهٔ آنست که هیات سازمان ملل متحد در رابطه با قضایای افغانستان بیطرف نمیباشد .»

شاکر اطلاع داد که بتاریخ ۷ سپتامبر ۲۶ نفر اعضای سفارت پاکستان در کابل همرای جنازهٔ یکتن باسلام آباد رسیدند . حکومت پاکستان اعلان کردکه سفارت خود را در کابل مسدود کرده است . پنج تن از اعضای سفارت بشمول قاضي همایون سفیر پاکستان درکابل بالای تذکره بطیاره برده شدند . ۱۴ نفر اعضای سفارت بعد مواصلت باسلام آباد درشفاخانه بستر شده وضع صحي پنجنفر شان وخیم خوانده شده است . سکرتر سوم سفارت بخبرنگاران گفت که مظاهره چیان اول سفارت را چور کرده بعد از آن به آتش کشیدند .

شاکر گفت حزب اسلامي حکمتیار ، محاذ ملي اسلامي، جبههٔ ملي اسلامي، شورای قومي افغانستان بتوسط اعلامیه های جداگانه مطبوعاتي حملهٔ وحشیانهٔ رژیم کابل بالای سفارت پاکستان را تقبیح نموده وبامردم وحکومت پاکستان اظهار همدردي کرده اند .

شاکر بحوالهٔ صدای امریکا خبردادکه بتاریخ ۶ سپتامبر یک هیات حکومت کابل بریاست احمد شاه احمد زی (وهابي)صدراعظم سرپرست رباني بجلال آباد رفته بود تا دربارهٔ سقوط هرات وحالات خطر ناک ناشي از آن با اولیای ولایت ننگرهار مذاکره کند اما این مذاکرات ناکام بوده است .
شاکر بحوالهٔ بي بي سي ازقول جنرال ظاهر عظیمي معاون وسخنگوی اسماعیلخان خبر داد که بتاریخ ۹ سپتمبر در یک مصاحبه گفته است که درامر سقوط هرات نیم گناه ازاسماعیلخان بود زیرا او نتوانست که قوتهای خود را بصورت منظم رهبری کند واونها را باوسایطیکه دراختیار داشت درمقابل طالبها استعمال نماید . وهمچنان او یک پلان منظم نداشت ومسائل را بطور بسیار سطحي مینگریست . جنرال عظیمي علاوه کرده که ما در مشهد جلسه دأیر کردیم وجنرال اسماعیلخان را برطرف و جنرال علاوالدیخان را بحیث رئیس خود انتخاب کردیم. جنرال عظیمي اینطور وانمود میکرد که در ولسوالي های هرات افراد شان جا بجا است و گفت ما میخواهیم که در آینده عملیات راسازماندهي داده هرات رادوباره اشغال کنیم. او از نارضایتي مردم هرات نیز صحبت کرد وگفت این موضوع نیز یک عامل در امر سقوط هرات بوده باشد .

شاکر گفت طوریکه در مطبوعات منعکس شده،مردم هرات بطور مجموع ازجنگ دست کشیده تغیر وضع را بخوشي پذیرفتند وفقط همان قوماندانهائیکه از محاکمه ترس داشتند در کاروان گریزي با اسماعیلخان راه فرار رادر پیش گرفتند . از طرف دیگر طالبان گفتند در جنگهای اخیر که قوای اسماعیلخان تا گرشک و دل آرام پیش رفته بودهمه اهالي و مردم پنجشیر وپروان بودند وخصوصا از مردم پنجشیر بیشتر بود ودر اخیر هم که طالبان شین دند را گرفتند، نطاق دولت کابل گفت که شین دند مقاومت نکرد و در شین دند سپاهیانیکه وظیفهٔ حراست میدان را داشتند بطور اختیاری شین دند را بطالبان تسلیم دادند . بعد از آن احمد شاه مسعود حدود دوهزار نفر ملیشهٔ زبده خود رابه ادرسکن فرستاد تا یک خط دفاعي تشکیل کند اما اونها هم مقاومت کرده نتوانستند . شاکر گفت انتخاب و استعمال القابي از قبیل شیربچه پنجشیر ، شیر و پلنگ و غیره توسط برادران پنجشیري ما چنین وانمود میکند که اونها صلح نمیخواهند بلکه میخواهند از راه جنگ موضوع را خاتمه دهند. فعلا ۱۴ ولایت افغانستان بدست طالبان است و موضوع جلا ل آباد چندان مسئله مهمي نیست زیرا اولیای جلال آبادفکر میکنند همینکه یک حکومت مرکزي بیاید با آن مي بپیوندند .شاکر علاوه کرد که مسئله اوزبک وهزاره که هرکدام پنج فیصد نفوس و در مجموع ده فیصد نفوس افغانستان را تشکیل میدهد اونها هم حقوق خود را میخواهند واحمد شاه مسعود هم تحت عنوان دفاع از اقلیت ها مبارزه را شروع کرده بود، خدا کند این مشکلات از راه صلح وتفاهم حل شود.

شاغلي شاکردرمورد حمله بالای سفارت پاکستان گفت درحالیکه این عمل خلاف تمام موازین ملي و بین المللي صورت گرفت وبغیر از جمعیت اسلامي رباني دیگر سایر تنظیمها وگروههای افغاني آنرا تقبیح کردند اما حکومت کابل مجبور باین کار بود بخاطر اینکه سقوط هرات یک ضربهٔ بسیار بزرگي بود که بالای حکومت کابل وارد شد. بطور مثال اگر حکومت دوکیلو وزن داشت بعد از سقوط هرات یک کیلوی آن باقي مانده است واینها مجبور بودند باینطور یک اقدام (حمله بالای سفارت) دست بزنند تاکه مورال عساکر شان تقویه شود ودر کابل آنطور حالتي بوجود نیاید که مواضع آنها بان شکل از دست شان برود که در شیندند وهرات رفت ویک مرمي هم فیر نشد. لهذا بنظر من سفارت در دادن بارتباط قوی ساختن مورال سپاهیان رژیم کابل بود.

خطاب سوال کرد که باازدست دادن هرات وکم شدن وزن کابل حالا عاقبت کار چطور خواهد شد وخودت چه فکر میکني زیرا رباني ومسعود درین سه سال گوشهای خود را کر انداخته صدای مردم را که پیهم میگویند کناربرو، پس شو، استعفی کن نمیشنوند وتمام خونریزیها وبدبختیهای کشور از همین موقف سرزوری وبی پروائي آنها نشئت کرده است؟

شاکر گفت : بگرام وشیندند دو پایگاه نظامي مهم افغانستان است در غرب وشرق کشورو چون حکومت رباني یک سنگر خود رااز دست داده لهذا نیم وزن خود رااز دست داده، در کابل و پروان احمد شاه مسعود باساس برتري قومي ونژادي که به پنجشیریها چنین یک روحیه را داده اند میتوانند تا یک وقتی مقاومت کنند وآن مردم هم این درس را آموخته ودست از مقاومت نمیکشند، ولي مردم هرات مردم آرام وبادانش استند واونها بالاخره این حقیقت را درک کردند که ازین برادر کشي فایده ای متصور نیست .درشمال افغانستان در پروان وتخار وبدخشان وکابل که فعلا همین چهار ولایت بدست رباني ـ مسعود است، درینجا باساس برتري قومي ونژادي اینها ادعا دارند ودرمطبوعات شان نیز انعکاس داده میشود. ممکن آنها موضع خود را قایمتر بسازند.

خطاب : در بارهٔ ولایت بدخشان که اعلان جدائي کرده چه اخبار موجود است ؟

شاکر : عبدالبصیر خالد یک قوماندان مشهور وبرجسته جمعیت است که اوهم کم از احمد شاه مسعود نیست و او در مقابل احمد شاه مسعود یک ضدیت از سابق داشت ومخالف احمد شاه مسعود بود، باز او را در ارگ بندي ساختند اما بیک شکلی فرار نمود ممکن او یک پالیسي مستقلانه را در بدخشان داشته باشد ولی فکر نکنم که با جنبش ملي یا حزب اسلامي یا طالبان یکجا شود بخاطر اینکه مسئلهٔ قومیت وغیره بجا مانده لیکن او مخالف احمد شاه مسعود است وشاید یک پالیسي مستقلانه را در پیش گرفته باشد، لیکن تا حال خاموش بوده واظهار نظری نکرده است. اگرچه نطاق جنرال دوستم گفت که نصیر خالد باما یکجا شده اما از زبان نصیر خالد شنیده نشده است .

خطاب : طالبان وجنبش سمت شمال یعني دوستم، اینها حالا هم سرحد شدند وهمانطور که شما گفتین دراخبار که طالبان حتي نمیخواهند با شورای هم آهنگي یک تفاهم وائتلاف داشته باشند، بلکه مستقلانه حرکت میکنند، طوریکه سابق هم طالبان میگفتند که از احزاب نفرت دارند ومستقلانه وبضد احزاب در افغانستان بوجود آمده ویک حکومت اسلامي را بطبع دل خود طالبان بوجود می آورند، اما ما میشنویم که یک شورائی بنام تفاهم و هم آهنگي بوجود آمده، این موضوع چطور است ؟

شاکر : بشکل غیر مستقیم یک هم آهنگي موجود بود مثلیکه در سال گذشته یا در اوایل سال ۹۴ بین دوستم وحکمتیار یک همکاري بوجود آمد و اونها در اول نمیگفتند وپسان باز روابط شان بسیار نزدیک شد. مگر طالبان هدف اساسي شان اینست که تنظیمها را باید کنار بگذارند، یعنی با تنظیمها دشمني هم نمیکنند و باین اعتقاد استند که اگرمسئلهٔ تنظیمي در افغانستان از بین نرود وحدت سیاسي افغانستان بوجود آمده نمیتواند و طالبان بسیار از احتیاط کار میگیرند. از آنطرف جنبش ملي جنرال دوستم وحزب وحدت که در افغانستان یک یک ملیون اونها راحساب کردند باساس احصائیه ایکه قبلا گرفته شده بود ۱۲ ملیون پشتون وشش ملیون هم تاجک، مسئلهٔ ازونها یک ذره حساس است که در آن مورد باید از احتیاط کار گرفته شود که ممکن ازبکستان هم درین قسمت مداخله کند. طالبان میخواهند همین پالیسي خود را بهمین شکل ادامه بدهند که با کسی ائتلاف نمیکنند، اگر بتوانند که از طریق نظامي و یا مسالمت آمیز تمام مردم طرفدار اونها شود و یک حکومتي بوجود بیاید که احزاب نباشد. بعد ازینکه یک حکومت مرکزي مقتدر تاسیس میشود بعد از اون احزاب بوجود می آید، ولي حالا اگر احزاب موجوده از بین نمیروند درینصورت طالبان باین عقیده استند که بوجود آوردن یک حکومت مرکزي نا ممکن است .

خطاب :ازین معلوم میشود وقتیکه طالبان یک حکومت درست کنند وفرض کنیم که رباني ومسعود هم وجود نداشته باشد وسبا اینها یک حکومت را بوجود بیارند، بازهم مسئلهٔ افغانستان حل نمیشود ویک خونریزی دیگر بوجود می آید که طالب و شورای هم آهنگي شاخ بشاخ میشود ، همینطور نیست ؟

شاکر : طالبان مستقیما با حزب اسلامي و جنبش ملي نه جواب مثبت میدهند ونه جواب منفي، این مسئله را میگذارند تا که اونها راراضي بسازند که ازتنظیم و مسائل احزاب تیر شوند تا یک حکومت مرکزی ساخته شود.

خطاب : پیش بیني خودت حالا بعد ازسقوط هرات واینکه حکومت کابل هم لرزان است از چه قرار است ؟ خودت که با اخبار ومردم نزدیک استي چه فکر میکني که حکومت رباني عمرش چقدر خواهد بود ؟

شاکر : اگر راست بگویم همین مداخلهٔ پاکستان که در افغانستان صورت گرفت زمینه را خود احمد شاه مسعود مساعد ساخت و وفادارترین عنصروابسته بپاکستان احمد شاه مسعود است .وقتیکه در پکتیا وقندهار، درکنرهاو ننگرهار شدید ترین جنگها بضد روس صورت میگرفت او در پنجشیر تجارت داشت، اونها پروتوکول میکردند و آتش بس برقرار میکردند، حالا که اونها موضوع رابسرحدی رساندند که روسها را بشکست وادار ساختند و روسها از افغانستان برآمدند، دوباره احمد شاه مسعودقدرت را بدست گرفت و با هند و روسیه روابط خود را نزدیک ساخت، حالا که مداخلهٔ پاکستان مطرح میشود بنظر من همین امکاناتیرا که اگر از پاکستان طالبان کمک میگیرند شیر مادر

بقیه این صفحه را در حاشیه صفحه 34 حتماً بخوانید

۱۲ سپتامبر ۹۵ ـ یک طیاره شرکت هوائي آریانا که از کابل از طریق دهلیز شرقي روانهٔ دهلي بوددر ناحیه سروبي سقوط نموده ، راکبین آن که ۴۶ نفر راپور داده شده هلاک گردیده اند . علت اصلي سقوط طیاره تا حال معلوم نیست ، بعضی قلت مواد سوخت گزارش داده اند که استدلال ضعیف بنظر میرسدزیرا فاصله بین کابل و سروبي بسیار کوتاه است. عده دیگر سقوط طیاره را توسط فیراستنگرراپور داده اند واین بخاطری قابل قبول نمیباشد که قیمت بازار سیاه یک راکت استنگر بسیار بلند است . بهرحال فرود آوردن طیاره روسي دارای اسلحه ومحمولات نظامي در قندهار یکماه قبل و اکنون سقوط این طیاره در دهلیز شرقي کشور نشاندهنده این امر است که رژیم کابل در محاصرهٔ هوائي و زمیني بسر میبرد وشاید باردیگر طیارات ملکي کابل جرات پرواز بر دهلیز های غربي وشرقي کشوررا نداشته باشند . گفته میشود که برادر احمد شاه احمد زی (وهابي) نیز با فامیل خود درین طیاره بوده ، علاوتا درین طیاره کارمندان طرف اعتماد رژیم رباني با پول زیاد بودند وماموریت داشتند تا در دهلي برای اعضای کابینهٔ جمعیت اسلامي خانه ومنازل رهایش خریداری کنند .

۱۲ سپتامبر ـ بي بي سي دیروز گفت که هفت تن روسي اسیر در قندهار در منزل والي تحت نظارت بوده طالبان برای تفریح شان میز پنگ پانگ تهیه داشته ونیز برای ارتباطات شان با روسیه یک دستگاه ماشین فکس گذاشته اند . بي بي سي افزود که این هفت نفر در زمرهٔ نخستین اسیران در جهان اند که با چنین امتیازات در قندهار بسر میبرند . دولت روسیه مطالبات طالبان را پذیرفته واز آنجمله گفته است طالبان لست شصت هزار افغان لادرک رابحکومت روسیه بدهد تا در مورد هرکدام معلومات تاریخ وار ارائه بدارند . طالبان توسط اعلانات از مردم افغانستان تقاضا کرده اند اسم وهویت مکمل و سن وسال و تاریخ مفقودی اقارب شانرا بمرکز طالبان مخابره کنند تا در زمینه از دولت روسیه معلومات خواسته شود .

۱۲ سپتامبر ۹۵ ـ رژیم رباني تقاضای دولت پاکستان راکه رژیم کابل باید بخاطر حمله بر حریم سفارت پاکستان معذرت خواسته و تادیهٔ غرامات را بپذیرد ، رد نموده است .

۱۲ سپتامبر ـ موسسه یونسف خبر دادکه در هرات مکاتب باز شده ولي طالبان بدختران اجازهٔ رفتن بمکتب را نداده اند . نطاق یونسف گفت در نظر دارد تا درین مورد بالمواجه با طالبان مذاکره نماید . هکذا طالبان از استخدام زنان در موسسات حکومتي ممانعت کرده اند . امنیت شهر برقرار بوده طالبان درامر جمع آوری اسلحه ازمردم سخت مصروف استند .

۱۳ سپتامبر ۹۵ ـ سرویس خبری خالد پشتون از پشاور خبر دادکه رژیم کابل برای تعرض طالبان آمادگي میگیرد . وزیر دفاع یونس قانوني گفت که حدود ۴۰۰ نفر ملیشه کمکي در مسافهٔ ۳۵ کیلومتري غرب کابل بمیدان شهر رسیده وبرای حمله برکابل آمادگي میگیرند . دیروز در لوگر بین طالبان ونیروهای حکومت با سلاحهای سنگین زد وخورد صورت گرفته وبهر دوطرف تلفات وارد شده است . در کابل درچند روز گذشته دو مظاهره رخ داده ، در یکي آن

که بجنرال سلطان محمود سفارش میشود تا فامیل خود را برای مدتی بکابل اعزام دارد تا خانه خالی شده و زن همسایه شکار شده بتواند. سلطان محمود لوده فامیل خود را بکابل میفرستد و از طریق برنده اپیارتمان خود روزچند بار خود را بزن همسایه نمایش میدهد. حتی جنرال لطیف توسط کدام زن هندو از یک منزل دیگر بمنزل سلطان محمود تلفون و خود را بحیث زن همسایه معرفی و ضمن مزاق های عجیب او را بامدن بخانه خود دعوت میکند. در شب ۱۷ اگست جنرال لطیف تا نا وقت شب بخانه سلطان محمود بوده تا میتواند سلطان محمود را نشه میسازد . سلطان محمود بجنرال لطیف میگوید هرقدر از راه برنده بطرف زن همسایه اشاره کرده کدام عکس العمل مثبت ندیده است . جنرال لطیف باو میگوید که زن همسایه منتظر او بوده باید از بالای دیوار خود را انداخته بدروازه اش زنگ بزند وهمینکه او را دید ایزار خود را بکشد تا زن تحریک شده او را بداخل دعوت نماید. سلطان محمود لوده که ازیکطرف بسیار نشه وهم ساده وبیعقل بوده این مشوره را قبول کرده بعد از رخصت کردن جنرال لطیف بخانه زن همسایه می رود وبمجرد دیدن او ایزار خود را میکشد اما زن همسایه بیخبر از ماجرا متوحش شده همسایه ها را توسط زنگ خطر بیدار میسازد ومتعاقبا پولیس میرسد و رسوائی برملا میگردد که متباقی داستان را در کتنگ های اخبار میخوانید. من سه روز بعد از وقوع این حادثه سلطان محمود را دیدم و این ماجرا را از زبان خود او شنیدم البته او بسیار پشیمان بوده حتی مانند زنها فق فق گریه میکرد و میگفت این دسیسه را ایشان جان عریف سفیر کبیر توسط جنرال لطیف برای او ساخته تا اورا ازسفارت برطرف سازد. سلطان محمود دریک حالت روحی خراب قرار داشته از سخنان او معلوم میشد که اگر حکومت هندوستان او را بزور روانه کابل نسازد آرزوی رفتن کابل را نداشته میخواهد با مریکا برود وتمام واقعات سفارت ومناسبات سری بین رژیم ربانی و حکومت هند بشمول خریداری اسلحه وغیره را بدنیا برساند. اما از قرینه معلوم میشود که حکومت ربانی از حکومت هند خواهش کرده تا او را تحت مراقبت قرار داده تحت الحفظ بکابل بفرستند بلکه گفته میشود ازکابل چهارنفر گماشته های وزارت دفاع برای بردن او بدهلی خواهد امد. رژیم ربانی و حکومت هند هردو مراقب هستند که وی بپاکستان فرار نکند. اینقدر خبردارم که سلطان محمود با یکی دو سفارت خارجی تماس گرفته تا دیده شود چه انکشاف رخ میدهد.

با احترام ۲۲ اگست ۹۵ دهلی جدید.

یادداشت اداره ـ درچندجا که پهلوی تخلص اقای مسعود کلمه پنجشیری دربین قوسین دیده میشود در متن اصلی وجود نداشته بلکه ازطرف اداره اضافه شده است زیرا اقای محمدیعقوب مسعود با ارائه اسناد مدعی ملکیت تخلص مسعودمیباشند تفصیل موضوع در شماره ۵۵ صفحه ٦٤ دیده شود .

رباني شخصا اشتراک ورزیده ودر دیگرش یونس قانوني وزیر دفاع از حکومت نمایندگي میکرد. از گفتار هایشان که جنبهٔ تشویش از آن بکلي نمایان بود، معلوم میشد که میخواهند بشهریان کابل تفهیم کنند که اگر جنگي در کابل بوقوع می پیوندد نباید وارخطا شوند. ازین گفتار وبیانات چنان استنتاج شده است که اگر طالبان حمله نکنند، رژیم رباني شاید بزودي تقدم جسته بالای طالبان بحمله آغاز کند تا مورال بسیار ضعیف عساکر خود وشهریان کابل را تقویه نموده باشد.

در کابل اکثر مردم بالای این موضوع بحث میکنند که هرگاه طالبان کابل را بگیرند، طالبان که تعلیم وتربیه اختصاصي وفني ندارند در حالیکه اداره ماشینري دولتي کابل به بیروکراتها و افراد مسلکي ومتخصصین ضرورت دارد، چه حالتي رونما خواهد شد والبته این یک مرحله آزمایش بزرگ برای طالبان خواهد بودکه دستگاه دولتي را چطور بکار می اندازند. مردم کابل در دورهٔ رژیم رباني شاهد بودند که اینها نیز مانند کمونستها اقارب ودوستان خود خصوصا پنجشیریهای بیسواد را بکار های دولتي گماشتند و یک علت عمدهٔ سقوط رباني همین کار بود که بیروکراتهاومتخصصین افغاني را از خارج کشور جلب کرده نتوانست. اکثر مردم کابل منتظر ورود شخص پادشاه سابق بوده باین فکر استندکه مرحلهٔ دوم اعزام نماینده او در شرایط فعلي مفید ثابت نخواهد شد. مردم فکر میکنند که همرای پادشاه سابق بیروکراتان، استادان و متخصصین از کشور های مختلف بوطن خواهند آمد وشیرازهٔ ازهم گسستهٔ دولت را دوباره احیاء خواهند کرد.

۱۳ سپتامبر ۹۵ - دخالد پښتون د خبري سرویس په حواله،اوس معلوم سویده چه دننگرهار والي حاجي قدیر د تصمیمو د اتخاذ کولو دپاره په مملکه کي یوازي دخوګیانو ولس راتول کړی وو. داکار یوه خاصه انګیزه درلوده: په ننګرهار کي په نورو ولسوالیو کي منسجم قومونه نشته او حاجي قدیر پخپله ددغه کمبود مسئول دي، ځکه دی نه غواړي چه د ننګرهار نور قومونه سمبال او منسجم شي. یوازي د خوګیانو څو اوسني ولسوالیو (چې پخوا یوه ولسوالي وه) قومي انسجام لري او ددی ځای ولس په اوسنیو جګړو کي دیر منافع لري او هم د حاجي قدیر په شورا کی د منافعو خاوندان دي؛ په دی معني چي قوماندانان شخصي نفوذ، ګټې او نفوذ لري، اوسني ولسوالیو نوی جوړی کړیدي او دکوکنار کرل پکښې عمومیت لری. حاجي قدیر غوښتل چی ددغي نکتي څخه د طالبانو په ضد استفاده وکړي نو دخپل کام دخلکو او ولسوالیو څخه په زړه پوری تصمیمونه غوره کړه، پداسي حال کي چي نوری ولسوالیو د طالبانو د راتګ سره موافق دي او مني ئي. د مجلس په نتیجه کی د خوګیانو ولس ورته وویل چه مونږ دننګرهار جزء یو او هرڅه چه پرنورننګرهار راځي مونږ یي هم منو. دوی وویل چه مونږ دجنګ جګړو څخه ستړی سوی یو او که د صلحي کومه لاره وی مونږ دی ملګري یو. حاجي قدیر اوس په پاکستان کی دی او د پاکستان دخارجه وزیرسره یې هم ملاقات کړی دی. امکان سته چی د پاکستان سفارت په ننګرهار کي خلاص سي. حاجي قدیر او دده ورونه چه پخوایو غریب او ګمنام کورني وه، دجهاد په دوره کی بدایان سویدی او اوس په جلال آباد او نورو ولسوالیو کی دیر قصرونه، جایدادونه او مځکي تر لاسه کړیدي : د مرحوم جرنیل سید حسن پاچا په یوه منظومه کي داسي راغلي ده :

د خانانو په خاني کي څوک پکښې خانان شو
د چا لاړی ارتیني پکښې، سږی سپیني سیني پکښې

انعکاس سقوط هرات در « امید »

۱۳ سپتمبر ۹۵- شماره ۱۷۷ (امید) مورخ ۱۱ سپتامبر۹۵ امروزواصل شده از مظاهرات افغانهای طرفدار رژیم رباني در هامبورگ و سدني - آسترالیا خبر داده است، تعداد مظاهرچیان هامبورگ دوصدنفر وازسدني ۱۵۰ نفر گزارش یافته است. نشریهٔ امید خودش نیز بتاریخ پنجشنبه ۱۴ سپتامبر یک مظاهره بضد پاکستان را در سانفرانسسکو براه انداخته که قرار معلوم غیر از حلقهٔ امید، جمعیت وسیع ۳۰ هزارنفری افغانهای مقیم بي ایریا از اشتراک درین مظاهره (امید)معذرت خواسته اند.

۱۳ سپتمبر - شماره ۱۷۷ (امید) که برای بار اول از چپ براست چاپ شده (یعني علنا براه چپ رفته است)، علاوه برآنکه طبق معمول همیشگي از مدعیات کاذب رژیم رباني دفاع ودربارهٔ مداخلات بي ثبوت پاکستان در سقوط شین دند وهرات مقالاتي انتشار داده، مقالهٔ سعید فیضي تحت عنوان « سقوط هرات »، مقالهٔ دیگری تحت عنوان « سقوط هرات بدست بیگانگان » که نویسنده آن معرفي نشده ولي از روی سبک از داکتر سید مخدوم رهین معلوم میشود، یک مقاله از داکتر سید شریف فایض، یک مقاله ازداکتر سخي اشرف سید کاغذ، یک مقاله از عبدالله ایشان، یک مقاله از عبید بکتاش (نام مستعار است شاید از غلام حضرت کوشان باشد) ، درین مقالات طالبان را مردم بیگانه، جاهل وبی فرهنگ خوانده مستحق حکومت بر هرات نمیدانند وشعار های تحریک آمیز برای قیام مجدد بضد طالبان سر داده اند (که حنای بعد از عید یا دکان بعد از شام است). امید همچنان چند مصاحبهٔ جالب با داکتر عبدالله، با تورن اسماعیلخان، باطاهر عظیمي و باداکتر محمد یوسف خان بدست نشر سپرده که اقتباساتي از آن هاذیلا تقدیم میشود :

لطفا دوستان تانرابخواندن آئینه تشویق کنید

داکتر عبدالله درصفحه ۵ امید (ازطرف چپ) گفته است : « هرات متاسفانه نسبت مداخلهٔ صریح و مستقیم قوای ملیشهٔ پاکستانی بهمکاری طالبها ونیز باثر ضعف اداره وفرماندهي اسمعیل خان سقوط کرد. ولسوالیهای اطراف هرات، ولسوالیهای فراه ونیمروز وچغچران وبادغیس همه بدست مجاهدین است . مجاهدین شورائي را برای آزادي دوبارهٔ آن ولایت تشکیل داده اند. .. علاوالدینخان بریاست شورای نظامي غرب کشور برگزیده شده وتجدید نظم برای آزاد سازي هرات آغاز گردیده است . »

گفتار ظاهر عظیمي جنرال کمونست پرچمي که معاون و سخنگوی تورن اسمعیلخان بودعینا اقتباس میشود(البته همانقدر که در امید نشر شده وما خبر داریم که امید همه گفتار او را نشر نکرده است):

همدارنگه مونژدهرات دماتی په هکله دهرات پخوانی والی اسمعیل خان ویاندجنرال عظیمی سره په مشهدکی خبری وکری لوپه سرکی ورخخه وپوښتل چه دهغوی قواوی ولی ماتی وخورله ؟

(صدای عظیمی):«جهادی قوماندانانوګرده یو حای شوراوکره چه دهرات سقوط عوامل جستجووکری • دی دیرخبری وکر، دوه عامل پیداکر، یو عامل داوچه پاکستانیانوبه دی عملیاتوکی خپلوتانکونولوخپله ثقیله سلاح راوی وو اوخپله مستقیم فیزیکی مداخلی په افغانستان کی وکر، بوهم اشتباهات داسمعیل خان وو چه اسمعیل خان دتولوامکاناتوچه پلاس کی وواستفاده ندی کری • دهاقوماندانانونه استفاده ندی کری، سوق اواداره صحیح نه وو، یوصحیح جنګی طرح له دوی سره نه وو، په ګرشک پاندی حمله وکره ، بیاچه هغه ناکام وشودګرشک نه تردلارامه پوری، او دلارام نه چکوته اودچکونه آب خرماته اودآب خرمانه شیندندته اود شیندندنه ترشاییده عقب نشینی وکره • وروبوداسی فکرکوی چه اسمعیل خان یاتوافق دجان میجو(دامریکی سفیرپه پاکستان کی) اوسردارآصف علی (دپاکستان دخارجه چارووزیر) کری دی • اویادهغه یولوی اشتباه کری دی • په هردوصورت ګناه نیمه داسمعیل خان په غاره کی دی • ددی علت په وجه شوری تصمیم ونیول چه علاالدین خان پخوانی مرستیال دشوری درئیس په توګه فعلاتعیین شو، اولوس اسمعیل خان د ریاست خخه برطرف اوعزل شوه •»

پوښتنه: جنرال صاحب پاکستان خوستادامدعانه منی چه دهغوی خلک او دهغوی تانکونووو ؟

عظیمی: داسی دی چه هیخ کشورنه منی چه زه دبل کشورپه اموروکی مداخله کری یم • خوبه چمن کښی زمونژدجهادپه توله تاریخ (دوران) کښی قیودشبګردی نه دی اعلان شوی • پدی اواخرکښی په هغه شپه چه پرګرشک باندی حمل وکرل یوه شپه بعدپه چمن کښی قیودشبګردی اعلان وشو. هغه افغانان چه هلته سکونت لری ددی لیدلی دی چه سهارد پاکستان تانکونودګرشک خواته راروانه وو •

پوښتنه: جنرال صاحب طالبان خوادعاکوی چه په هرات کی داسمعیل خان حخه خلک سخت خپه وو، اوهلته تنګی (مشکلات) وو، همدغه علت ووچه خلکوطالبانوسره یوحای شول •

عظیمی: هویودغه وو، خودغه هم بیل بیل عوامل لری • بوعلت ئی دادی چه خلکورشتیاداسمعیل خان حخه خپه دی • قوماندانانودیره خپه دی، پداجګروکښی اصلی قوماندانان هغه پخوانی تعرض دطالبانونه مدافعه وکره، خوپخوانی جنرالانوچه په مینځ کښی جنرال صاحب افضلی، جنرال صاحب قیامی، جنرال صاحب حاجی خان بلوچ وو زه وم دغه نورو ورونو وو چه ددی تعرض مخ ونیول اوبیایپرته تعرض وکر، فراه اونیمروزنیولی وو، په دغه تعرض کښی اسمعیل خان یوازی وو، حنګه چه دقوماندانانو نو ګرده دهغه نه خپه وو، یولراشتباهات وکر، قوماندهٔ اوطرح جنګی نه وو، داخوپخی صحیح دی، بلکه چه حینی خلک هم وائی چه پدغه وخت کښی جان میجوپه هرات کښی راغلی وواوسردارآصف علی هم په هرات کښی راغلی ووازترکی فیصل په هرات کښی راغلی وو، پدی سفرونوکښی یوحینی توافقات شویدی چه داکاروشو •

پوښتنه: جنرال صاحب ددی وروسته ستاسوخه پلان دی؟

عظیمی: اوس مونژهرات اوبادغیس په اطرافوکی چه زمونژپه لاس کی دی مجاهدینوته مونژهدایت ورکری دی چه خپل کارشروع کری • خینی قوماندانان چه ایران ته راغلی وو بیرته هرات ته راستانه شوواودغه شوری هم هرات ته حی اوخپل کارشروع وکری • مونژیقین لروچه هرات انشاالله بیرته به آزادشی •»

سوال: شماالان درمشهدهستیدوازآنجاصحبت میکنید• چه موقع به هرات برخواهیدگشت؟

عظیمی: ازدیروزرفتن قوماندانان جهادی بداخل افغانستان آغازشد. یک تعدادبرادران دیروزرفتند ، یک تعدادازبرادران امروزرفتند ، بقیه قوماندانهای جهادی که اینجابه منظورمشوره آمده اندتاچندروزآینده، احتمالا به هرات بروند ، والبته نمایندگان برای تنظیم کارهاورسانیدن وضعیت جنګ بگوش جهانیان بیرون ازمرزخواهندماند•

سوال: بسیاری ازناظران امورافغانستان میگویندکه این جنگهاواختلافات داخلی بین مجاهدین اینقدرطول کشیده، وآنقدرادامه داشته که روحیه بسیاری ازفرماندهان وسربازان که می جنگیدندیگربکلی ازبین رفته • وبخاطراینست که باین راحتی میشودنفاق بوجودآید، میان صفوف مجاهدین، وحتی دولت هم این اتهام راواردمیکند ، که پاکستان بسیاری ازفرماندهان محلی راخریده، وپول برایشان داده است • ارزیابی شماازین مسایل چه است ؟

عظیمی: درواقع اگرنگاه شمابحرکت طالبان نمائیدوتعرضات وهجومی از ماه حوت باینطرف درحوزه جنوبغرب داشته اند• درمراتبه قبل اینهادوماه تهاددردره چکاوو آب خرمابه مدافعه بسیارشدیدمواجه شدند ، امادرهجوم دومی که ازطرف خودآقای اسمیل خان صورت گرفت اشتباهات زیادی درتکتیک وپلانهای جنگی ونحوه برخوردصورت گرفت ودرین رابطه دونظر موجوداست، یکی آنکه پلان ناقص بوده، سوق واداره نبوده ، ویکی دیگر هم گفته میشودکه توافقاتی وجودداشته • آنانیکه میگویندتوافقاتی وجود داشته دلایلی هم میگویند ، بطورمثال شبی که طالبان به شیندندحملهٔ میکنندسرشب ساعت ۱۱ شب قوتهای ماازداخل میدان هوایی شیندندبه هدایت آقای اسمیل خان عقب نشینی میکنند ، امافرداصبح همانروزیک افسرمیرودپیش طالبان ومیگویندکه درداخل میدان هوایی شیندندکسی نیست، آنهاباورنمی کنند ، یکنفرازافرادخودرامیفرستندتامطالعه بکندکه آیادرمیدان هوایی واقعاکسی است یانه وقتیکه میبینندرآنجاکسی وجود ندارد ساعت ۱۱روزمی آیندوآنجاداخل میشوندکه دربین ساعت ۱۱شب تا ۱۱ روز۱۲ساعت وقت بوده که دربین دوازده ساعت میشدامکانات نظامی ازداخل میدان هوایی کشیده، شودویاآنکه میشدهمه آنراانفجارداد، بهر صورت درجنگ ازیک تکتیک بایداستفاده میشدتااین وسایل وامکانات به دست دشمن نمی افتاد• من تصورنمی کنم که نیروهاخسته شده باشندچرا که مسایل مختلف باطالبان مطرح میشوند، مسایل فرهنگی مطرح می شود، مسایل تاریخی مطرح میشود، مسایل زمانی مطرح میشود ، هرات باتمدن بسیارعظیم وتمدن وتاریخ بسیاربزرگی که دارد ، باآمدن طالبان به هرات این شهربه یک انحطاط فرهنگی مواجه میشودواقعاًمردمان هرات تحمل نمی توانندبکنندکه چارنفرازقندهاربرخیزندوبیایندبه هرات تسلط پیداکنندوهمه افتخارات ملی، فرهنگی وتاریخی آنهاراکلاپایمال نمایند. قطعاًاین کاراتحمل کرده نمی توانند.

سوال: الان اسمیل خان کجاهستندوچه خواهندکرد؟ اطلاعات شمادر این باره چه است؟

عظیمی: درداخل ایران هستندوپلان آینده راافشانکرده اند•

از گفتار جناب داکتر محمد یوسف سابق صدراعظم در صفحهٔ ششم امید (از چپ براست) :

«اوضاع نهایت باعث پریشاني است، قوای نظامي اسمعیل خان بسیار بزرگ ومنظم و دارای همه تجهیزات عسکري بود، چطور در مقابل طالبان میدان را رها میکند وپناهنده میشود به ایران ؟ اسباب تاثر وتاسف است .دور نمای این اوضاع چنین تخمین میشود که جنگهادر افغانستان خاتمه پیدا نمیکند بلکه روزبروز توسعه خواهد یافت . من بارها بسران تنظیمها گفته ام، در شورای هرات هم بتکرار گفتم که حکومتهای تنظیمي دوام نکرده باعث خرابي مزید افغانستان میگردد .وقتی باهیات آقای میستیري بکابل رفتیم، با حکمتیار گپ زدیم، با آقای رباني دیدیم باآقای مسعود دیدیم، بهمه گفتیم یگانه راه نجات افغانستان اینست که شماتوافق نظر پیدا کنید در مورد یکحکومت غیر تنظیمي. افغانستان با خرابیهای ناشي از جنگهای طولاني بیک حکومتي احتیاج دارد که اقتضات زمان رابداند، اگر در پی این مسایلی که واقع شده وواقع میشود، یک پرسشی از راه لویه جرگه از مردم بعمل بیاید ویک حکومت غیر تنظیمي بوجود بیاید، یگانه راه نجات افغانستان خواهد بود.

درمورد مداخله پاکستان باید گفت که از تاریخیکه جهاد شروع شد وتنظیمها در پاکستان از طرف ضیاء الحق و آی اس آی ایجاد شدند، مداخلات پاکستان همیشه موجود بودو یکنفر شان مستقلانه عمل نمیکرد، غیر ازدونفر که عبارتند از آقای مسعود و آقای اسمعیلخان که مقاومت میکردند در مقابل مداخلات خارجیها، اینکه طالبها هم مورد حمایت آی اس آی است کسی انکار کرده نمیتواند.»

تبصره آئینه افغانستان : امید تبصره ها ومصاحبه هارابصورت مکمل نشر نمیکند وفقط همان قسمتها راکه بنفع رژیم رباني ـ مسعود میباشد منعکس میسازد. ما نمیدانیم مصاحبهٔ فوق جناب دکتور محمد یوسفخان مکمل است یا خیر؟ ولي در آنچه در بالا نشر شده دو نقص کلي می بینیم: (۱) اینکه گفته میشود تنها قوماندان مسعود پنجشیری وقوماندان اسماعیلخان در مقابل مداخلات خارجیها مقاومت میکردند بیخبری از واقعیتهای جهاد را نشان میدهد: مسعود نه تنها با لشکر اشغالگرشوروي مقاولات وپروتوکولهاداشت بلکه در عین زمان ساخته وبافته دست آی اس آی پاکستان بود وتازمانیکه بفکر تاسیس یک حکومت خانداني برای خودنیفتاده بود از پاکستان و آی اس آی هدایت و کمک میگرفت، فقط بعد از آنکه تهداب حکومت جمعیتي متشکل از افراد خاندان خود را در کابل گذاشت وپاکستان با آن مخالفت نشان داد، دشمن پاکستان شد .وانگهي در دورهٔ حکومت جمعیتي خود نیز باایران ومداخلات آن، با روسیه ومداخلات آن و با هندوستان ومداخلات آن لبیک گفت واز طریق کمکهای آنهادوام کرد. ودربارهٔ تورن اسماعیلخان همین یک مثال بسنده است که نصرالله بابر را با سفیران خارجي در هرات پذیرفت و از آنها پول نقد دریافت نمود. ازینکه بگذریم، جناب دکتور محمد یوسف بحیث یک صدراعظم سابق افغانستان چطور تنها مداخلات پاکستان درامور داخلي افغانستان را تقبیح ولي در عین زمان حملهٔ وحشیانه وبیموجب رژیم رباني بالای حریم سفارت پاکستان رانادیده گرفته تقبیح نمیکند ؟؟؟ و همچنان از طالبها مطابق بمذاق جمعیتیهابنحوی نام میبرند که گویا اینها افغان نبوده بلکه اجنبي میباشند !؟

در بارهٔ مصاحبهٔ تورن اسماعیل خان والي مفرور هرات ،ما خبر داریم که تورن صاحب در چند جا بالای قوماندان مسعود ورباني شدیدا انتقاد نموده اما امیدآن قسمتهارا حذف کرده است، باید دوستان آقای ویس ناصری در آلمان از اوتقاضا کنند که متن کامل مصاحبه را بدسترس مردم بگذارد تا برویت آن قضاوت آزاد صورت گرفته بتواند. بهر حال ما از مصاحبهٔ نا مکمل تورن اسماعیلخان همانطور که در امید شماره ۱۷۷ صفحهٔ چهارم (از چپ براست) چاپ شده، هم قسمتهای آنرا ذیلا غرض اطلاع خوانندگان آئینه اقتباس میکنیم:

اسمعیل خان

چگونگی سقوط هرات راشرح می کند

ازهنگام ترک هرات درهفته گذشته تاالان جنرال اسمعیل خان سابق امیر حوزه جنوبغرب ووالي هرات درباره دلایل سقوط آن ولایت اظهارنظری نکرده بود. ویس ناصری همکارامیددرآلمان روزشنبه نهم سپتمبرمطابق ۱۸سنبله ۱۳۷٤ساعت هفت ونیم شام وقت آلمان توسط تلفون صحبتی باوی بعمل آورده که اینک تقدیم میگردد:

ناصری: لطفاًراجع بعلت سقوط هرات ووقایع آخرین وتحولات ناشی ازآن معلومات بدهید.

اسمعیل خان: متاسفانه روزگارزندگی وتحولات وقت وزمان بنابراشتباهات وعدم همکاری عده ای ازبرادران نامردوسیله بسیاربدی شدکه باعث بوجودآمدن یک فاجعه بسیاربزرگ شد.

ن:حقیقتافاجعه ایکه خداناخواسته تجزیه افغانستان رادرقبال خواهدداشت.

ا:واقعاافرادنامردیکه دست ازجنگ کشیدندوبالاخره باخجلت وروسیاهی ازصحنه فرارکردند.

ن:علت عقب نشینی وعواملی که درهرات جنگ صورت نگرفت وبه سقوط منتج گردیدچه بود؟ شماکه قبلاتامناطق گرشک باموفقیت پیشروی نموده بودیدچه سبب شدکه نیروهاباچنین شکست فاحش روبروشدند ؟

ا:حقیقتاتاحوالی مناطق گرشک پیشروی خوبی داشتیم ودرفاصله پنج کیلومتری گرشک زمانیکه ازسه استقامت بالای گرشک حمله صورت گرفت ساعت یک بعدازظهربود. متاسفانه برادران قندهاری باکمال بی همتی درجبهه وسط که ازاستقامت سرک اسفلت بجانب گرشک میرفت ، عقب نشینی کردندواین عقب نشینی وسیله شدکه دوجبهه دیگرکه دردو استقامت سمت راست وچپ سرک اسفلت موضع داشتندودرهرکدام ازین جبهات پنجصدنفرجابجاشده بوددرمحاصره قرارگرفته ودرین اثنایکی از بهترین فرماندهان ماداکترنصیراحمدقوماندان عمومی گارنیزیون شیندند به شهادت میرسدوتعدادزیادی ازمجاهدین درآن شب درین دشتهاسرگردان گردیدندکه بعضی مفقود وبعضی هم به شهادت رسیدند. علت عمده این شکست متاسفانه قندهاری های بدبخت وگمراه بودند.

ن: همان قندهاری های که درپهلوی شمابودند ؟یعنی قوماندانهای سابق مجاهدین؟

ا: بلی آنان همان قوماندانهای سابق قندهاری بودندکه درگذشته شکست خورده بودندوبعدأبکابل رفته بودندوپس ازمدتی درکابل تنظیم گردیده واز طرف دولت مرکزی وشخص استادربانی به هرات فرستاده شدندکه در حدودیک ونیم هزارنفرقندهاری وهلمندی باماااشتراک داشتندکه دایمأمدعی بودندکه اگراندک کمک شودماهلمندوقندهاروغیره رامیگیریم • ولی عملاًدر صحنه وجنگ ناجوانمردانه ازمحل جنگ فرارنموده وباعث تضعیف روحیه دیگران گردیدندوهمه این نامردان سبب شکست کلی همین جبهه تقریبا سه هزارنفری شد•

ن:شماکه تقریبأیکصدوشصت کیلومتردرداخل هلمندپیشروی داشتیدوقتا که درگرشک جبهه شکست خوردچراتاولسوالی ومناطق شیندندمقاومت صورت نگرفت؟

ا: ماپس ازشکست گرشک آمدیم دردلارام سنگرگرفتیم، زمانیکه دوروز بعددردلارام هم حمله صورت گرفت بازهم همین قندهاریهاوهلمندیهافرار کردندومااازدلارام آمدیم به مناطق چکاوازمربوطات ولایت فراه سنگر اختیارنمودیم ومدت دوروزدرآنجاجنگ ومقاومت داشتیم، بازهم متاسفانه خط دفاعی به شکست روبروشدوبعداهم سنگردوباره رادرقسمت فراه رود اختیارنمودیم • درطول همین مدت وقتیکه جبهه شکست میخوردطبعأهر بارضایعات وتلفات دوصدوسه صدنفرشهیدوزخمی واسیرومفقودداشتیم • همین جبهه که مادرابتداابا ۳۲۰۰نفرحرکت نمودیم درچندین مرحله شکست وعقب نشینی) شماراین تعدادبه یکهزاروششصدتایکهزاروهفتصد نفررسید• متاسفانه همین برادران بدبخت وگمراهماازهرات باوصف تقاضا های مکررکه به آنهاگفته میشدکه جبهه سه مراتبه است شکست خورده و تلفات سنگین دیده ایم این نامردان بکمک ویاری مانیامدند، حالت تا اندازه ای رسیدکه جبهه درزمانیکه ازآب خرماوفراه رودشکست خورد، آمدیم درعقب دشت میدان شیندندوسنگرگرفتیم، من آمدم به هرات که مصادف به حضورهیئت اعزامی ازکابل بولایت هرات بود که شامل اقایون چکری، داکترعبدالله، سیدنورالله عمادوبعضی برادران وورزادیگروسیداسحق دلجوحسینی، قاضی زاده وآقای دلیلی ودیگران بودند• هیئت مذکورراستادربانی ازمرکزفرستاده بود• زمانیکه هیئت مذکور به نزداینجانب به فراه رودآمدندبرایشان گفتم که شمابرادران برویدبه هرات ویکتعدادقوای تازه نفس روان کنیدچراکه این جبهه سه بارباشکست روبرو شده ودرهرسه مراتبه باتلفات مقابل گردیده، وتعدادآنهانظربه تعداداول تقریبأبه نصف رسیده است • آنهارفتندبه هرات ولی متاسفانه نتوانستند کاری بکنند• موقعی که مادرقسمت ادرسکن سنگراختیارنمودیم وباین خط دفاعی تدارک دیدیم، درین وقت من شخصأبه هرات رفتم وباهمین قوماندانان ملاقات وديدارداشتم • ناگفته نماندزمانیکه مادرقسمت دلارام عقب نشینی نموده بودیم تصادفابرای مریضی شدیدی عایدگردیدچنانچه درطول همین چندروزدرداخل جبهه من مریضی داشتم ولی باآنهم من ترک جبهه ننموده ودرخط مقدم قرارداشتم • موقعی که خط دفاعی رادرمناطق ادرسکن احداث نمودیم صبح وقت من بهرات آمدم ودرحضورداشت داکتر عبدالله، چکری وغیره برادران همین قوماندانان مانندعلاالدین خان، قوماندان امنیه وغیره راجمع نموده وبرایشان گفتم که ای برادران این جبهه ماازیکماه مکمل است که درعقب نشینی وپیشروی سپری نموده است • یک جبهه ایکه یکماه رادرحالت جنگ گذشتانده باشدوسه مراتبه به شکست روبروشده باشدوحدودیک ونیم هزارتلفات داشته باشدشماچرادر حمایت ازجبهه فعال نشده وسهم نمی گیریدوبه آنجانمی روید؟ همانروز علاالدین خان وظاهرعظیمی ویکعده دیگررابا سه صدنفربه خط مقدم جبهه فرستادیم • همان شب رامن نظربه خرابی وضع صحی ام بداخل شهرهرات درپهلوی داکترعبدالله وغیره برادران درباغ آزادی ماندیم • ساعت ده شب بودکه توسط بیسیم مخابره صورت گرفت وبرایم گفتندکه عقب نشینی شده است • من برای داکترعبدالله وچکری گفتم که دربی سیم چنین برایم میگویند• همین برادران ماکه عقب نشینی کردند، بدون اینکه بمااطلاع بدهندمستقیمابه ایران آمدند• مادرآنوقت بقول اردورفته و درآنجاماندیم • چکری وداکترعبدالله ودیگربرادران راساعت ۱۲شب موتر تهیه دیده وآنهاراجانب ایران حرکت دادیم وخودم بداخل شهرهرات ماندم متاسفانه هریک ازین قوماندانهاکه شکست می خوردندفراررابرقرارترجیح داده وبوسیله موترهامستقیمابسوی ایران میروند •

درحالیکه من اصلاآگاهی نداشتم قوماندانان مذکورحتی دوروزقبل فامیل های شان رابه ایران فرستاده بودند• زمانیکه مادرجبهه فراه رودقرارداشتیم آنهاهمه فامیل های شانراکلاخارج ساخته بودند•

بعدازآنکه دیگرشیرازه دفاع، وامنیت، ازهم پاشیده بودوهرکس درتلاش بودبااستفاده ازامکانات وسایط نقلیه شهرراترک وطرف مرزحرکت کندو ساعت دوی شب نیروی طالبان بداخل شهرهجوم آورده وبه محوطه ولایت نزدیک بودند• من مجبوراساعت بعدازدوی شب شهرراترک داده به سوی مرزایران حرکت نمودم •

ن: جنرال صاحب، طی صحبت دیروزه ایکه باآقای عظیمی توسط رادیو بی بی سی صورت گرفته موصوف اظهارداشت که به امروقومانده شما شیندندتخلیه شده و۱۲ساعت بدون کدام مقاومت، وبدون آنکه وسایط و وسایل موجوددرآنجامنتقل یاتخریب گردد• این قوماندانان میگویندکه بعد ازغوروبررسی علل شکست وسقوط هرات مسئولیت آن شخصأبدوش شما انداخته شده وشماراازعهده ریاست شورای نظامی عزل اعلان نمودند• شمادرموردچه نظردارید؟

ا: خداراسوگندیادمینمایم درهمان شب که هرات سقوط نمودومابه ایران آمدیم آقای چکری که انشاالله خودش یک زمانی آنراافشاخواهدنمود، برایم گفت که این یک کودتای پشت پرده بودکه درهرات صورت گرفت • بخاطریکه همین نامردهائی که این حرفهارامیگوینددرباغ آزادی نشستند درحضورهمه برایشان گفتم که چراشمابه جبهه نمی روید؟ اینهاهمه بهانه پول نمودند، ساعت ده صبح، که اسنادهم موجوداست، خودهمین وزرا نشسته وشاهداندکه چهل ملیون افغانی هماندم به عظیمی سپردیم که او حاضرشدبطرف جبهه برود• مبلغ یکصدملیون افغانی بدست خودعلاالدین خان دادیم که اوهم به جبهه رفت، مبلغ یکصدملیون افغانی رابرای شاروال سپردیم که البته اوبه جبهه نرفت • قوماندانی جبهه راهمانروز برای علاالدین خان وظاهرعظیمی تفویض نمودیم • شماازاینهاسوال نمائیدکه چراشمافرارنمودید؟ فرضاًاگرشکست خوردیدچرابداخل شهر شماتوقف نکردیدوبه چه علت) مستقیم بطرف ایران رفتید؟ علاوتاًازآنها پرسیده شودکه جنگ درفراه رودبود، چرادوروزقبل شمافامیل های خویش رابه ایران فرستاده بودید؟ اینهاهمه دلایلی است که کلاافرادمذکور ازشرمندگی که دارنددرینجاسروصدایی رابراه انداخته اندتامردم ازآنها سوال نکنندکه شماچرافامیل های تانرادوروزقبل انتقال داده وحینیکه در جبهه شکست خوردیدچرادرداخل شهراقامت نکرده وازشهردفاع نکردید؟ بخاطرپوشانیدن این شرمندگی هاتلاش میورزندومیگویندکه ماشوراتشکیل میکنیم وازطرف دیگرشماباشرایط اینجاآشناهستیدکه چنین کارهادراینجا صورت میگیرد• بهرترتیب اینهاازخجالت وشرمندگی دورهم جمع شده اند وروزهاتاشام حرف بیهوده وپوچ میزنند•

ن:جنرال صاحب اینهااعلان نمودندبااین فیصله هاکه مابعمل آوردیم کابل کاملاًتوافق دارد• آیامشکلاتی که درهرات بوجودآمده ریشه داخلی و خارجی ندارد؟

ا: من فکرنمی کنم که خوددولت مبادرت باین عمل نموده باشدولی بعضی ازاعضای دولت این دسیسه واختلافات راتقریبأچندماه قبل دامن میزدندکه حتی خوداستادربانی درجریان قرارداشت • من یقین دارم که مسعودکاملاازین دسیسه خبرداردچراکه قوماندانهای مسعودازاولین روزتا آخرین روزمقاومت نمودیم • شمابخداباورکنیدکه درطول جریان جنگ بمن شش سیرم تزریق شده غیرازآنکه چقدردوای دیگربخاطربهبودوضع صحی ام تطبیق گردیده است، یعنی درطول جنگ بدستم سوزن سیروم وصل وبا همان حالت وخیم صحی درخط اول قرارداشتم، ولی این برادران نامردما باوجودیکه برایشان اطلاع میدادیم که ای برادران مادربسترمریضی ایم و جنگ بشدت جریان دارد، شمابیائید، ولی این مردمان نامردحاضرنشدند تادرپهلوی مادرجبهه قراربگیرند• فکرنمی کردندکه مابه شکست مواجه میشویم ووضع بدین ترتیب خواهدشد، اماحال همه ازروزگارخودپشیمان اندکه ماچه اشتباه رامرتکب شدیم •

ن:اگردولت حمایت خودراازهمین شورای نظامی جدیدالتشکیل اعلام نماید، شماچه نظردارید؟

ا: من یقین دارم که دولت مرکزی که کاملاازجریان آگاه است اینکاررا نخواهدکردواگراحیانادولت این کارراپکندیک واقعیت است که این به جهاد یک خیانت است •

ن:تاجائیکه میدانم یک عده مردم درتحیراندکه باوجودیکه گروه نورالله عمادوافضلی باشمادرطول جهادوسه سال اخیرباشمامخالفت داشتندوسعی دربراندازی شماداشتند، چراباوجوددرک این احوال داخل اقدام نشده و چرامردم رادرجریان نگذاشتید؟

ا:این یک واقعیت است که این راخوداستادربانی نیزمیدانست وشخصاًبه هرات آمده وازنزدیک درجریان قضایاقرارداشت ومردم هم این موضوعات راکلادرک میکردند. من یقین دارم که اکنون تمام مردم هرات ومردم افغانستان به کسانیکه دردفاع ازهرات وحوزه جنوبغرب داخل جنگ نشده اندوهمینطوریک دسیسه رابراه انداختندودایمامصروف ومشغول تخریب و توطئه بودند ، مردم به آنان نفرین میفرستندویقین دارم که همه مردم افغانستان درجریان قضایااند. شمابخداباورکنیدکه آقای افضلی بعداز اصرارزیادمن فقط یک شب درقسمت فراه رودامده وبه مجردیکه درآنجا جنگ شروع شداوفورابساعت ۱۲شب به موترش سوارشده ومستقیمابه هرات آمدویکتعدادازوسایط وموترهابه تعقیب اوبهرات رسیدند. من برایش گفتم که ای برادرنامردتوکه فرارمیکردی لااقل به میدان هوایی شیندند ایستاده میشدی ، تولااقل به ادرسکن توقف مینمودی ، توچراازخط مقدم جنگ به موازده شب فرارنموده وراسابه هرات میروی ؟ وزمانیکه اوبه هرات میرسدزن وفرزندخودرابرداشته وبطرف ایران حرکت میکند ، در حالی که درعین وقت دوروزدیگرجنگ درادرسکن واطراف میدان هوایی شیندندجریان داشت •

اینهاهمه یک دسیسه بود ، یک واقعیت است بایداستادربانی ازاینهاسوال نمایدکه چراشماچندروزقبل فامیل های خویش رابه ایران انتقال داده بودید ؟ همین خودتشویش ایجادکردن وبه وحشت انداختن نبود ؟

ن: آقای عظیمی درمصاحبه بابی بی سی وآقای افضلی درتماس تلفونی درجرمنی گفته اندکه ماًاسنادی داریم که اسمعیل خان باجان میجوسفیر امریکادرپاکستان وسردارآصف علی وزیرخارجه پاکستان توافقاتی نموده اندکه باساس آن اینکارهاصورت گرفته • شماچه گفتنی دارید ؟

ا:بخدابازهم سوگندیادمیکنم که نسبت خجالتی که آنهادارندوجداناً ناراحت هستندکه درجنگ اشتراک ننمودندودرآخرین شب که قوماندہ جنگ رابه اینهاسپردیم شکست خوردندوفرارکردندبه ایران ، دیگرچه باید بگویند ؟ خوب است اگرکوچکترین سندی ، کوچکترین گرایشی وکوچکترین حرف راازماپیداکردنددررابطه به این ادعای پوچ وبی اساس خویش ، ماحاضریم بمحکمه ملت افغانستان وحتی جهان کشانیده شویم.

ن:آیامجاهدین شمادراطراف ونواحی ولایت وولسوالی های هرات وجود دارندوبرای آزادی مجددهرات باستانی کدام پلان وبرنامه درنظراست ؟

ا: این واقعیت است که مجاهدین ماباوجودیکه به تشتت وپراکندگی قرار دارندولی دراصل هرکدام درگوشه وکنارمحلات بودوباش وجبهات شان وجوددارندوماهم فعلاًدرفکرتنظیم دوباره صفوف مجاهدین خودهستیم که متاسفانه این مردم نامرددرهمین جاهم برادران رابه تشویش انداخته و حرف های ناروادورازحقیقت پخش میکنندوفعلاًهم تقریبامانع بوجود آمدن یک جبهه واحدوقوی بخاطردوباره آزادسازی هرات میگردند.

ن:جناب جنرال صاحب! اشخاصی چون حاجی میرمعاون ولایت ومولوی خدایدادرئیس محاکم اکنون باطالبان همکاری مینمایندودرراس امورقرار گرفته اند. به نظرشماآیااین یک پلان ازپیش آماده شده میباشد ؟

ا: بلی ملاخدایدادارتباط مستقیم باطالبان داشت ازهمان لحاظ من در ماه قبل اوراازریاست محاکم برطرف ساختم ونامه برطرفی اش راامضا نمودم مگرهمین تعدادخائنان که قبلایادآورشدم آنهاهمه نزدم آمدندو اصرارداشتندکه اوملااست ومردم آزرده میشود. همچنان بعوض مولوی خدایدادشخصٰ دیگری راحیث خطیب مسجدجامع تعیین کردیم وواعظ مسجدجامع آقای مصئون رامقررداشتیم منتهاهمین مردم خائن باعث گردیدندکه مکتوب انفصالی اوراازوظیفه اش دوباره موردتجدیدنظرقرار دادیم ومستردکردیم • این یک واقعیت روشن است که آنهابادشمن ارتباط داشتند.

دراخیر- انشاالله آرزومندیم تامشکلات مرفوع گردیده وقادربه آزادی دوباره ولایات حوزه جنوب غرب بشویم • /

امید از طرف داود میر ، دزد وچپاولگر وتروریست معروف که سفیر مسعوددر پاریس میباشد ، نیز اعلامیه ای نشر کرده که در آن نکات جالب و نو آمده است .یک قسمت آن ازینقرار است :

« ثانیا ، اسمعیل خان قوتهای مستقر در منطقه را بدون مقاومت به عقب نشیني دستور داد ، در حالیکه یکهزار وپنجصد تن قوای کمکي به قوماندانی نجیم خان و ملا صبور از کابل نیز خواسته بود. آنها راعملا در میدان جنگ تنها گذاشت . دلیل این عملکرد اسمعیل خان تا هنوز مرموز بوده ودر آینده روشن خواهد شد. عقب نشیني وی باعث متواري شدن افرادش گردیده وخود همراه با فامیل ونزدیکانش بجانب ایران فرار کرد. داکتر عبدالله نماینده وزارت دفاع ملي دولت اسلامي که بمنظور بر رسي اوضاع نظامي عازم هرات گردیده بود با تعداد محدودی از افراد کمکي در برابر ملیشه های پاکستان بمقاومت پرداخته ومجبور به عقب نشیني شدند. پاکستان با استفاده از فرصت توسط طیارات نظامي دیپوهای « تورغندي » را تخلیه نموده بکویته انتقال میدهد. این حرکات نشاندهندۀ مداخلۀ علني و مستقیم پاکستان در امور داخلي ما میباشد. متعاقبا جنرال عظیمي وجنرال علاوالدینخان در ارتباط با وزارت دفاع ملي افغانستان شورای نظامي را تشکیل داده واسمعیل خان را مسئول حوادث اخیر دانسته و او را از مقامش سبکدوش ساختند . »

تاسیس دومین « رادیو صدای افغانستان »

۱۳ سپتامبر ۹۵: امید شماره ۱۷۷ در صفحه یازدهم (از چپ براست) از تاسیس « رادیو صدای افغانستان » بمدیریت مسئول آقای محمد سعید فیضي در شهر سان هوزی کلفورنیای شمالي اطلاع داده ، اهداف نشراتي آنرا بیطرفي و ثالث بالخیر بودن توضیح کرده است . رادیوی مذکور باراول بتاریخ روز شنبه ۹ سپتامبر ۹۵ از ساعت شش تا هفت نشرات کرده ، افتتاح آن به آواز متخصص سیاست ارتجاعي رژیم رباني یعني داکتر روان فرهادي صورت گرفته ، مصاحبه ای هم با داکتر عبدالله معاون گریزی وزارت دفاع رباني داشته که هر دورا ما نشنیده ایم چونکه رادیوی مذکور محلي بوده در ساحۀ صد میل پخش میشود.

چطوریکه در یکی از شماره های قبلي آئینه افغانستان اطلاع داده بودیم متعاقب بازگشت آقای سعید فیضي از کنفرانس هرات که بحیث « لوده توی » کنفرانس مذکور مقررشده بود ، تصمیم مربوط بتاسیس یک چنل رادیویی برای پخش و تبلیغ سیاست غیر ملي جمعیت اسلامي رباني ـ مسعود اتخاذ گردیده ، مقداری سرمایه نیز از طرف احمد ولي مسعود پنجشیری برادر احمد شاه مسعود پنجشیري برای تدویر آن داده شده بود. در دوران مسافرت اخیرداکترعبدالله به کلفورنیاحدود ده هزاردالراضافي برای تاسیس این رادیو پرداخته شد (داکتر عبدالله از اقارب نزدیک خانم سعیدفیضي بوده ، همین زن که سکرتر کل اختیارعبدالله امین بود وسیله معرفي وشناخت داکتر عبدالله با حفیظ الله امین و حکومت کمونستي وقت را فراهم ساخته بود). اما درآنوقت غلام حضرت کوشان اصرار داشت که عوض رادیو ، یک چنل سرتاسری تلویزیوني مانند آریانا تلویزیون ، بمصرف جمعیت اسلامي باختیار حلقۀ امید گذاشته شود ، لهذا تاسیس رادیو به تعویق افتاد. از جانب دیگر حلقۀ امید غافل از سقوط نا گهاني هرات ، در فکر دوام وبقا وتوسعۀ رژیم

شمارهٔ فوق العادهٔ ٥٦ SERIAL NO. 56

SERIAL NO.56, VOLUME 7, NO.5, SEPTEMBER 15, 1995 - SUNBULLAH 1374

سنبلة ۱۳۷۴ ـ ۱۵ سپتامبر ۱۹۹۵

آئینهٔ افغانستان

شمارهٔ فوق العادهٔ نجات هرات

فهرست مندرجات

کرونولوجی اخبار
با رتباط سقوط هرات ۲
گزارش خبرگزاری دیوپیام ۱۱
انعکاس سقوط هرات در امید ۱۵
تاسیس دومین (رادیو
صدای افغانستان) ۱۹
سرمقاله مدیر مسئول ؛
تحلیل واقعات دو هفته ۲۲
مصاحبه ٤جولای فرهادی ۲۷
محفل دیپلوماتیک در قصر
استور/سید قاسم رشتیا ۲۹
مشکل افغانستان در
کجاست/ سید ش. مجروح ۳۱
دهرات سقوط/پوهاند کاکړ ۳۲
جنگ دوم افغان وروس به
نفع افغانها / دکتور ظفر ۳۳
جوکها و واقعیت ها/شاهین ۳۴
ذکر خیر شاهین؛ ۳۵
پوهاند غفار متوکل ۳۵
عبدالوهاب فرزانه ۳۵
پوهاند نادر عمر ۳۵
سقوط شهر هرات /وهاج ۳٦
رسوائی جنرالهای رپائی
در دهلی/ ۳۷
شیطان در خدمت استعمار
نو / جهاندیده از پاریس ٤
تکرار تاریخ/عزیز احمد
نوری ٤۲
مقاله جالب بروس
ریچاردسن به انگلیسی ٤۰

در این شماره اخبار به صورت تاریخوار درج است. لطفا سرتا پای این شماره را بخوانید تا یک تحلیل همه جانبه میسر شده بتواند.

AFGHANISTAN MIRROR

خیرخواهان به آوارگان پاکستان کمک کنید!

قیمت دو دالر

ماهنامهٔ مستقل ملی، اسلامی و غیر حزبی

ADDRESS: AFGHAN MIRROR
P.O.BOX 408
MONTCLAIR, CA 91763- U.S.A
PHONES: (909) 625-9217 OFFICE
(909) 626 -8314 HOME
FAX : (909) 625 - 9217

رباني - مسعود بودند، و اینکه چه انگیزه ای آنهاراچهار روز بعد از سقوط هرات بتاسیس و آغاز این رادیو واداشته است، درست معلوم نیست . اما اینقدر فهمیده میشود که فاجعۀ حملۀ وحشیانۀ سپاهیان شورای نظار بر حریم سفارت پاکستان در کابل که برای ملت مجاهد افغان آبروریزی بین المللي بار آورد، برای دفاع از سفاکیهای رژیم رباني محتاج تبلیغات نا رواتر میباشد. این رادیو را مردم بی ایریا بروز اول شنیدن آن بدو ملحوظ « رادیو صدای رباني» نام داده اند :

(۱) باین دلیل که گردانندۀ آن سعید فیضي، دهل نواز آن روان فرهادي و میدانیان آن کوشان جانان میباشند، بمصداق این بیت که :

پشه سارنگي و من چنگي و کیکان رقاص   مجلسی بود که شب تا بسحر خواب نبود

(۲) رادیو صدای افغانستان حدود ده سال قبل توسط یک دانشمند مبارز وبیطرف یعني جناب آقای محمد فاروق تمیز تاسیس شده مدت هفت سال نشرات بسیار مفید و آبرومندانه کرده است . عنوان مذکور « رادیو صدای افغانستان» در ایالت کلفورنیاثبت و قدامت رسمي داشته شاید آقای تمیز خود شان برای حفظ حقوق خود اقدام کنند .

یک هموطن خبیر علت تاسیس ناگهاني «رادیو صدای رباني» را اینطور بیان کرد : « ... از دو هفته باینطرف شماره های ۱۷۶ و ۱۷۷ امید بداخل افغانستان نرسیده چونکه قبلا از سه طریق هوائي روان میشد : از طریق جنرالقونسگری پشاور - از طریق سفارت دهلي - از طریق سفارت تهران . حالا بعد از سقوط هرات و حمله بر سفارت پاکستان هر سه طریق مذکور مسدود شده است - گمان نمیرود دولت ایران اجازۀ عبور امید را ازخاک خود بهرات بدهد زیرا طالبان امید و چهرۀ آنرا خوب میشناسند. حدود چهار هزار نسخه امیددر سفارت دهلي تراکم کرده و آنهاتوقف آنرا تا باز شدن راه هوائي تقاضا کرده اند، امید هفته وار حدود پنجهزار دالر از مدرک فروش از رژیم رباني میگرفت، اگر وضع بدینمنوال دوام کند، این دستگاه سقوط میکند و کارکنان آن باید مصروفیت دیگری برای خود داشته باشند ... »

یک خبر عبرت انگیز و تشویش آور از ریوتر

۱٤ سپتمبر ۹۵- ریوتر خبردادکه درحالیکه حکومت پاکستان اتهامات رژیم کابل مبنی برمداخله درامور داخلی افغانستان را پیهم ردمینماید رژیم کابل امروزمدعی شده که چهار صدنفر ملیشه پاکستانی به کمك طالبان بمیدان شهر رسیده تا از ۳۵ کیلومتری بشهرکابل حمله کنند اما منابع طالبان گفتند ادعای رژیم کابل بی اساس بوده چهارصدنفرچی که اگر چهارهزار نفرهم ضرورت باشد ما از منابع خودبمیدان شهر اعزام کرده میتوانیم. طالبان گفتند مورال رژیم کابل ضعیف شده برای جلب توجه بین المللی چنین آوازه ها را پخش میکنند.

ناظرین سیاسی دراسلام اباد گزارش دادند که اولیای پاکستان اصرارمیورزندکه درنزاع بین تنظیمهای افغان بعد ازسقوط رژیم کمونست بیطرف بوده و الزامات کابل درباره کمك پاکستان برای سقوط هرات بی اساس میباشد اما درمکالمات خصوصی پاکستانیها احساسات منفی خود را بمقابل رژیم کابل پوشانده نمیتوانند بلکه انزجارخودرا ازربانی واحمد شاه مسعود اظهارمیکنند . یك مامور عالیرتبه پاکستانی گفت :

" برای ما رژیم بدتری ازربانی ـ مسعود وجود ندارد اما پادشاه سابق ظاهر شاه برای ما بمراتب خوب تر بود."

عدم اعتماد اسلام اباد بالای رژیم کابل بعداز انوقت تشدید یافت که شایعاتی مبنی برارسال کمك هند برای مسعود انتشار یافت . بموجب این راپورها (که کابل و دهلی انرا تردیدنموده است) متخصصین هندی در میدان هوائی بگرام به تربیه پرسونل وترمیم طیارات مسعود مصروف شده اند. پاکستانیها میگویند مسعود بدون کمك ورهنمائی هندوستان ابدا قادر به پرواز واستعمال طیارات خود ازطرف شب شده نمیتواند. اولیای پاکستان باین عقیده اند که حکومت هندوستان اکنون برای خود یك جای پای مستحکم درکابل پیدا کرده است و تصور دوستی وهمکاری کابل با هندوستان برای پاکستان غیرقابل تحمل است .

ناظرین گفتند درحالیکه رژیم کابل اکنون از سه طرف تحت فشار وحمله قراردارد: طالبان ازجنوب و غرب ـ رشید دوستم از شمال و حکمتیار از شرق معهذا پاکستان درانجام این منازعات افق روشنی را منتظر است . وزیر خارجه پاکستان سردار اصف علی درصحبتی باروزنامه (دیلی نیوز) منطبعه ١٤ سپتمبر گفت " هنگام سفر اخیرم درهرات دریافتم که والی اسماعیلخان بسیار ضعیف بوده ویقینا بطرف اضمحلال روان بوده و این چیزیست که اکنون در کابل نیز واقع میشود." روزنامه (نیشن)درسرمقاله امروزخود با یادآوری ازناشکریهای رژیم کابل دربرابر کمکهای پاکستان بمجاهدین افغان نوشته است " اگراولیای دولت ما تصمیم بگیرندکه به رژیم کابل سبقی داده شود ملت پاکستان از آن حمایت خواهد کرد."

سرمقاله اضافه کرده که " اکنون وقت آنست تا ما ازین تشویش خود را برهانیم که گویا کابل را بطرف نزدیکی با هندوستان تیله میکنیم. این نزدیکی قبلا واقع شده است ." سرمقاله خاطرنشان ساخته که " خوبترین چیزیکه اکنون پاکستان انجام داده میتواند اینست که از روش معذرت آمیزي بپرهیزد و بالای خروج دایمی رژیم ربانی ـ مسعود از کابل متمرکز شود."

یك خبر خواندنی و جالب — چگونگی مظاهرۀ امید

بساعت ۹ شام روزپنجشنبه ١٤ سپتامبر اقای محمد قاسم انام خبرنگار تلویزیون (صدا وسیمای افغانستان) درشمال کلفورنیا (شهرفریمانت) بمدیر مسئول اشبنه افغانستان خبرداد که امروز بساعت دوبجه بعد از ظهر درمحل مظاهره حلقه امید وجمعیتی ها در شهرسانفرانسسکو حضور بهمرسانیده بود. اقای انام گفت حدود ۱۸۰ نفر که همه جمعیتی بودند ویکنفر بیطرف در بین شان دیده نمیشد این مظاهره بضدپاکستان را

براه انداخته، آقایان سعید فیضی وکوشان وپسران کوشان سخنگویان عمدهٔ مظاهره بوده آنچه ازدهن شان برآمد بطالبان وپاکستان نثار کردند. اقای انام گفت یکنفر افغان که نام اورا نمیدانم ولی تصویر او دروید یوفلم آمده انتقاد کرد که از دوودشنام فایده ای متصور نیست، باید بالای چگونگی واقعه صحبت شود. همان بود که به آن واحد شخص مذکور زیر لت وکوب قرار گرفت وسر وروی او وخون آلود گردید که تصویر وفلم صحنه در ویدیو قید شده است. آقای قاسم انام اضافه کرد که هنگامیکه من مصروف فلمگیری صحنه ها بودم یکنفر بنام فاروق حمید بمن نزدیک شده میخواست کمره ام را ضبط کند ولی من مقاومت کردم اما فاروق حمید مرا تیله کرد وگفت اگر بفلم گیری ادامه بدهی ترا میکشم. انام گفت من هم اقای فاروق حمید گفتم: تو حق تجاوز وتهدید را نداری زیرا که من بحیث خبرنگار یک دستگاه تلویزیونی اینجا آمده ام ووظیفه دارم برای چنل تلویزیون خود خبر تهیه کنم واگر تو بخشونت ادامه بدهی پولیس را صدا میزنم: آقای انام گفت احساس کردم که تشنج بیشتر میشود لهذا بعدا زگرفتن فلم مستند از صحنه برون شدم وقرار است فلم ویدیوئی این صحنه را در چنل (صدا وسیمای افغانستان) نمایش بدهیم ودر اثر تقاضای من وعده ارسال یک نسخه را نموده است.

تعداد مجموعی افغانها در بی ایریا حدود بیست هزار نفر تخمین میشود ولی با وجود سعی وتلاش و تلفونهای حلقه امید فقط حدود ۱۸۰ نفر در مظاهره شان که یک تظاهر کاذب بود سهم گرفته بود که همه جمعیتی و از هواخواهان و وطندار ان احمد شاه مسعود پنجشیری میباشد. بموجب اطلاع منابع دیگر تعداد اشتراک کنندگان در مظاهرهٔ مذکور صرف ۲۵۰ (دوصد وپنجاه نفر) گزارش یافته که حدود ۲۵ زن در آن [illegible] جمعیتی [illegible] بوده است.

۱۴ سپتامبر بی بی سی - طالبان درهرات همه مکاتب اناث را مسدود کرده اند. اناثیکه دردفاتر حکومتی مصروف کار بوده اند ازوظایف شان سبکدوش شده اما دکانها باز وترافیک شهری فعال است. بقول کسرا ناجی که مستقیما ازهرات راپور تیلفونی میدهد عوام مشوش و وارخطا بنظر میرسند. وی میگوید هرات درسه سال گذشته آرام بود ومردم با داشتن اسلحه بداخل شهر عادت گشت وگذار نداشتند اما طالبان درهرکوچه و خیابان با حمل کلاشینکوف گردش دارند موجبات تشویش مردم را فراهم اورده است. مردم از درگرفتن یک جنگ تشویش دارند. طالبان عفو عمومی را اعلان کرده وحرکاتی دال براعمال انتقام جویانه بنظرنمیرسد.

طالبان درولایت غربی افغانستان که آنرا اخیراً اشغال کرده اند تطبیق قانون شرعی را اعلام داشته اند. ملاها را بحیث آمران اداره های حکومتی مقرر کرده وهمه زنان را که در ادارات دولتی کار میکردند رخصت کرده اند امل زنانیکه بحیث نرس یا داکتر کار میکردند مانند سابق مصروف کارند. بسوال وجواب ذیل بی بی سی با کسرا ناجی توجه کنید:

سوال - آیا علایم واضحی در هرات بنظر میرسد که هرات تحت کنترول طالبان قرار دارد؟

جواب - زندگی بگونه عادی جریان دارد. دکانها باز اند ترافیک بطورعادی جریان دارد. وضعیت فزیکی نشان میدهد که وضع بکلی طبیعی است. البته وقتی با مردم تماس گرفته شود نشانه های ابراز بیم و هراس اشکار میشود. وقتی از ایشان بپرسید ازچی بیم دارید؟ میگویند از اغاز یک جنگ دیگر ومعلوم هم نیست که چی کسی با کی خواهد جنگید. احساس عمومی ناشی از ناآرامی است. وقتی شام نزدیک میشود خیابانها همه خالی میشوند واهالی شهر بخانه هایشان میروند. وجود طالبان در شهر محسوس است زیرا مردان مسلح شان در خیابانها حضور دارند وملبس بلباس افغانی اند. اکثر شان با کلاشینکوفها و (   ) مسلح میباشند. نظر باراه سه سال گذشته درهرات وضع فعلی برای اهالی عجیب وجدید است.

سوال - طالبان اعلام داشته اند که قانون شرعی را بمنصه تطبیق قرارخواهند گذاشت البته حاکمان قبلی نیز خود را حامیان شریعت میخواندند. پس تفاوت دربین درجه بندی ایشان چیست؟

جواب - البته موضوع درجه بندی مطرح است. ایشان طالبان ساده ای اند که نقش ساده ای ازدولت اسلامی در ذهن خود دارند. واقعا اگرایشان نظرانداخته شود خود نمیدانند که چه میخواهند. وقتی از طالبان سوال شود که چی میخواهند؟ پاسخ شانرا در عمومیات ارائه میدارند زیرا ایشان فقط شاگردانی اند که سالها را در مدارس پاکستانی بسربرده اند وکمتر میدانند که وضع افغانستان چگونه دچار تغییر شده است. ایشان افکاریرا که در مدارس شان کسب کرده اند تطبیق میکنند واین دربرخی اوقات منشاء ایجاد اشکالات خواهد شد. طورمثال اینجا درهرات ایشان دچار مشکلات خواهند شد زیرا این شهربا درنظر داشت معیار افغانی جلورفته و آزاد است وبناء طالبان با پرابلمی سردچار خواهند شد که آن چیزیرا که طالبان در آرزوی آن میباشند اهالی هرات نخواهند پذیرفت.

سوال - اهالی هرات دری زبان اند وطالبان پشتون اند. ابعاد این پرابلم چقدر هست؟

جواب - این نیز یک پرابلم است زیرا پس از سالیان متمادی پشتونها که به پشتو تکلم میکنند برمنطقه ای تسلط یافته اند که تاجیک اند ودری زبان. مثالی میدهم. دیروز با سران طالبان صحبتهائی داشتیم ایشان برای هرات یک والی مقرر کرده اند که به دری تکلم نمیتوانند و دری را خیلی کم بلد است ولذا همیشه یک ترجمان بمعیت اوست. طالبان بیشتر چنین اشخاص را در راس دفاتر بکار گماشته اند وایشان با زبان محلی نابلد اند.

کسرا ناجی علاوه کرد که طالبان قندهار میکوشند تا طالبان هرات را نیز بخود جلب ویکجا سازند ولی در هرات طالبان بسیار کم است. ناجی گفت امروز مجلسی با اشتراک طالبان وسران اهالی هرات درجامع مسجد بزرگ هرات دایر شده بود. موضوع طرح شده سران این بود که اکتساب علم ودانش برمرد وزن فرض است پس مکاتب زنان چرا مسدود شوند؟ طالبان در پاسخ گفتند که ما ازمرکز اداری خود درکندهار سوال میکنیم اگر ایشان اجازه دادند مکاتب را بازخواهیم کرد. کسرا ناجی افزود که شهر هرات وحومه های ان حدود پنجاه هزار متعلمات و سه هزار معلم زن دارد. ازین زنان در مکاتب ذکور نیز تدریس میکردند. وقتی زنان را از کار خارج منازل برحذر داشتند، مکاتب پسران نیزدراثر قلت معلم مسدود گردید.

شمارهٔ فوق العادهٔ ۱۸

اخرین خبر از بی بی سی توسط کسرا ناجی

شام پنجشنبه ۱۵ سپتامبر ۱۹۹۵ – بعد ازشام امروز که مردم بخانهٔ های خود داخل شده بودند وکوچه ها ها خالی بود در سه نقطه شهر صدای فیرهای تفنگ شنیده میشد ویك انفلاق بزرگ در مرکزشهر شنیده شد صبح وقت مردم محل بموضع انفلاق شتافتند ودیدند که در یك موضع طالبان واقع در مرکزشهر دردیوار احاطه یك سوراخ بزرگ ایجاد شده واز بین همان سوراخ یك ماشین بزرگ جنریتر برقی بکوچه پرتاب شده است . در داخل محوطه یك کانتینر بزرگ نیز انفلاق کرده بود . طالبان گفتند بهنگامی که می خواستند به جنریتر برق تیل بیندازند انفلاق رخ داده است و کسی زخمی نشده است . اما درشهرهرات آوازه است که تعداد زیاد طالبان زخمی شده اند واین انفجار توسط طرفداران حکومت ربانی تنظیم شده است . ناجی گفت اگر این خبر حقیقت داشته باشد پس تشویش مردم شهر که جنگ دیگری واقع میشود صحت دارد واین انفلاق را میتوان اولین حمله گوریلائی طرفداران حکومت کابل دانست .

اخطار طالبان

امروز طالبان بحکومت ربانی درکابل اخطار شدید دادند که اگر استعفی نکنند با شدیدترین حمله بالای مواضع حکومت در شهر کابل یورش خواهند برد. طالبان مردم شهر کابل را درپیام شان مخاطب قرارداده گفتند : ما نمیخواهیم بشما آسیب برسد(ما بالای شما حمله نمیکنیم) هدف ما رژیم غاصب کابل است که سبب قتل وبرادرکشی در افغانستان گردیده . شما مردم کابل اگر میتوانید از شهر برون بروید ودر غیر آن بخانه هایتان باشید . طالبان باعضای کوردپلوماتیك و چندسفارتخانه مقیم کابل نیز اخطار داده اند که یا از کابل برون شوند ویا طالبان را مسئول ومقصر ندانند.
گفته میشود که طالبان بذرایع مختلف با یکتعداد قوماندانان رابطه وتماس قایم ساخته وانها را تشویق بعدم همکاری با حکومت نموده اند . در حال حاضر ربانی – مسعود – سیاف یك قدرت مشترك را تشکیل داده میخواهند برای دوام غصب قدرت جنگ کنند. بعضی منابع باین عقیده اند که سیاف میخواهد از کابل فرار کند اما احمد شاه مسعود او را تحت تعقیب شدید قرارداده است .
از سرویس خبری خالد پشتون که اخبار هرات مورخ ۱٤ و۱۵ سپتامبر را بدسترس ما گذاشته صمیمانه تشکر میکنیم و دوام این همکاریهای وطنپرستانه شانرا تقاضا داریم .

بخش دوم

تحلیل واقعات ورویداد های دو هفتهٔ اخیر

سرمقاله مدیر مسئول

بسم الله الرحمن الرحیم

از سقوط امپراطوری روم اکنون حدود دوهزار سال سپری گردیده وصد ها اثر تحقیقي و تحلیلي در زمینه انتشار یافته که بنظر من تحقیق مورخ مشهور ویل دورانت خوبترین آنست . معهذا عطش تحقیق در آنباره هنوز دوام داشته، دریکي ازشماره های نیوز ویک ماه جولای ۹۵ خواندم که دو پوهنتون واقع در شرق امریکا کومیته علمي مشترکي تاسیس کرده اند تا برخي وجوه سقوط امپراطوري روم را سراز نو کاوش ورسیدگي نمایند.

هنگامیکه بازار علم وتحقیق دوباره در کشور درهم شکستهٔ ما رونق پیدا کند وشاید فرصتي بفاصلهٔ دونسل راایجاب کند ، آنوقت پژوهشگران افغان چگونگي سقوط آني هرات در چهارم سپتامبر ۱۹۹۵ را سر از نوکاوش خواهند کرد، ازینجاست که من این رساله را برای استفادهٔ پنجاه سال بعد اکنون بدسترس اهل تتبع میگذارم.

از یک هفته باینطرف هرنوع خبر از هرمنبعي که پیرامون سقوط هرات بدست آمده درین رساله گنجانیده ام والبته دوام آن در صورت بقای حیات در شماره های آینده تعقیب خواهد شد. وظیفهٔ ژورنالستي ایجاب میکند تا درزمینه تحلیلی تقدیم خوانندگان شود تا آنچه در کرونولوجي شامل نیست ودرخلال سطوربما رسیده نیزدر علل سقوط هرات گفته آید.

علل سقوط هرات را باید بدو جانب مطالعه کرد: جانب داخلي و جانب خارجي.

درجانب داخلي دو نوع علل میتوان یافت : علل اصلي و علل تصادفي .

علل اصلي باساس سنجش و معلومات محدود این طالب العلم ازینقرار است :

اول) شکل ادارهٔ غاصبانه ،انحصاري وتنظیمي ولایات توسط جمعیت اسلامي که با سنتهٔ حکومت داری در افغانستان از تاسیس افغانستان نوین توسط احمد شاه بابا در قرن هجدهم میلادي تا ۱۹۹۲ منافات و مغایرت دارد.

دوم) عدم اعتماد ، عدم صمیمیت و عدم علاقه بکشور بین قدرتمندان جمعیت اسلامي :

(یک) صمیمیت بین مسعود پنجشیري وبرهان الدین رباني مدتیست رخت بربسته ولي مجبورند در مواردی بالای یکدیگر اعتماد سیاسي داشته باشند.
(دو) صمیمیت و اعتماد بین اسماعیلخان هراتي و احمد شاه مسعود پنجشیری وجود نداشته است . مثال اول آن کنفرانس هرات است که احمد شاه مسعود پنجشیري آنرا تحریم بلکه سبوتاژ کرد، چونکه کنفرانس بهدف اصلي خود که وعدهٔ قطعي انتقال قدرت بود نایل نگردید .مثال دوم آن کودتای داخلي توسط گماشتگان مسعودپنجشیري درهرات وعزل اسماعیلخان ازعهدهٔ زعامت ورهبری هرات در اوائل سپتامبر ۹۵ میباشد،
(سه) بین اسماعیلخان و برهان الدین رباني صمیمیت وجود نداشته اینها مجبور بودند در مواردی از اعتماد سیاسي بالای یکدیگر کار بگیرند .مثال آن نرفتن رباني بوقت موعود برای اشتراک در کنفرانس هرات ورفتن بهرات درختم کنفرانس مخنران پانزدهه از ولایت هرات و رسیدن بیک توافق ضمني (اعتماد سیاسي) برای دوام حکومت رباني در کابل و دوام زعامت اسماعیلخان در هرات ودوام همکاری متقابل نظامي بمقابل دوستم وحکمتیار(در آنوقت طالبان و وحدت تتق نکرده بود)
(چار) مثالهای بیعلاقگي اسماعیلخان هراتي، مسعودپنجشیری وبرهان الدین رباني خیلي زیاد است ودرسطور ذیل جا بجا از آن یادآوری خواهیم کرد، عجالتاازپالیسیهای قومي و لساني آنهانام میبریم که فلسفه ومفهوم آن در شعار های « تاجک فرق همه» و « یا تخت است یا تابوت » نهفته است .

علل تصادفي در خلال رویداد های عیني پدید آمده، قرار ذیل تلخیص میشوند :

اول) واهمه از قدرت اسماعیلخان: در جشن نمایشي هرات اسماعیلخان یک اردوی مجهز ومنظم سي هزار نفری به نمایش گذاشت و بعد از کنفرانس هرات از تشکیل یک اردوی صد هزار نفری سخن میراند. احمد شاه مسعود پنجشیري از قدرت نظامي اسماعیلخان واهمه داشت (عدم صمیمیت وعدم اعتماد) و در فکر تضعیف وتخریب آن بود: جنرالهای اسماعیلخان رابادادن رشوتها ووعده ها بخود متمایل ساخت ودربین اردوی اسماعیلخان نفرهای خود ونفوذ خود را داخل ساخت .

دوم) واهمه از زعامت اسماعیلخان : بعد از کنفرانس هرات ، جانشیني زعامت اسماعیلخان در جمعیت اسلامي بعد از رباني قسما تشبیت شده بود، اما مسعود پنجشیري آنرا نمیخواست، لهذا نورالله عماد و افضلي را بجان اسماعیلخان اورکش میکرد ودر کابل نیز جوان بچه های قومي خود از قبیل داکتر عبدالله و عبدالرحمن را بمقابل اوپرانچه کرده بود.

سوم) در مقابله با طالبان، تاکتیک مسعود این بود که کار مشکل و بار ثقیل حمله و اشغال رابه اسماعیلخان بگذارد، مثلا باو میگفت « طالبان را محو کن، قندهار هم از تو باشد». اسماعیلخان ساده شد که به تشویق مسعود پنجشیری بمنظور اشغال قندهار ۹۰ فیصد سپاه و قوای خود را بین هرات وگرشک (فاصلهٔ ۵۰۰ کیلومتر) پراگنده ساخت .

چارم) گناه نا بخشودني داکتر عبدالله: متصل اشغال گرشک توسط قوای مشترک اسماعیلخان و شورای نظار ، داکتر عبدالله، این شیر بچهٔ جنگي رژیم رباني، از هرات مصاحبه ای پخش کرد وگفت هدف و اقدام بعدي ما در ظرف سه روز آینده اشغال قندهاراست . این مصاحبه در عین روز بقندهار رسید و طالبان تا توانستند آنرا در بین مردم قندهار، دهات و ولسوالیهای مربوطه پخش کردند.

پنجم) تجاوز بر زن وناموس: چند نفر از قوماندانان بیعقل پنجشیری وهراتي هنگامیکه در نواحي هلمند مسلط شدند بالای زنهای پشتون تجاوز کردند وحتي گفتند قوماندان اسماعیلخان اجازه داده تا زنها را بهرات ببرند.

ششم) طغیان مردم: اخبار مندرجهٔ فقرات چهارم وپنجم که طبعا توسط طالبان دامن زده میشد درسراسر ولایت قندهار ومربوطات آن چنان تشویش وآشوبی براه انداخت که مردان موسفید وپسران جوان از دورترین قریه جات خود را بقندهار رسانیده تقاضای اسلحه کردند. طالبان حدود بیست هزار نفر را مسلح ساخته بمحاذ گرشک انتقال دادند و اولین ضربه وشکست شدید بقوای هرات در اواخر آگست توسط همین سوقیات حواله شد که قوای هرات حدود یکصد کیلومتر درظرف ۲۴ ساعت عقب نشیني کرده تلفات سنگین متحمل شدند. آقای عبدالاحد کرزي که بهنگام اشغال مجدد گرشک واشغال شیندند هنوز درقندهار بود ، بتاریخ ۶ سپتامبر در یک صحبت تلفوني از واشنگتن با تائید شایعات فوق،بمن گفت که بچشم خود یک جمعیت چهار هزار نفري را بدورادور عمارت ولایت قندهار دیده که تقاضای اسلحه و اعزام بمحاذ هرات، را داشتند. اما مقامات ولایت با عذر ومعذرت برایشان میگفتند نه اسلحه دارند ،نه وسائل ترانسپورتي ونه آذوقه که بانها نان وغذا رسانده بتوانند.کرزی گفت دراثر تهدید داکتر عبدالله برای اشغال قندهار

وشایعات مربوط به اختطاف وبی ناموسي زنهاچنان هیجاني در مردم پدید آمد که همه مردان قندهارو اطراف آن بشمول حواشي سرحدي و اچکزائیهابرای دفاع از وطن وناموس بار اول بحمایت از طالبان خود را بقندهار رساندند.
آنچه رژیم کابل ادعا میکند که قوای تازه دم بطالبان رسید درست است، اما این قوا از پاکستان نی بلکه از داخل مربوطات قندهار وحواشي سرحد بقندهار ریخت وقرار مسموع حدود سي فیصد مردان اچکزائي مسکون در حواشي سرحد مسلح هم بودند. پس علت طغیان مردم عمدتاً خطابه های بی سنجش وبیموقع داکتر عبدالصمد بود.

هفتم) بموجب خبریکه در دوجای همین رساله ثبت شده است، قوماندان سرپرست شیندند موسوم به عبدالرحمن بخاطر عدم قبول متخصصین روسي وهندی بامر اولیای هرات کشته میشود وپدرش حاجي عبدالعزیز علیزائي شیندندی که یکنفر جمعیتي معروف بوده ووالي فراه بود بانتقام خون پسر با طالبان در اشغال شیندند همکاری میکند. قرار مسموع اقلا سه قوماندان دیگر جمعیتي از قوم پشتون نیز درسقوط و اشغال شیندند با طالبان همکاري کرده اند که هویت شان بعدا افشا خواهد شد.
ضرب المثل « آب اگر صدپاره گردد باز باهم آشناست » را در نظر بگیرید. درست است که یکعده عناصر پشتون بشمول قوماندان لالي از طالبان نا راض شده نزد اسمعیلخان ورباني پناه بردند وتوسط آنها تجهیز شده بمقابل طالبان بجنگ و مقاومت اعزام گردیدند. این قوماندانان قندهاري (که قوماندان اسمعیلخان در مصاحبهٔ خود از مشهد آنها را نامرد خوانده از دست آنها استغاثه دارد وموجودیت آنها را در خط اول جبهه علت اصلي شکست لشکر خودقلمداد میکند) ،قرار مسموع وقتیکه پلان سقوط قندهار بدست جوان بچه عبدالله و تجاوزبرناموس قوم خود را میشنوند، میدانند که اگر موفق باشغال قندهار هم شوند، مردم و قوم خود شان آنها را اعدام خواهد کرد، لهذابرای رفع خجالت ومسئولیت خط اول جبهه راترک میدهند و کي خبر دارد که اینها نیز با طالبان در خفا جور نیامده باشند ؟
از آنچه دیدیم، تاکتیک جوان بچه های جمعیتي که پشتون های ناراض را در خط اول جبهه بمقابل طالبان قرار داده وقوای هرات وشورای نظار را در عقب آنهاجابجاساخته بودند، کارگر نیفتاده سرخود شانرا خورد.

(هشتم) هرچه نباشد قوماندان اسماعیلخان حربي پوهنځي راخوانده ،یک تورن تحصیل یافته ووارد بمسلک عسکری بوده تجربه جهادی و قهرماني نیزدر جبههٔ غرب داشته است، اما جوان بچه داکتر عبدالله داکتر چشم دورهٔ کمونستي از آغوش حزب کمونست باین مقام رسیده، احمد شاه مسعود پنجشیري اورااز کابل بهرات میفرستد تا قوماندهٔ عملیات نظامي گرشک وشیندند را بعهده بگیرد. گویا مسعود پنجشیری قبلا سقوط واشغال قندهار راپیش بیني میکرده وبرای اینکه این کریدت بقوماندان اسماعیلخان تکیه نکند، گماشتگان خود رابهرات میفرستد.
طالبان در حالیکه داکتر عبدالله را میگذارند که بسهولت تا گرشک پیشروی کند وفقط در گرشک با او مقابله کرده اورابشکست و عقب نشیني مصروف میسازند، در عین زمان یک قوای کوچک یکهزار نفری خود را بهمکاری قوماندانان جمعیتي از راه عقب جبهه طور خفیه به شیندند میرسانند ودر یک حمله ناگهاني از طرف شب میدان شیندند را با تمام اسلحه و طیارات و گدامهای آن طور سالم اشغال میکنند. سقوط شیندند بالای سپاهیان شکست خوردهٔ هرات در جبههٔ گرشک چنان تاثیر وارد میکند که طوریکه قوماندان اسماعیلخان در مصاحبه خود گفته است، شکست خورده های گرشک ،بشمول جنرالان وقوماندانان آن ،عوض آنکه بطرف شیندند بروند و مقابله کنند ،راسا بطرف هرات ترغو نموده یکعده از ترس فورا بطرف ایران فرار میکنند. یکبار دیگر مي بینیم که تاکتیک نظامي طالبان که از عقب جبهه قوای بیست هزار نفری متشت هرات راغافلگیر ساخته قسمت اعظم آنرایا ازبین میبرند یا اسیر میگیرند، بالای تاکتیک جوان بچه عبدالله داکتر چشم برتری داشته است.

(نهم) قوای تازه دم مسعود که توسط طیاره به ادرسکن میرسد تا همرای قوای هرات یک خط دفاعي رابرای حفظ ودفاع از هرات تشکیل بدهند، این سپاهیان هدفمند نبوده به پول خریداری شده اند، وازجانب دیگراز شکست ومورال ضعیف قوای هرات و سقوط شیندند خبر شده درفقدان رهبری صادق قرار دارند. قوماندان اسماعیلخان در مصاحبه اش میگوید که بدونفر جنرالان خود آقایان علاوالدین و ظاهر عظیمي که بدون پول حاضر نبودند بجبهه بروند، بهرکدام صدهاملیون افغاني داده تا حاضر شده اند بجبهه بروند، ومتعاقب رسیدن بجبهه در اولین برخورد پول نقد را غنیمت دانسته فرار رابرقرار ترجیح داده اند. ملاحظه بفرمائید، جنرالیکه هدفمند نبوده محض بخاطر پول بجبهه برود ودر برابر او هم طالبان هدفمند قرار داشته باشد که نه بخاطر پول بلکه بخاطر عقیده واسلام میجنگند، نتیجه همان میشود که قوای رباني در ادرسکن شکست خورده، طالبان سر راست بشهر هرات داخل میشوند، و اسمعیل خان که از یکطرف با یک کودتای داخلي مواجه شده و اختیارات او را سلب کرده اند واز طرف دیگر قوماندانان وسپاهیان طرف اعتماداو بدسترسش قرار ندارند ،از ترس اینکه توسط جمعیتي ها ترور نشود ویا مشک بسته اسیر نگردد، هرقدر اسعار کار آمد وجواهرات و طلا باب که داشته در موتر ها انداخته همرای اهل وبیت و یکتعداد مشاورین خود بطرف ایران فرارمیکند.
شما اطلاعیهٔ تروریست داودمیر سفیر رباني درپاریس منتشره صفحهٔ سوم شماره ۱۷۷ امید را بخوانید، در یک جای آن گفته شده که طالبان با « ملیشه ها در حدودنود ملیارد افغاني و ملیونها دالر اسعار خارجي بانک هرات را تاراج نمودند.» ما نمیدانیم که اسماعیلخان چقدر بانکنوتهای ده هزار افغانیگي پول افغاني رادربانک هرات عقب گذاشته

بود زیرا بانکنوتهای رباني که در روسیه چاپ شده در ایران ارزش وخریدار ندارد، اما اینقدر معلوم شده که صد ها بوجي اسعار خارجي (دالر، پوند، مارک وریال ایراني) حتي آثار باستاني موزیم هرات در پنجاه لاری بایران برده شده و از آنجمله نیم ملیون دالر را جوان بچه داکتر عبدالله در مشهد تصاحب نموده است .

(دهم) قومندان اسماعیلخان فقط در سال اول حکومتداری خود درهرات محبوبیت داشت چونکه با رعایت اصول مردم داری حکومت میکرد. هر قدر که نفوذ جمعیت و مسعود در هرات بیشتر گردید و رباني ـ مسعود توجه اسماعیلخان رااز ولایت هرات بطرف توسعه وزمینگیری بولایات مجاور جلب نمودند ، بهمان اندازه روش مردمداری اسماعیلخان بروش دیکتاتوری نظامي مبدل گردید و محبوبیت خود را در بین مردم از دست داده از مردم دور وبیگانه شده بود.به تجار وسرمایه دار هرات امتیازات زیاد داده بودو فکر میکرد تنهابحمایت این طبقه حکومت کرده میتواند. سیتسم عسکری جلبي را بزور حتي بالای جوان بچه های ۱۵ ساله تحمیل کرد . درگزارش اشغال شیندند آمده است که ششنفر بچه های ۱۵ ساله در حالیکه کارطوس فیر نکرده ، جنگ ننموده و زخمي نشده بودند، از ترس و دهشت زهره ترق شده از دهن شان خون سر کرده بود. نتیجه همانست که دیدیم مردم هرات طالبان را بامسرت و گلپاشي استقبال نمودند . پوهاند داکتر کاکر درمقاله خود که درین شماره نشر شده میگوید : « حقیقت اینست که هراتیان در دوره مقاومت ملي مردانه مقاومت کردند، و اکنون درجنگ جنگ سالاران از جنگ خود داری نمودند. همانطور که آنها در قیام بزرگ هرات (بمقابل شوروی) نام نیک کمائي کردند، همانطوراکنون در جنگ برادرکشي موجوده با جنگ نکردن نام آور شدند.» جناب داکتر عبدالصمد حامد نیز در مصاحبهٔ رادیوئی مورخ ۱۰ سپتامبر خود گفت که مردم هرات از جنگ خسته شده وقوماندان اسمیلخان با درک این واقعیت و هم بمنظور جلوگیری از برادر کشي راه فرار رادرپیش گرفت .

در جناح خارجي علل سقوط هرات مداخلات خارجي مشهود است،امانه بنحوی که رژیم کابل مدعي آن میباشد. وانگهي این مداخلات خارجي نیز از بیکفایتي رژیم رباني و عدم شناخت ودرک پروبلمهای ذیدخل در بعد خارجي قضیه افغانستان میباشد :

اول) بزرگترین گناه واشتباه نابخشودني رژیم رباني تقرر جوان بچه نجیب الله لفرائي در راس وزارتخارجهٔ کابل میباشد. این شخص که از نام او مشهود است (لفراء قریهٔ ایست در جوار بخارا) نه بافغانستان علاقمند است، نه بمنافع مردم وکشور افغانستان ، و نه استعداد وکفایت درک معضلات ذیدخل دربعد خارجي افغانستان وجستجوی راه های حل آنرا دارد. این شخص که از خویشاوندان محمد خان جلاللرمیباشد، داکتر روان فرهادي بارتباط اخواني بودن خود، در زمرهٔ اقلیت ها برای او چانس تحصیل بامریکا داده بود و کسانیکه تیسس دکتوری او رادیده وخوانده اند میدانند او چه نوع « داکتر» است . کالجي که لفرائي از آن دپلوم گرفته از نوع کالج هائیست که از راه مکاتبه و کورسهای کاست شده دپلوم میدهد. خط مشي و جهانبیني عمدهٔ سیاسي نجیب الله لفرائي در سیاست خارجي افغانستان اینست که رژیم کابل باید مناسبات خود را با روسیه فیدرالي نورمال و دوستانه بسازد. و این درست در قطب مخالف آرزوهای مردم مجاهد افغانستان قرار دارد.

دوم) از زمانیکه لفرائي تاس سیاست خارجي رژیم کابل رابازی میکند، سیاست او بطرف نزدیکی با روسیه،تاجکستان، ایران و هندوستان متمایل بوده است، آنهم بقیمت خرابي مناسبات با پاکستان ، عربستان سعودي و ازبکستان . حقیقت را نمیتوان نادیده گرفت که پاکستان در جهاد افغانستان سهم و کمک بزرگ نموده ورعایت خاطر پاکستان بمقابل هندوستان برای هر حکومت افغانستان وجیبه وفرض میباشد، خصوصا که هندوستان در تمام دوره جهاد در پهلوی شوروی و حکومتهای کمونستي دست نشانده روس ایستاده بود. سیاست نزدیکي رژیم رباني با ایران و دعوت از ایران برای تربیه کادر سیاسي وزارت خارجه وتربیه معلمین ونظامیان و اجازه دادن بایران برای گسترش نفوذ فرهنگي در افغانستان، نه تنهااکثریت نفوس پشتون رآآزرده و مشکوک ساخت، بلکه پاکستان و عربستان سعودی را نیز مظنون گردانید.

سوم) رقابت واضح اما مسکوت بین ایران و پاکستان برای دستیابي ببازار های کشورهای نو تاسیس در شمال از طریق دهلیز هرات توسط لفرائي و حکومت اوهضم ودرک شده نتوانست . لفرائي حتي اگر رسالهٔ وزین دکتور سید عبدالله کاظم تحت عنوان « دهلیز هرات » را مطالعه میکرد بخصوصیات این رقابت حساس و اهمیت دروازه های غربي و شرقي هرات پي میبرد. لفرائي در بدل پنجاه ملیون کلدار قرار داد اعمار شاهراه غربي را با پاکستان بست که یک اشتباه بزرگ بود،اما به زودي ازین تعهد سرباز زد، چونکه لقمهٔ چربتر از ایران یافته بود، واین هم بشکاکیت ورنجش پاکستان افزود. رژیم رباني از پاکستان میخواست دوام وموجودیت آنرا درافغانستان تضمین کند، ولي اینکار از عهدهٔ پاکستان بخاطری ساخته نبودکه ازیکطرف میدید رژیم رباني ازحمایت اکثریت مردم افغانستان برخوردار نیست ، واز جانب دیگر حکومت و مردم پاکستان با پشتونهای مسکون در حواشي سرحد گذارهٔ عمری و دایمي داشته، نمیتواند برخلاف تمایلات اینها تعهدی بجانب دیگر بدهد، وبالاخره رژیم رباني را باید کور ونابینادانست که نمي بیند لوی درستیز کنوني پاکستان ، وزیر خارجه ووزیر داخلهٔ آن پشتون استند . شخصیکه در راس سیاست خارجي

یک رژیم قرار میگیرد باید واقعیت های عیني کشور خود و منطقه را مدنظر قراربدهد اما دو شیطان پهلوان سیاست خارجي رژیم رباني ، یکي داکتر روان فرهادی ودیگری نجیب الله لفرائي، هردو میخواهند سیاست خارجي رژیم رباني رااز طریق دشمني و اضمحلال قوم پشتون به پیش ببرند که یک سیاست تبعیضي و نابخردانه است و پاکستان نمیتواند آنرا تضمین کند.

چهارم) در عرصهٔ دوسال اخیر دیدیم که ملل متحد ، کنفرانس کشور های اسلامي،امریکا وپاکستان بتکرار سفارش کردند که حکومت رباني از قدرت کنار رفته جای خود را بیک حکومت انتقالي وسیع البنیاد بگذارد. اما لفرائي و فرهادي بخاطر جفظ چوکي خود و ولینعمتانش میگویند بگذار دنیا هرچه میگوید بگوید ، ما قدرت را بزور ماشیندار نگاه میکنیم. یعنی سیاست لفرائي ـ فرهادي برتر از سیاست دنیا است .پاکستان بسیاست و موقف ضعیف رژیم کابل در صحنه بین المللي و ناتواني آن برای چاره جوئي مستشعر بوده با مخالفین این رژیم کمکهای لوژستیکي کرده ومیکند. پاکستان با هرسه جناح مخالف رژیم کابل (حکمتیار ، دوستم و طالبان) مناسبات حسنه داشته، آنها رابرسمیت شناخته ونمایندگیهای آنها را در اسلام آباد یا پشاور پذیرفته است ، اما به یقین کامل پاکستان در عملیات اشغال شیندند و هرات توسط طالبان نه تانک ارسال کرده نه طیاره ونه سپاهي. طالبان خود شان هرسه را داشتند .تازه سه ونیم ملیون کارطوس از طیارهٔ روسي نیز بدست آورده بودند. ولي انکار شده نمیتواند که کمکهای لوژستیکي (تیل، آرد، بوره ، برنج و روغن) از طریق پاکستان نرسیده باشد ، خصوصا که طالبان دهلیز غربي را برای عبور کاروانهای پاکستان کاملا مسلط شده اند.

پنجم) حمله وحشیانه برحریم سفارت پاکستان توسط رژیم کابل که ظاهرا باتهام مداخلهٔ نظامي پاکستان ولي اصلا وواضحا برای تقویت مورال سپاهیان شورای نظار صورت گرفت ، یک اشتباه بزرگ دیگر لفرائي بود که شاید بقیمت تباهي رژیم او تمام شود. ملل متحد یادداشت و مدعیات رژیم رامقرون بواقعیت نیافته رد کرده ، کنفرانس کشور های اسلامي این حملهٔ وحشیانه را تقبیح و همه کشور های جهان بشمول فرانسه آنرا مذمت نموده اند. اگر لفرائي ورژیم او کمترین بینش سیاسي میداشتند باید از پاکستان معذرت میخواستند. شخص دیگری بنام غفور زی که چهار سال پیش در نیویارک مر غ فروشي میکرد، اکنون در موقف سخنگوی رژیم در حال سرنگوني، حیثیت « لوده سخنگوی » را پیداکرده، مدعي است که برای ثبوت مداخلهٔ پاکستان اسناد و مدارک معتبر دارد. وقتي از او این اسناد را خواستند ، گفت : « ما توسط واکي تاکي مخابرات شفاهي دونفر پاکستاني پشتو زبان را با طالبان شنیده ایم. دیگر ، یکشب پیش از سقوط شیندند در کویته قیود شبگردي وضع شده بود !» حالا شما را بخدا این منطق معین وزارت مرغ فروشي رباني را ببینید و در رژیمیکه اینقدر حماقت باشد یقینا بسقوط مواجه شدني است .من ا زا هلخبره دعوت میکنم نا مه دونفر(وزیرومعینوزا رتخا رجه)حکومت ربا نیبعنوا نسرمنشیمللمتحدوبیا نیه ۷ سپتا مبرآ نها را بدقت بخوا نندوبفهم وسویه ا ین دوطفل سیا ست نمبرلیا قت بدهند.

حالا چه باید کرد ؟ و درین قسمت ما آنچه شرط بلاغ است میگوئیم :

۱) اگر رباني ـ مسعود واقعا خواستار جلوگیري از خونریزی وبرادر کشي استند باید رباني فورا استعفي داده قدرت را بشاروال کابل انتقال دهد وخودش برای مدتي به پنجشیر یا بدخشان برود. یا بخارج کشور.

۲) تلاشها برای دوباره اشغال هرات توسط جنرالان گریزی از خاک ایران « حنای بعد عید » است . طالبان شهر هرات را بدون خونریزی اشغال کردند ولي تلاش مذبوحانه جنرالان گریزی موجبات قتل وخونریزی و تخریب شهر خواهد شد و مسئول این ویرانیها نیز حرص و آزجمعیت رباني خواهد بود. این تحریکات جائي را هم نمیگیرد ویگانه ثمرموقت آن برای جمعیتي ها (که در حقیقت ضرریست برای افغانستان) هماناتشویق ایران است برای مداخلات بهرات که ازآرزوهای قدیم ایران میباشد ، ولي ما امید واریم اولیای ایران واقعیت های جهاني و منطقوی را در نظر گرفته خود را بازیچهٔ دست جنرالان گریزی قرار ندهند. ما یقین داریم که در صورت مداخلهٔ ایران همه گروه ها و قوه های افغاني در یک صف با طالبان و مردم شریف هرات از استقلال و تمامیت ارضي افغانستان دفاع خواهند کرد.

۳) شهر باستاني هرات یک شهر افغانستان عزیز است و طالبان نیزافغان میباشند ،تسلط و ادارهٔ موقت شهر هرات توسط طالبان ،آنطور که توسط افراد گریزی جمعیتي و رژیم عقده مند کابل دامن زده میشود،تسلط اجنبي نبوده بلکه تسلط مردم افغانستان است بر کشور شان، باین معني که اکنون مردم شریف هرات بهمراهي طالبان بر منطقهٔ وسیعي از هرات تا دروازه های کابل مسلط شده اند. همانطور که طالبان حق داشتند هرات عزیز را از چنگال ستمکاران و غداران نجات بدهند، همه مردم افغانستان حق دارند کابل رااز دست تبعیض گران نجات دهند. هرات همانقدر سرزمین مشترک مردم قندهار است که قندهار وبلخ وکابل سرزمین مشترک مردم هرات میباشند. برادران ما طالبان در حالیکه امور دفاعي و نظامي را موقتا در دست دارند ، باید ادارهٔ ملکي هرات را بدست مردم شریف هرات بسپارند وثابت سازند که برای مردمداري آمده اند نه برای بهره برداري.

لطفا دوستان تانرا بخواندن آئینه تشویق کنید

۴) مردم هرات مردم با فرهنگ استند، طالبان باید در توسعه وگسترش فرهنگ هراتیان که از غنایم فرهنگ افغانستان است همکاری و مساعدت کنند، نه در محدود ساختن و مقید نمودن آن .اسلام مقدس و عزیز در افغانستان مستحکم و مستقر بوده، است و خواهد بود. اسلام در افغانستان متزلزل نبوده ونیست، اما در شرایط حاضر موجودیت وتمامیت ارضي افغانستان متزلزل است . طالبان باید اولتر افغانستان را مستحکم بسازند بعد از آن پروگرام مذهبي خود را پیاده سازند. رعایت مذهب، خصوصامذهب شیعت و صیانت برگزاری مراسم مذهبي اهل تشیع وظیفهٔ جدی نظام سیاسي ـ اداری کشور میباشد. مردم افغانستان از محتسب بازی بد میبرند. دین مقدس اسلام دین اختیاری است نه اجباري ورابطه بین خالق (ج) و مخلوق مستقیم است نه بالوسیله. البته تعمیل شریعت غرای محمدی (صلعم) وظیفه هر حکومت اسلامي میباشد..

۵) مردم شریف هرات به تعلیم وتربیه زنان و اولاد خود علاقهٔ خاص دارند. در هرات حدود پنجاه هزار دختر شامل مکتب و سه هزار معلمات وجود دارد، اینها یک غنیمت بزرگ بشری میباشند که باید پرورش یابند وتقویت گردند. در کعبهٔ الله، خانهٔ خدا (ج)، زن ومرد مساویانه حضور میابند، مساویانه نیایش میکنند ومساویانه برکات وبخشایش میگیرند. طالبان باید هیات هائي بکشور های عربستان سعودی، اردن، مصر، سودان و اندونیزیابفرستند و از روشهای اسلامي آنها درساحهٔ تعلیم وتربیهٔ زن بیاموزند. در طول تاریخ زن افغان مسلمهٔ خوب، مادر خوب و همسر خوب بوده است. حقوق و حرمت زن را باید گرامي دانست.

۶) سقوط حکومت کابل حتمي است، زیرا مردم کابل ازین حکومت و شورای نظار که آنهارا بزیر لولهٔ تفنگ گروگان واسیر نگهداشته اند، نفرت دارند. ۸۰ فیصد نفوس افغانستان بمقابل این حکومت غاصب قیام کرده است. حالا بر اولیای حریص این حکومت است که بطور مسالمت آمیز با تقدیم استعفی خود را کناره میکنند یابا قبول خونریزی قهرا وجبرا از بین برداشته میشود.اگر اشخاص با بصیرت و مصلح درین حکومت نفوذي داشته باشند باید از تباهی وخونریزی جلوگیری کنند، ولي در صورت لجاجت و مقاومت بدوام غصب،مسئولیت تمام بدبختیها وتلفات بدوش رباني ـ مسعود خواهد بود. امید واریم و دعا میکنیم اسلام و عقل برین آزمندان چیره شوند تا از راه مسالمت آمیز بارادهٔ مردم تن در دهند وکناره روند. آمین یا رب العالمین.

بنده ٔ خدا (ج)
دکتورها شمیا ن

دروغهای داکتر روان فرهادي

قسمتهائي از مصاحبه فرهادي باروشان خادم در کانادا

«د افغانستان ملي ژغ رادیو» تورانتو، کانادا، مورخ ۴ جولای ۱۹۹۵

خادم: آقای رباني و مسعود از هند ۲۱ طیارهٔ جنگي نخریدند ؟
روان : این تهمت مطلق است، یک دروغ است ودروغ گفتن در پیش خداوند مسئولیت دارد . هیچ ضرورت ندارند باین طیارات، طیارات بسیار دارند، طیاره هم دارند، هر چیز دارند، تمام قدرتیکه در دست نجیب بود امروز بدست دولت کابل است، مقدار زیادش، البته یک مقدارش بدست طالبان افتیده که اونها بکمک پاکستان آمدند ویک قسمتش البته پیش حکمتیار بود، اون هم از دستش رفت بسیارش، اما ۸۰ در صدش بدست دولت کابل است ...

روان :اطمینان دارم که اگر خدا بخواهد شما بتوانین برای یک مدتي بروین بافغانستان بهرجای افغانستان که میروین.
خادم : والله اگر تضمین حیات مرا بکنین صبا میروم.
روان: من همین حالا تضمین حیاتت را میکنم صد درصد، کابل اگر میروین ...
خادم: چه تضمین میکنین، در کابل خو همین حالا مردم گریختانده میشوند.
روان: در کابل هیچکس گریختانده نمیشود، در کابل بخدا اگر همین حالا اگر یک گوسفند را کسی بگریزاند، در کابل من شب برآمدم، روز برآمدم، بیخي آرامي مطلق بود.
خادم: من صاحب ازیک جریان بسیار خصوصي خبر دارم، خصوصي باین معنی زمانیکه شما بکابل رفته بودین وبانتر کانتینانتل بودین، وقتي دوباره برگشتین، شما در یکي از محافل فامیلي تان گفتین که کابل حیثیت باغ وحش را دارد، نه آب گرم دارد نه آب سرد...
روان : من هرگز اینرا نگفتم...

خادم: در افغانستان هنوز جنگ خاتمه پیدا نکرده صاحب
روان : همین حالاپوهنتون باز است، شاگردها میروند وحیران مانده اند بیچاره هاکه هیچگونه معلم صحیح ندارند، افغانستان دیگر آرام است، حالا موضوع جنگ ختم شده درکابل.
خادم: نی نی صاحب، نی، اینراشما یقین داشته باشین که تصادمات دیگر راخواهد دیدیم ما وشما، تا که یک راه حل اصولي و اساسي که تمام مردم قبول نکنند...

روان: اونمونجه یک شفاخانه است که دوا ندارد ومریض در او میرود وبه او شفاخانه اگر کمک برسد و صلح هم مطلق در همون شهر کابل است . حالا آدم چرا برای او شفاخانه جان نکند که به او کمک کند؟ اینکه فرض کنیم استاد رباني در اونجه شیشته مانع ازین نمیشود که آدم به او شفاخانه کمک نکند .
خادم: نی، مانع نمیشود، اماشفاخانه دیگر روز پس تخریب میشود، باز جنگ میشود، باز بساره میشود.
روان: نمیشود تخریب، خودت که در کابل همین حالا بروي میفهمي که دیگر کس زور ندارد که در کابل بیاید.
خادم: ني ني ني آنطور نیست .
روان: والله اگر دیگر کس میبود کلایش میرفت، همین را بلا کردند که... یعني هیچ حالا کسي قدرتی نیست که بکابل حمله کند.
خادم: اینطور نیست صاحب .
روان : خود دیگر خو همینطور چیز است. همین فرض کنیم که گپ خودت صحیح ، فرض کنیم که شش ماه بعد دوستم کابل رامیگیرد، حالا سر ازو هم به او شفاخانه کمک نمیکني ؟
خادم: من باین فکر هستم که بعوض اینکه در همین شرایط فعلي من پشت شفاخانه بگردم وپیچکاري می آورم، چرا برای حل اساسي مشکل تلاش نکنیم صاحب ؟ وحل اساسي مشکل خو این نیست صاحب که شفاخانه بسازیم. ما از مدرک شفاخانه خراب نیستیم، ما از مدرک نداشتن یک زعامت خراب استیم صاحب .ما ازمدرک نداشتن یک امنیت خراب استیم، ما از مدرک داشتن سلاحهای ثقیله تا گلو که هر دوطرف غرق استند یا کل اطراف غرق استند ،ازین خراب استیم صاحب، حل مشکل باید تلاش برای خاطر ازین شود صاحب ، چه فایده که من مکتب نجات را جور کنم وباز صبا سرش دوستم بمب پرته، یعني چي ؟ شفاخانه جور شد صبا سرش او دیگه بمب پرته ...
روان : همین منطقي که خودت میگوئي که مي مکتب نجات را جور کنم سرش بمب پرته، اینمي را بعضی المانیها هم میگویند وما با او الماني میگوئیم که ني دیگر سر ازین بمب نمي افتد ، خلاص .
خادم: نی، این خود امکان ندارد، شما چه اثبات دارین یا چه دستاویز دارین بخاطر همین حرف تان ؟
روان : دستاویز اینمي است که امروز همو کسانیکه در کابل آتش می باریدند اونها هموقوت را دیگر ندارند.
خادم: این خو قبول شده نمیتواند صاحب ؟
روان: دیگر خلاص شد : مزاری اونه اونطور شد ، اونه طالبان اونطور شد ، حکمتیار اونطور شد .
خادم: ودیگرشما چه فکر میکنین که آقای رباني یکه تاز میدان است ؟
روان: ني، حالا باید یک دولتی بیاید و یک دولتی که اتحاد کل افغانها باشد او رویکار بیاید و اوقدرت نظامي را بگیرد، خلاص .
خادم: واین اتحاد خو سر رباني نمي آید دیگر، پس مشکل موجود است ؟
روان : من نمیگویم که این اتحاد سر رباني می آید.
خادم: اینه حالا خو مشکل موجود است صاحب، مشکل حل نیست .
روان : حالا مشکل که حل نیست، این قضاوت یک کسی است که کابل را ندیده .
خادم: شما صحیح میگوئید مه خو کابل را ندیده ام.
روام: کابل را که ببیني، اونمونجه یک آدم بیچاره می آید ومیگوید مه و حاجي فلاني یکجای شدیم این شفاخانه را دراونجه ساختیم واینمي شفاخانه را تا این وقت هم که بود در وقت نجیب هم برای ما دوا میرسید ، واینه حالا دوا ما نداریم، واینه حالا ما اینجادونفر رامعالجه میکردیم یک وقتي رسید که همو راهم توانش را نداشتیم. در او صورت باز خودت میفهمي همو کمکي که مثلا یک موسسه ای میکند یا سازمان صحی جهان میکند ، او کمک بسیار مهم است .
خادم: حالا خو صاحب شما میگوئید که مردم می آیند برایتان میگویند که زمان نجیب ما دوا داشتیم، شفاخانه داشتیم، حالا نداریم، خي پس ازین معلوم میشود که نجیب ازینها کرده بهتر تربود، پس برآیند دیگر ...

خط دفاعي کابل بهتراز خط ماژینوست !

قابل تذکراست،درمصاحبه فوق بتاریخ ۴ جولای ۹۵(که یک بخش کوچک، حدود یک بر بیستم حصهٔ آن در فوق گزارش یافته) و در چند مصاحبهٔ پیشتر ازین، آقای داکتر روان فرهادی، این مسلمان نمائی که از قدرت عز وجل (جل جلاله) منکر و به تفنگ و قدرت احمد شاه مسعود (پنجشیري) ایمان آورده، پیهم اصرار و تبلیغ میکرده که قدرت رباني - مسعود لایزال ، غیر قابل شکست و غیر قابل تسخیر است ... او میگوید دیگر کسي قدرت رسیدن بکابل را ندارد، کسي بالای کابل راکت و بمب انداخته نمیتواند ،کسی مسعود - رباني را شکست داده نمیتواند ، و حتی در یک محفل خصوصي در نیویارک از ترتیبات دفاعي مسعود (پنجشیري) بدورادور شهر کابل بسویهٔ « بهتر از خط ماژینو » توصیف نموده است. ماز شنیدن این بیانات داکتر فرهادي که همیشه خود را مسلمان صادق قلمداد کرده و میکند راجع بایمان او نیزمشکوک میشویم که حتی یک « هندو مسلمان » هم اینطورایمان متزلزل نمیداشته باشد ، زیرا مومن مسلمان مانند مرحوم استاد عبدالرحمن پژواک قدرت اوتعالی (ج) را بالاتر از قدرت ماشیندار و خط ماژینو میداند ، لهذا بارتباط ایمان مرد مسلمان بقدرت اوتعالي، اینک دو بیت مرحوم پژواک را یکبار دیگر نشر میکنیم، ولی اصرار نمیورزیم که داکتر فرهادي و هم مسلکان اوبمفهموم این بیت ایمان پیدا کنند :

شمارهٔ فوق العادهٔ ۱۸

کشتي دشمن اگرخواهدخدا،خواهد شکست موج اگر نتوان شکستن، ناخداخواهد شکست
گر خداخواهد پر کاهیست ایمن ازدرخش بال سیمرغی هوازی،از هوا خواهد شکست

درخش بمعني روشنائي ، تابش . هوازی بمعني ناگهان.

داکتر روان فرهادي درحالیکه سه ونیم سال است ازخون مردم افغانستان ماهوار ششهزار دالر معاش میگیرد، در راه تطبیق پلان صلح ملل متحد سنگ اندازی کرده، توجه ملل متحد و دنیا را عوض اینکه بحل مشکل اصلي و سیاسي افغانستان جلب کند؛ بکار های فرعي و زودگذر از قبیل تعمیر مکتب و شفاخانه جلب نموده که هدف آن دوام رژیم غاصب رباني و حفظ چوکي و معاش خودش میباشد . این شیطان سیاسي رژیم رباني در قتل و خونریزی و تولید نفاق وجنگ اندازی بین مردم افغانستان کمتر از مسعود و سیاف و رباني دست نداشته است . دکتور فرهادی در مصاحبهٔ فوق دروغهای شاخدار هم گفته است (که بگفتهٔ خودش یقینا نزد خداوند مسئول میباشد). مثلا در یکجا آقای روشان خادم از او میپرسد : « حالا که شما کابل رفته و سلطنت رباني را دیدید ، آیا حدود اربعهٔ سلطنت رباني را برای هموطنان بیان کرده میتوانید ؟ و داکتر فرهادی میگوید : « از طرف شمال شرق تا دریای آمو...» فاعتبروا یا اولي الابصار.

بنده ومعترف بقدرت او تعالی مورخ ۷ سپتامبر ۱۹۹۵
دکتور سید خلیل الله هاشمیان

محفل دپلوماتیک در قصر استور

از لابلای خاطرات گذشته
محترم دکتور سید قاسم رشتیا از سویس

افغانستان وایران دوکشور همجواری میباشند که بیش از اکثر کشور های همسایه جهان وجوه مشترک بیشتر باهمدیگر دارند ودر عین زمان همین قرابت جغرافیائي و اشتراک تاریخي و فرهنگي موجب بروز اختلافات وتصادمات گوناگون میان آنها گردیده است ،چنانچه اگر بصفحات تاریخ نظراندازی شودمعلوم میگردد که در جریان حوادث ومدوجزرهای تاریخي گاهي یکي گاهي دیگری بر قسمت هائي از خاک همدیگر برای عرصه های کوتاه یا دراز تسلط یافته اند. اگر در دورهٔ هخامنشي ها و ساسانیان ایران بر قسمتي از خاک افغانستان کسب نفوذ نموده، بالمقابل در دورهٔ غزنویان و غوریان افغانستان بر حصهٔ بزرگ سرزمین ایران مسلط گردید ، همچنین اگر در ادوار نزدیک نادر افشار چند سالي بر قسمت های غرب و جنوب افغانستان تا کابل حکمراني داشت؛ قبل از آن هوتکیها بر تمام ایران وبعد از عصر نادر افشار ابدالیهای افغانستان بر بخشهای شرقي آنکشور مدتي حکمروائي کرده اند که باین قسم چه از لحاظ زمان و چه از نظر دفعات این رفت و آمد ها و سلطه جوئیها با هم موازنه میشود.

اما باوصف این حقایق ثابته، برادران ایراني ما در قرن گذشته با استفاده از پراگندگي اوضاع افغانستان و مصروفیت های مردم وزمامداران ان در جنگهای آزادي بمقابل قوای متجاوز بالخاصه انگلیس در نشرات خود وهم از طریق تلقین به نویسندگان خارجي چنان وانمود کرده اند که گویا افغانستان در تمام طول تاریخ جزئی از ایران بوده و بنابران همه افتخارات ملي وباستاني آن که در متون معتبر تاریخي ثبت وقید است وقدامت آن به پنجهزار سال یعني خیلی پیش از آغاز شاهنشاهي هخامنشي در ایران میرسد ، مال و ملک ایران میباشد وهمین طرز تلقي نادرست وخود غرضانه باعث گردیده است که از یکطرف اختلافات فکري را میان روشنفکران دوکشور همسایه وبرادر بوجود بیاورد واز سوی دیگر بزمامداران کوتاه بین ایران موقع داده است تا وقتا فوقتا با بهره برداري از مشکلات داخلي افغانستان ،بشمول انهماک مردم و دولت افغان بجنگهای آزادي ،بر قسمتهای غربي خاک کشور ما تجاوز نمایند که جنگهای مشهور هرات در نیمهٔ اول قرن ۱۹ ومقاومت شجاعانهٔ مردم هرات در برابر آن که هر دو دفعه با شکست وعقب نشیني قوای ایران منجر گردید ، نمونهٔ آنست .

اما متاسفانه این روش دور از علائق همسایگي و برادري تا زمانهای ما بعد که افغانستان در سومین جنگ افغان و انگلیس استقلال کامل خود را تامین کرد نیز دوام داشت چنانچه در دوران بحران داخلي که منجر به برهم خوردن بساط سلطنت مترقي شاه امان الله گردید (که البته دست اجانب بالخاصه انگلیس در آن دخیل بود) بار دیگر زمامداران ایران بفکر برآورده ساختن خواب های خام گذشته افتاده، پس از آنکه شاه امان الله در قندهار پیشنهاد کمک نظامي ایران رابرای پس گرفتن تاج و تخت (که در حقیقت بهانهٔ برای داخل کردن قوای ایران بخاک افغانستان بود) با تشکر ردکرد، دولت ایران بلافاصله بسوقیات نظامي باستقامت سرحدات افغانستان آغاز نمود وپانزده هزار عسکر مجهز ایران بسوی هرات بلا فاصله بسوقیات نظامي باستقامت سرحدات افغانستان آغاز نمود وپانزده هزار عسکر مجهز ایران بسوی هرات بحرکت در آمدند ، اما ایندفعه نیز بخت بانها یاری نکرد زیرا شخصیکه از طرف حبیب الله کلکاني مشهور به بچهٔ سقاء بولایت هرات تعین شده بود نه تنها بحیث یکفرد وطنپرست افغان اولتر ازهمه حفظ نوامیس ملي وصیانت مرز های کشور را از دستبرد بیگانگان وظیفهٔ ملي و ایماني خود میدانست، بلکه خودش یک سپاهي کهنه

شمارهٔ فوق العادهٔ نجات هرات

بسم الله الرحمن الرحیم

ماازخوانندگان آئینه احتراما خواهش میکنیم مندرجات ، اخبار واسناد این شماره رابدقت بخوانند !!!

اول: بخش کرونولوجي اخبار

۲۸ آگست ۹۵- ریوتر خبر دادکه طالبان تهدیدات و اولتیماتومهای روسیه راجع برهائي طیاره و هفت نفرعمله طیاره روسیه در قندهاررا نادیده گرفته بالمقابل تقاضا نموده اند تا یک کنفرانس بین المللي باشتراک ملل متحد روی بحث پیرامون موضوع طیارهٔ روسي دایر گردد. طالبان در برابر رهائي طیاره روسي وعمله آن شرایط ذیل را پیشنهاد کرده اند : (۱) تهیه و تسلیم فهرست اسیران مجاهدین در روسیه در دورهٔ جهاد (۲) وعدهٔ تادیهٔ غرامات جنگ بافغانستان از طرف روسیه (۳) معذرت رسمي روسیه بارتباط ارسال اسلحه و مهمات نظامي برژیم کابل (۴) تعهد رسمي روسیه که بعد ازین در امور داخلي افغانستان مداخله نخواهد کرد.
طیاره روسي حامل سه ونیم ملیون کارتوس ماشیندار و دوصندوق مرمیهای ضد طیاره که روانهٔ کابل بودقبلا از طرف طالبان در قندهار فرود آورده شده بود ودرحالیکه همه جراید و آژانسهای جهاني این خبررا با همین تفصیل نشر کردند ، نشریه امیدکه در استخدام رژیم رباني قراردارد در چهار شمارهٔ خوداز ((طیارهٔ روسي دارای محمولات مهم)) خبر داد وتا اخیر نگفت که سه ونیم ملیون کارتوس و دوصندوق مرمي ضد طیاره در طیاره [illegible]
. نویسندگان و ملیون افغان در مهاجرت از موفقیت طالبان در فرود آوردن طیارهٔ روسي و تقاضاها و شرایط ملي و افغاني طالبان در مقالات متعدد منتشره در نشریهٔ وزین ((آوازملت - دملت ژغ)) بگرمي استقبال و حمایت نموده اند.

۲ سپتامبر ۹۵- فرانس پرس و بي بي سي خبر دادند که دیروز قوای طالبان بر مواضع گرشک و فراه بطور ناگهاني حمله نموده قوای مجهز وتازه دم رباني - مسعود راشکست داده شهر گرشک را دوباره متصرف شدند وقوای رباني حدود یکصد کیلومتر بطرف شیندند عقب نشیني نموده است. سخنگوی وزارت دفاع رباني در حال اعتراف باین شکست و عقب نشیني آنرایک حرکت تکتیکي خوانده است .

۳ سپتامبر ۹۵- اسوشیتید پرس و بي بي سي خبردادند که بزرگترین پایگاه هوائي افغانستان واقع در شیندند دیشب بدست طالبان فتح شده است .منابع طالبان گفته اند که بعد از زدوخوردهای بسیار شدید در اطراف میدان، پایگاه شیندند را اشغال نموده اند. منبع مي افزاید که درنبرد شیندند ، نظامیان جمعیتي توسط اسماعیلخان رهبري میشدند. دربارهٔتلفات چیزی گفته نشده اما یک منبع طالبان گفت که بعد ازفتح شیندند پنجاه تن پیلوت، تعداد کثیر تانکها وزره پوش وسلاح مختلف النوع بدست طالبان افتاده است. بقول نطاق طالبان مقیم پاکستان قوای ایشان اکنون بسوی هرات در حرکت اند .همین منابع خبر دادند که بعد از اشغال شیندند قوای طالبان بسوی ادرسکن درحرکت میباشند. فرانس پرس ازقول اولیای وزارت دفاع رباني خبر داد که از بي نظمي لشکر اسمعیلخان شکایت داشته گفته اند که اردوی اسماعیلخان در برابر یورش طالبان درگرشک ، فراه وشیندند مقاومت نتوانست . اینها گفتند که شکل جلبي وپشکي تشکیل اردو که اسماعیلخان براه انداخته مفید وموثر نبوده بلکه سپاهیان باید طور داوطلب بمعاش گزاف استخدام شوند ، همانطور که احمد شاه مسعود پنجشیري اردوی شورای نظار را تشکیل داده است .

۳ سپتامبر ریوترخبرداد که طیارات جنبش رشید دوستم دیروز وامروز میدان هوائي شیندند وهمچنان میدان هوائي شهر هرات را بمباران نمودند. گفته میشود که ترصد وتراکم زیادطیارات بین شیندند وهرات محرک این بمباردمان بوده است . نماینده جنبش هکذا گفت شورای هماهنگي اخطار داده که اگر طیارات اجنبي بدون اطلاع واجازهٔ قبلي در قلمرو شورای هماهنگي دیده شود جبرا فرود آورده خواهد شد. نمایندهٔ جنبش گفت طیارات تاجکستان روزانه ۱۵ تا ۱٦ پرواز ازطریق قلمرو فضائي شورای هماهنگي برای رژیم کابل اسلحه و مهمات نظامي نقل میداده اند که بعد ازین متوقف خواهند شد.

۳ سپتامبر- ریوترازقول داکتر عبدالله (که از طرف احمد شاه مسعود پنجشیري بحیث رئیس تنظیمیه ملکي ونظامي هرات مقرر شده) خبردادکه طالبان شهر دلارام را از قوای رباني تسخیر نموده بمارش جانب هرات پرداخته اند. وی از شکست وعقب نشیني قوای تحت قوماندهٔ خود اعتراف نموده گفتً ((بعضا چنین اتفاق مي افتد ، این طبیعت جنگ

کاری بود که میتوانست با هرعمل تجاوزکارانه بشدت جواب بگوید. او بمشاهدهٔ اولین حرکات نظامي ایران قوائی را که در اختیار خود داشت بسوی سرحد ایران سوق داده و به نمایندهٔ دولت ایران اخطار داد که اگر قوای ایراني به فاصلهٔ معقولي از سرحد افغانستان عقب کشیده نشوند بقوه آن راازنزدیکي مرز دور خواهد کرد.... (درین قسمت حدود ده کلمه از فوتوکاپی متن قسما حذف شده قابل خواندن نبود - اداره آئینه)

همانست که در اثر این اقدام بموقع وجسورانه، قوای اعزامي ایران در ظرف چند روز از سرحدات افغانستان بیرون شده وضع بحال نورمال برگشت ودیگر هیچیک حادثهٔ از اینطرف تا زمان استقرار اوضاع افغانستان رخ نداد.

حال برمیگردیم بشرح صحنهٔ دلچسپي که با این واقعه بي ارتباط نبوده وهشت سال بعد از آن در کابل رخداد ومن شاهد آن بودم. مقدمتاً باید گفته شود که در سال ۱۹۳۷ معاهدهٔ دفاعي سه گانه میان افغانستان، ایران و ترکیه در تهران بامضاء رسید که بنام معاهدهٔ (سعد آباد) مشهور است و در حقیقت دنبالهٔ پلاني بود که مرحوم شاه امان الله در دوران سفر معروف خودآنرا با کمال اتاترک و رضا شاه پهلوي بغرض همکاري و تقویهٔ موقف دفاعي این سه کشور مستقل منطقه در میان گذاشته بود واکنون بملاحظهٔ مصروفیت های روس و انگلیس در اروپا (جنگ داخلي اسپانیا)، هرسه دولت باحیای آن مبادرت ورزیده بودند. این قرار داد راازطرف افغانستان علي محمد خان وزیر خارجه امضاء کرده ودر ضمن همین سفر از وزیر خارجهٔ ایران آقای باقر کاظمي دعوت کرده بود تا بافغانستان سفر نماید والبته این اولین سفر یک وزیر ایران بافغانستان بود که در سال ۱۹۳۸ میلادی صورت گرفت. باین تقریب محفل با شکوهي در قصر استور که مهمانخانهٔ وزارت خارجه بود ترتیب یافته بود که در آن صدراعظم و تمام اعضای کابینه، روسای مجلسین و مامورین عالیرتبهٔ لشکري و کشوري و کوردپلوماتیک اشتراک داشتند.

مرحوم نایب‌سالارعبدالرحیم خان صافی

زمانیکه آقای باقر کاظمي با لباس رسمي بمعیت سفیر کبیر ایران آقای علي اکبر بهمن وارد تالار قصر گردید، علي محمد خان شخصا آنها را بمدعوین معرفي نمود. البته قبلا با صدراعظم ملاقات کرده بود وباقي وزراء در یک قطار اخذ موقع کرده بودند. وقتیکه نوبت بمرحوم عبدالرحیم خان صافي وزیر فواید عامهٔ وقت رسید وعلي محمد خان میخواست او را به مهمان محترم خود معرفي نماید، عبدالرحیم خان با صدای با صلابتي که داشت به آواز بلند گفت: «حاجت بمعرفي نیست، ما یکدیگر را خوب میشناسیم، من ایشانرادر زمان اغتشاش داخلي که در آنوقت جنرالقونسل ایران در هرات بودند در ظرف ۲۴ ساعت از خاک افغانستان اخراج کرده بودم...» و پس از اندکي مکث که همه حاضرین بشمول سردار محمد هاشم خان صدراعظم از این گفتار صریح و بیملاحظه سخت نا راحت شده بودند، اضافه کرد: «اما اکنون که دو کشور و دو دولت همسایه باهم باردیگر دوست و همکار شده اند، من بایشان از صمیم قلب خیر مقدم میگویم و دست شانرا برادرانه می فشارم.»

لحن آشتي جویانهٔ کلمات اخیر، شدت جملات اول را تا اندازهٔ تلافي نمودو در حالیکه آقای کاظمي با خندهٔ اجباري سخنان او را تصدیق میکرد، علي محمد خان برای رفع تشنجي که ایجاد شده بود، بشنیدن سخنان مابعد او که از علایق نیک دوکشور یاد آوری کزده بود، بکف زدن پرداخت که همه حضار در آن شرکت نمودند و فضای محفل بحال عادي برگشت.

قابل یادآوریست که آقای باقر کاظمي که داماد محمد علي فروغي نخست وزیر و دانشمند مشهور ایران بود دردوره های مابعد (دههٔ چهل) بحیث سفیر کبیر دولت شاهنشاهي ایران بکابل اعزام گردید و در نزدیکي مزید دوکشور همسایه و همکیش نقش مثبتي بازي کرد. ختم.

ادامه صفحهٔ 31

نه تنها والی، بلکه امیر می نامید با یك تهدید از بین رفت و خوابهائیکه میدید تعبیر نشد. دیگران هم با این سرنوشت مواجه هستند اما متاسفانه عبرت نمیگیرند و آن قصیده حکیم سنائی غزنوی را بیاد میدهد که گفته است:

این جهان بر مثال مرداریست — کرگسان بروینَد هزار هزار
ان یکی مر ورا زند مخلب — وان دگر مر ورا زند منقار

لطفا دوستان تانرا بخواندن آئینه تشویق کنید

مشکل افغانستان در کجاست ؟

محترم سید شمس الدین مجروح

برای تشکل یك جامعه و دوام وبقای موجودیت یك جامعه سه عامل مهم ضرورت است که به آن مختصر اشاره خواهم کرد. عوامل وموجبات خورد وریزدیگر هم موجوداست که ازمباحث جامعه شناسی بشمار میرود ولی ما ازینکه بحث دراز نشود از آن منصرف میشویم .

سه عامل مهم عبارت است از (۱) وحدت ملی (۲) قوهٔ امنیه واردوی ملی و (۳) رهبروزعیم ملی . که من بتوضیح آن بطور خلاصه خواهم پرداخت :

۱ ـ وحدت ملی که یگانه عامل تشکل هویت ملی است، ملت میتوانند درهنگام بروز حوادث ویا تشکیل و ترتیب دولت وموسسات اجتماعی دیگر باکثریت تصمیم بگیرد وارادهٔ خود را عملی کند. این تصمیم و اراده ملی یا بصورت رای عامه (شوری، پارلمان وجرگه) تبارزمیکند ویا توسط قیام ملی (انقلاب ومجادله) صورت میگیرد. حالا ببینیم این عامل در افغانستان چه نقشی بازی کرده میتواند ؟

در افغانستان وحدت ملی در خطر از بین رفتن است و، گر بکلی از بین نرفته تضعیف شده است .مردم یا به تنظیمات تقسیم شده اند ویا بنام قوم وقبیله یا منطقه باهم در زد وخورد هستند.قوماندان های خودسر و والیان خود مقرر از تاسیس حکومت مرکزی وگرد هم آئی ملت برای جرگه و شوری هراس دارند که قدرت فیودالی (ملوك الطوایفی) شان از بین خواهد رفت . بزرگان قوم و روشنفکران و سیاسیون بیچاره وبی اختیار شده اند وزعامت ملی و مردمی در دست جنگسالاران، قوماندانان وملایان افتاده است . همین علت است که ناآرامی ومداخله خارجی وجنگ وجدل دوام کرده ودوام خواهد کرد.

۲ ـ قوهٔ امنیه واردوی ملی که میتواند در مقابل تجاوز اجانب وبیگانگان بدفاع استقلال وتمامیت خاك خود بپردازند وجود ندارد. افراد مسلح که دیروز بنام مجاهد یاد میشد امروز بصورت نوکران واجیران شخصی درامده اند وازجنگسالار مربوط بخود شان پیروی میکنند. دسپلین ونظام اداری موجودنیست. قوه امنیه که بتوانند از حدوث وقایع جنایات (آدمکشی ودزدی وتاراج) جلوگیری کند وجودندارد و اگربنام موجود است غیر موثر وغیرفعال است . وحالانکه درممالك پسمانده برای استقرار وامنیت، قوای مسلح و اردو یگانه عامل بشمار میرود ـ مثلا در سوریه وعراق ولیبیا و زمان حکومت نظامی پاکستان همین عسکر واردو بود که خلای ارادهٔ ملی و آرای عامه را پرکرد. واین را میتوان "" اهون الشرین "" گفت که ازانارشی بهتر است .

۳ ـ رهبر وزعامت ملی که کرسماتیك و جالب باشد میتوانند سمبول وحدت ملی وعامل همزیستی عناصرمختلف باشد. واقعات وانقلابات بزرگ درجهان اکثر توسط رهبران دینی ودنیوی ملت ها صورت گرفته است . متاسفانه در افغانستان در هنگام جهاد وبعد از جهاد این خلاء وجود دارد.ما رهبری که نزدعامه ملت محبوب وقابل احترام باشد وهدف ومرام اجتماعی و ملی داشته باشد یافته نتوانستیم. قدرت طلبان و جاه طلبان و گماشتگان بیگانه گان مقام رهبری را اشغال کردند وبجز حفظ قدرت خود ومنفعت خود هدف دیگری نداشتند. از نبودن این عامل است که مردم درتلاش یافتن زعیم وقاید ملی خود امروز به پادشاه سابق افغانستان محمد ظاهرشاه حساب میگیرند وبسوی او و مساهمهٔ او در آوردن صلح و مرکزیت می نگرند. اما وقتی این سهمگیری برای پادشاه سابق میسر شد ونماینده خود را بپاکستان فرستاد که با مردم خود تماس بگیرد وراه صلح وسلام را جستجو کند، درکابل زنگ خطرنواخته شد. مدعیان قدرت در کابل بیکدیگر خود با تشویش و تخویف گفتند : "" ای کبوتر نگران باش که شاهین آمد! "" و حالانکه این نماینده شاه کبوتر صلح بود وبرای جنگ وجدل نیامده بود. اما تهدید بالقوه برای خود سری وخودخواهی قدرت طلبان بشمار رفت .

بنام صلح وسلام و آشتی دادن عناصر متخاصم، مردم زیادی تلاش کردند .ملایان وجنرالان پاکستان، اخوندان ایران، تروریستان سودان ویمن، اخوانیان و وهابیان بارها بافغانستان رفتند وبا مهاجرین در پاکستان و ایران تماس گرفتند اما کسی از جنگسالاران ورهبران تنظیمها وحکومت نامنهاد کابل نپرسید که چگونه مردم بیگانه برای کار خیر حق دارند اقدام کنند اما بمجردیکه یك افغان با نام ونفوذ برای رسالت صلح و آرامی و آشتی وهمزیستی اقدام میکند، صدای اعتراض بلند میشود و از دولت بیگانه شکایت میکنند چرا اجازه میدهد چنین رسالتی امکان پذیر شود..

تمام مشکل درینجاست که تصمیم ملی وارادهٔ ملی در چنین شرایط نامساعد امکان پذیرنیست. اگرکسی بتوانند نمایندگان ملت افغانستان را در یك محل ومکانی گرد آورد که زعامت آینده ونظام دولت خود را تعیین کند، شاهکاری کرده خواهد بود.

قدرت طلبان وجنگسالاران از چنین گرد هم آئی نمایندگان ملت افغانستان هم هراس دارند. این تفنگ داران وجنگجویان که یك منطقه ومحل معینی را تصرف کرده اند ومغرور قدرت خود هستند وبرای دوام قدرت خود باجانب وبیگانه متوسل میشوند و امکانات مداخله خارجی پیدا میشود زیرا بارادهٔ ملت اتکاء ندارند هرآن با از دست دادن این قدرت مواجه هستند . آنها جای خود را بیك جنگجوی قویتردیگر خالی میکنند ویا با دهشت افگنی وترور از بین میروند. ازین مثالها درجریان انارشی سالهای آخر بکثرت دیده میشود. دولت آنها خوش می درخشد اما دولت مستعجل است .و دوام نمیکند. ولی متاسفانه ناآرامی وبدامنی وبیقانونی و بی لجامی و خود سری دوام خواهد کرد. مثال آخر والی هرات است که در دوران جهاد نام نیکی بدست آورده بود اما در دوران بعد ازجهاد تمام کشش و کوشش اوبرای نگاه داشتن قدرت غیر قانونی کابل و سلطهٔ خودش بر هرات ناکام شد. اوکه خود را

بقیه در صفحهٔ 30

دهرات سقوط 32

محترم پوهاند دکتور محمد حسن کاکر

د سه شنبه په ورځ دسپتمبر په پنځمه د طالبانو حرکت دهرات ښارونیو؛ د هرات والي محمد اسماعیلخان او نظامي مرستیال یی، علاوالدینځان، په ترتیب سره دایران اوپاکستان په لور وتښتیدل. وروسی طالبان دهرات په ټول ولایت مسلط شول: دولایت دپاره یی په ښار کی د علماو دشورا اودمحلاتو دپاره حکومتونه تنظیم کړل او داسلام قلعه بندریی هم متصرف کړل. په دغی لیکنی کی په دوو تکو بحث کیږي : د طالبانو بری او دهغه عواقب.
د مارچ دمیاشتی په دوهمه اونی کی چی طالبان د کابل د حکومت گی په حمله له یولر حیرانوونکو بریونه وروسته له کابل نه وشړل شول، دهرات اشغال د دوی دپاره غټ بری گڼل کیږي. له کابل نه ترشړل کیدو وروسته ،دوی د میدان ښار په موفقانه دفاع سره ثابته کړه چی دوي دوطن دغتو قوتونوڅخه دي. خودوی تردی وخته پوری لږ ودیر پخپل حال پاتي وو. دهرات په نیولوسره یی وښودله چی دوی پیاوړی شوي دي. هغومره ولایتونه چی اوس ددوي په قبضه کی دي د بل هیڅ قوت په لاس کی ندي. مگر دهرات په نیولو کی دمقابل لوری اشتباهاتو او غلط سیاستونو هم له طالبانوسره کمک وکړ. دمقابل لوری سملاسی اشتباه داده چی اسماعیل خان دکابل په دستور داگست دمیاشتی په دویمه لسیزه کی خپلي قواوی د کابل له یو تولی پوځ سره چی دوه زره اتکل شوی وو فراه او دل آرام‌ته ورسولي چی له هغونه یوه دله یی په گرشک کی ننوتله. کابل او هرات په دی فکر ووچه دوی به په دی دول کندهارترفشارلاندی راولي او دطالبانو مرکزبه چی په کندهارکي دي له مینځه یوسیي، یا لږ تر لږه دهغوی یوولس کسیزه شورا چی هلته مستقره وه حوزه کړي. اما د کابل ـ هرات دغه نیت چپه نتیجه ورکړه. په هرات کی دکابل دحکومت گی دیوه مامور، داکتر عبدالله، وینا چی « اوس ددی وخت راغلی چی مونږ به کندهارنیسو!» عامه کندهاریان دمقابلی دپاره سمله لاسه وخوځول. په زرگونویی دجنگ دپاره داو طلب اوپه وسلوسمبال شول. طالبانو نژدی څلویست زره جنگیالي د مقابلی دپاره د غرب په لور ورسول .د دوي غتی برخی په فراه او دل آرام کي دکابل ـ هرات له قواوو سره مقابله وکړه. بله دله یی د هغوی شاته د شین دند په لور لاړه او دهغی موافقی په داد چی د مخه د طالبانو او ددغه میدان دمشرانو تر مینځ شوی وی، دغی دلی د سپتمبر په دریمه دغه میدان له دوه ویشتو جنگي الوتکو او پنځوسو تانکونوسره ونیو. بیاځی دوه الوتکی وتښتیدلی.
دشین دند سقوط طالبان په دی وتوانول چی دوی دوه ورځی وروسته د هرات ښار هم بی له مقابلی څخه ونیسي. اسماعیلخان له دوی سره مقابله ونشوه کولی. یو خو دده دقواو زیاتره برخه په هرات کي نه وه. بله دا چی هغه چی وه له جنگ کولو څخه یی ډډه وکړه.شاغلی رباني دکابل دحکومتگی سروال، پاکستان په دی تورن کړچی دهرات په نیولو کی یی له طالبانوسره کومک کړی، او په دی دول یی دافغانستان په دننیو چارو کی مداخله کړی ده، دسپتمبر په شپږمه په کابل کی دپنځوزروپه شا وخوا کی دحکومتگی طرفدارانو دپاکستان دسفارت په مخ کی مظاهره وکړه او سفارت ته ئی اور هم واچوه. د شاغلي رباني دغه تور سري ته د خلقي حکومت هغه تور په زړه کوي چی دهرات دحوت په پاڅون کی یی په ایران لگولي وو، او ویلي یی وو چی دری زره ایرانیانو له پاڅون کوونکو سره ملگرتیا کړی وه. اما ښاغلي رباني فکر ندی کړی چی که پاکستانیانو په هرات تجاوز کړی وای، هراتیانو (او هم کنداریانو) به دهغوی هغسی مخالفت کړی وای لکه چی یی د خلقیانو، پرچمیانو او شوروپانو مخالفت کړی وو. حقیقت دادی چی هراتیانو د ملي مقاومت په دوره کی مقاومت وکړ، اواوس یی د جنگ مشرانو په جنگ کی له جنگ کولونه ډډه وکړه. هغسی چی دوي دهرات په لوی پاڅون کی نوم و ایست، هغسی یی هم د موجود وروري په جنگ کی په نه جنگ کولو سره نوم وگاته. دوی په موجودو جنگ طلبو واکمنو بی اعتماده شوی دي، پخپله اسماعیلخان د پخوا په شان دخلکو منلی نه وو. دده جنگي سیاست په خلکو کی دده اعتبار له مینځه وړي وو. ددغه سیاست د عملي کولو دپاره دی مجبور وو دپرچمي رژیم په شان د جنگ دپاره ځوانان په زور جلب کړي، پداسی حال کی چی خلک نور نو له دینه بیزار شوی وو، چی ددوي دقدرت کتلو په مبارزه کی له خپلو وطنوالوسره وجنگیږي. برسیره پردی دهرات حکومت نژدی شړیدلي وو، سیستم یی نه درلود؛ د ځانگو سروالانو پخپل سري شروع کړی وه او په عامه خلکویی نا دودی رواکتلی وی. د اسماعیلخان بله تیروتنه داوه چی دی ددي په ځای چی د خلکو یا دهغو داستازو اونورومشرانوپه مشوره اوخوښه خپل حکومت اوخپل دریځ تینگ کړي، دشاغلي رباني ـ مسعود په خوا ودرید او دهغو په لمسه یی هم له جنرال عبدالرشید دوستم او هم دکندهارله واکمنو سره پروخت بل وخت جنگونه وکړل،او له دی امله لدینه عاجز پاتی شو چی دخلکو ژوند ښه کړی. دغه حال هغه وخت دده ستونزی لا زیاتي کړی چی افغاني مهاجرین په زیات شمیر له ایران نه هرات ته په ستنیدو مجبور وگرځول شول، خو له رباني ـ مسعود سره داسماعیلخان نژدی کیدل تر هر څه زیات دده اعتبار زیانمن کړ، په تیره له هغه وروسته چی شاغلو رباني ـ مسعود په روسیی، هندوستان او ایران ډډه وکړه؛ د محمود میستیسري د سولي پلان په شندولو کی یی برخه واخیسته؛ د پخواني پاچا د سولي تجویزبی ا همیته وبا له ا و ـ استاځیته ئی بدنسبتونه وکړل. او ستمیان، ماووستیان، مزدکي پرچمیان او دغسی نور عناصرویی په حکومت کولو کی شریک وگرځول.
داگست دمیاشتی په سرکی په کندهار کی دطالبانو له خوا دیوی روسي الوتکي ښکته کول چی کابل ته یی جنگي مهمات ورل عامه خلکوته یی له روسیی سره د دوی د تعلقاتو لرل په داگه کړل او دغه کارهغوی لا هم بی اعتبار کړل. نو خلکوهغه اسماعیل خان چی د جهاد په دوره کی یی قهرمان گاته د ورور وژني په میدان کی بواځی پریښود. د هرات قهرمان دستر گو په رپ کی له قهرماني نه وغورځول شو او پراری شو.اما ده له ځان سره پنځوس لاري اموال یووړل او

ویل کیږي چې په هغو کې قیمتي او تاریخي آثار هم وو. که دغه خبر رښتیا وي نو دهرات پخواني قهرمان به خپل وطن هم لوټ کړی دی. دده دغه لوټماري به دنورو شیانو په جمله کې، دپخواني پاچاقدر نور هم زیات کړي، چې دغلو ښتو کالو پاچاییی نه وروسته دیوه عادی مګر دبرم اووقار نه ډک انسان په شان په روم کې ژوند کوي. د عین دلایلو له مخې طالبان زړور، په شمیر ډیر او دولس په ملاتړ په اسماعیلخان برشول. ددوي د لاس بری سملاسي نتیجه د کابل د حکومتګی ضعیف کیدل دي. دغه حکومتګی دغسې متحد له لاسه ورکړ چې دهغه په کومک یې دشمن دند هوائي میدان له لاری وسلې او لوجستیکي ضرورتونه د تیلو په شمول پوره کول. هو، دکابل دحکومت ګې دپاره دبګرام هوائي میدان اوس هم فعال دی او له روسیې اوهم ممکن تاجکستان څخه ورته مهمات راوړي، خو هغه ددوی احتیاجات نشي پوره کولی، او ممکن دوام هم ونکړي.
دهرات سقوط وښودله چې ولس له جنګ نه بیزار او دجنګ کوونکو مخالف دي، که څه هم هغه یا هغوی دجهاد ددوری قهرمانان وي. اسماعیلخان چې دجنګ په میدان کې یواځې پریښودل شو، له نورو سره به څه معامله وشي؟ په عین حال کې د طالبانو بری د کابل په واکمنو کي موجود درز سمله لاسه شدید کړ. ښاغلي رباني له طالبانو او ښاغلي حکمتیار سره مذاکره او ښاغلي مسعود د پخوا په شان جنګ غواړي. په سخت حال کښی ښاغلي مسعود ممکن ښاغلی رباني خلع کړي. اما په هر حال غټ مشکل دادی چې مقابل لوری په دوي اعتماد نکوي. دوي هم پوهیږي چې دوي دومره پخپل سری کړی چې مخالفان یې پری باور نلري، حتی ښاغلی رباني چې اعتدالی هم ګنل ګیږي، خپله دوره څلور ځله په غیر قانوني ډول اوږده کړیده. طالبانو دمخه ویلي وو چې دده حکومتګی نا مشروع دی او دی باید واک پریږدي. په دی حال کې د دوي او د دوي دمخالفینو تر مینځ د مذاکری احتمال لږ تر لږه داوس دپاره غیر محتمل ښکاري. له بلې خوا علامې ښیي چې طالبان به دکابل له حکومت ګی سره مخامخ جنګ ونکړي. ځنګه چې دکابل حکومتګی واکمنان خلکوته په کافي اندازه بې اعتباره شویدي، طالبان به دهغوی د نسکورولو دپاره هرات ته ورته له کوم تاکتیک څخه کاروا خلي، که څه هم چې دغه روش به یو څه وخت وغواړي. په غالب احتمال چې دکابل اوسني محاصره به اوږده او کړی بې تنګه شي. په عین حال کي ددی احتمال هم شته چې د محمود میستیری او پخواني پاچا د سولی تجویزونه جدی ونیول شي. په هر حال دابه د طالبانو او نورو دپاره تلپاتي کارنامه وي چې د کابل د حکومتګی واکمنان بې له وینی تویولونه بې واکه کړي. خو هرڅه چې کیږي، هغه به نور نو دکابل دحکومتګي د واکمنو په خوښه او ګټه نه وي. ددوي په باب اوس دغه وینا صدق کوي چه وائي: « نن دی که سبا دی، توکل له ښیوی تللي دی.» پای. د سپتمبر ۱۰ – ۱۹۹۵ ساندیاګو.
یادداشت: توکل د یومحلي شاعرنوم او ښیوه په ننګرهار کې یو ښار دی. او ددغه متل معنی دا ده چه د کابل حکومتګی او جمعیتیان هم به ډیر ژر له قدرت نه ولویږی.

جنگ دوم افغان و روس هم بنفع افغانها پیروز شد.

محترم داکتر رحمت الله ظفر

تاریخ پر از حریت و استقلال خواهی افغانستان شاهد واقعیت های تلخی هم است که باعث گمراهی مجدد استعمارگران و تراژیدی مجدد ملت افغانستان گردیده است. همیشه مداخله مجدد درکشور ما درساختمان اداری و سیاسی حکومتهای بعد از پیروزی اول به ترتیبی بارآمده که این حکومتها کیفیت شایستگی و هم مشروعیت کامل ملی نداشته تا باعث وحدت و همبستگی تام اقوام برادرکشور گردده.
اقوام برادر و وارث افغانستان محاذهای دفاعی دربرابر تجاوز از هرسمت و با هرشیوه بوده که درواقع تهداب نهائی سیاست ملی افغانستان را تشکیل و فاتحین نهائی ملت افغانستان محسوب میشوند.
ولی بعضا عده ای از اشخاص خودخواه، لجوج و قدرت طلب و یا تنظیمها و احزاب ساخته و پرداخته این و آن با حیله و نیرنگ حاکمیت ملت افغانستان را غصب و آنرا درمعرض استفاده شخصی – فامیلی و یا احیانا تنظیمی خود قرار داده که در اثر همین معاملات ناروا چهره هائی مانند شاه شجاع – ببرک کارمل و احمدشاه مسعود در داستان حکومت چند روزه شان مفهوم سیاسی استعمار مجدد را شامل تاریخ افغانستان نموده اند که کارنامه هایشان بحیث یك خصلت ضد ملی شدید قابل نکوهش بوده و باعث خرابی مملکت و تکلیف هموطنان خود گردیده اند.
برجستگی در پیروزی موجود علیه مداخله مجدد روسها درقبال حکومت ربانی – مسعود درشکست هرات خلاصه میگردد که عوامل این شکست بیشما ربوده ولی پیروزی ملت افغانستان را بصورت عموم و پیشرفت نهضت طالبان را بیك سطح بسیار عالی و تشکیل یك حکومت بمیل و آرزوی خود ملت افغان را نوید داد زیرا طالبان تا این مقطع زمان پیروزیهای ذیل را تسلیم تاریخ معاصر ملی نموده اند:

۱) بی اعتبار ساختن بنیاد فکری و سقوط مراکز نظامی اخوانیت دربرابر سیاست ملی.
۲) محو پایگاه فکری، نظامی و اجتماعی موسسه وهابیت در افغانستان.
۳) به بطلان مواجه ساختن تنظیمهای ساخته و پرداخته این و آن و یا انتقال شان با قوام مربوطشان.
٤) خلع سلاح و ایجاد امنیت در بیشتر از نصف افغانستان.
٥) پیروزیهای روز افزون سیاسی و نظامی علیه نژاد پرستان ستمی/ این سازمان سوم مداخله و تجاوز روسها در افغانستان.

آنانیکه تا اکنون با حکومت ربانی – مسعود بنا بر سابقهٔ قومی و منطقوی کمك و مساعدت ها نموده اند باید بدانند که مصالح علیای کشور شان یك امر بالاتر و مهمتر بوده و از ین بیشتر باعث آزردگی دیگر اقوام برادر و خرابی مملکت نشده همکاری خود را با این مجاهد ساخته و پرداخته روسی هرچه زودتر قطع نموده در پهلوی ملت آزرده و ستمدیده خود قرار گرفته باعث سربلندی بیشتر وطن گردند. چه شما یقینا با مردم تان گذران دارید و درپهلوی مردم تان زندگی مسعود و آبرومند میتوانید داشته باشید. ختم.

جوکها و واقعیتها 34

- از شاهین -

اخیراً این «جوک» درمحفل داغ کنندگان ناامید، اجاق نشریهٔ امید نقل شده است که گویا مخالفان رژیم، «بخاطر سقوط هرات، نُقل بخش میکنند!»

نقل اینگونه جوکها اگر محض برای خنداندن نباشد، ارزشی ندارد، بجز آنکه مرتباً خون ناقلان عصبی مزاج خود را «بجوش» میکند! دوستان شان باید بترسند که اگر این جوشیدنها دایمی گردد، عاقبت برسرشان آن رود که برسر خودپرستان کابل رفته است؛ رژیم کابل که دراثر سقوط هرات، خون شان خشک شده بود، دربحران آشفتگی دماغی (هیستریک) فرمان دادند که سفارت پاکستان (خالق تنظیمها) را به آتش بکشند و کارمندان مسلمانش را که حالا بسنگر مخلوق خود و مأیوس از ابداع خود شده اند، مانند هندو بکشند! آیا این کشتن کشتنهای مسلمانان در سرخط مرامنامهٔ شان درج نگردیده است؟

آتش زدن به سفارت، کار سیاستمداران عاقل نبود و نیست، اضطرابی است که نتیجه اش، برعکس آرزوهای شان خواهد بود (درست بسان اضطراب ناشران شان که امید را سرچپه چاپ کردند!) وجنونیت که هردم خیالان پاک باخته ولی اعتبار را رسوا میسازد و به اعمال ناشایست تحریک مینماید؛ چنانکه امپراتور دیوانه مزاج روم (کلاودیوس سزار «نرون») را دربحران عصبیت تحریک کرد، به حدیکه مادر خود وهمسر خود را کشت وشهر روم را به آتش کشید ودر اخیر انتحار نمود!

محترم عبید بکتاش از هموطنان عزیزش می پرسد: «آیا این تجاوز بدتر از تجاوز روس نیست؟»

بنده نمیتواند نفس انتحارها را از روس باشد یا بروس (ازماکیان - باشد یا خروس) تأیید نماید، زیرا نتیجه اش بجز بربادی وطن چیزی نیست ولی بگذار لحظهٔ به قدرت جادوی ملاهای ساخت پاکستان (موظف دررژیم کابل) درمغز شست وشو شدهٔ استاد شما (صوفی ربانی) داخل شوم و به زبان ایشان پاسخ دهم که: «نه، بدتر که نیست، فقط شبیه به آن است، زیرا روس به دعوت کارمل وارد خاک ما گردید و پاکستان به دعوت سه تن از دست نشانده هایش: من (صوفی ربانی)، سیاف وحکمتیار... سپس من به روس وایران پیوستم (به روس - بخاطر اسلحه ... به ایران - بمنظور تقدیس از بنیادگرایی افراطی)، سیاف بشر به وتابیان عربستان گرایید وحکمتیار یکه تاز شد ودر تارهای افراطیون مصر بند آمد... کسانیکه حالا سنگ ملامت را برفرق پاکستان میکوبند، به دختران ریپ شدهٔ امریکایی میمانند که در وقت بلوغ، تجاوزگر را به محاکمه میکشانند!!... واما در بارهٔ طالبان؟... من ازاول گفته ام که ایشان «یک جنبش خودجوش ملی استند»»

آقای بکتاش که باقلمش ناآشنا نیستم، باتأکید واطمینان میفرماید: «تو خوب میدانی که طالب کیست!»

من کجا توان آنرا دارم که آقای عزیز وسعید (بکتاش) را ناامید سازم! عرض میکنم که: بلی عزیزم، من میدانم... ولی شناخت من ازگروه طالبان به قدر شناخت من ازگروه جمعیت است، ازگروه حزب اسلامی است واز سرسپردهٔ وهابیان است وازحزب وحدت است وازجنبش شمال است، نه کم، نه زیاد... فقط بایک تفاوت که طالبان باقید طیارهٔ روسی، طالب شصت هزار افغان شدند که شاید درپامیر «یخ بسته اند»... درحالیکه سایر اشغالگران قاتل به نحوی ازانحا، کمونیستان را حمایت کردند ومیکنند هنوز... وبا روس طرح محبت ریختند ومیریزند هنوز!

بلی آقای بکتاش، من اسماعیل خانرا هم شناخته ام که علی الرغم همهٔ اینها، یک مرد اصیل افغان است، ولی یک مرد اصیل افغان تاچه حد میتواند تعصبات قومی ولسانی ستمیان و رژیم حاکم را تحمل نماید؟ چگونه به یک رژیم غیرملی که برضد خواستهای مشروع مردم است اعتماد کند؟

هموطن عزیز، درد ورنج وزخمهایی که از پاکستان داریم، باهجوم طالبان تازه نشده، این زخم ناسور از آغاز پیدایش هفت تنظیم ایجادگردیده است که دو، سه تا (ازجملهٔ هفت تا) را موظف ساخته اند تا اسم کشور مارا تدریجاً ازنقشهٔ دنیا محو سازند!

یادداشت - «جوک» در انگلیسی «توق ومزاق» است ودر دری کرمیست خون آشام که اطبای یونانی ازان برای تداوی فشار خون استفاده کنند.

ادامهٔ صفحه 13

واری برایشان حلال است که باید ازپاکستان کمک بخواهند زیرا که پاکستان وافغانستان سنگر واحد دفاعی بود در برابر روسها وحال اگرچه نباید در امور یکدیگر مداخله کنند ولی اسباب مداخله را احمدشاه مسعود فراهم کرده واگر او با روسها وهندوها رونمی آوردطالبها هیچ مجبور نمیشدند که به پاکستان رو می آوردند. من برایتان گفته میتوانم که طالبان از حمایت مردم برخوردار استند چرا که زمینه کار را برای مردم مساعد ساخته اند وپاتکها را از بین بردند وموانعی را که درسرراه مردم وجود داشت از بین بردند اگر از پاکستان یکمقدار کمک هم بخواهند پشتوانهٔ شان مردم افغانستان است. فکرمیکنم اگر با [illegible] ترتیب پیش بروند وکنترول داشته باشند واز هرطرف باخبر باشند ممکن برتمام افغانستان تسلط پیدا کنند. ختم.

ذکر خیر شاهین

تقاضای دوام بخش ترازو

محترم پوهاند دکتور عبدالغفار متوکل

مضامین اقای شاهین که زیب وزینت مجله ائینه میباشد درعالم ناشناسی بشاهین صاحب احترام تقدیم نموده موفقیت شانرا در راه خدمت بوطن ازبارگاه ایزد متعال تمنا داریم و امید که این سلسله دوام نماید و نشود که خدا ناخواسته در آن معطلی رخ دهد.
شاهین صاحب محترم شما هرکس باشید وبهرملیت که تعلق داشته باشید(تاجك - هزاره، پشتون، ازبك پنجشیری، هراتی، کابلی، قندهاری) ویا هر مذهب که داشته باشید شما یقینا یك افغان مسلمان وقابل احترام استید که در این عالم مهاجرت برای فرزندان افغان بسیار ارجمند میباشید وهمچنین مرد دانشمند وفاضل از جمله نویسندگان وطن عزیز ما میباشید . ایکاش ما تمام هموطنان خود را بمفکوره فوق یعنی از هر ملیت وطن عزیزما که باشد شناخته یا ناشناخته بنام افغان وهموطن گرامی داشته احترام متقابله را مراعات نمائیم ونگذاریم دشمنان افغانستان عزیز ما را بنام های ملیت از هم جدا سازند ووحدت ملی ما را تخریب نمایند. انها در گفتار کردار وتحریر های خود ازکنایه های تبعیض طلبی و حاشیه روی های بیمورد وغیر قابل قبول که سبب تفرقه اندازی وتفرقه های لسانی قومی و مذهبی میگردد طوری آنرا ادا مینمایند که خود را نسبت بدیگران مافوق حس میکنند.
هما نطور که دیده میشود نکات کنایه آمیز که سبب باشیدگی هموطنان میگردد درهرمضمون که باشد شاهین صاحب آنرا بیرون نویس نموده بشکل طنز ادبی برشته تحریر میاورند که خواننده را ملتفت آن نکات میسازد . فضیلت ودانش شاهین از طرز تحریرش هویدا است که خیلی خوب درك مینماید و مو را ازخمیر جدا میسازد.
هستند اشخاصی که مطالعه مینمایند اما حاشیه روی وکنایه هائی که سبب تفرقه افغانها میگردد ملتفت نشده ویا آنرا قبول مینمایند. استدلال که شاهین در هرمضمون خود نموده است باید بدقت کامل خوانده شود تا بمقصد آن بفهمد وتحت تاثیر نویسنده های تفرقه جو که تعداد شان خیلی کم است نرود.
خلاصه اینکه فاضل محترم اقای شاهین خوب تحریر مینمایند وبرای فرزندان افغان ونسل جوان خیلی ارزنده وسودمند است لذا پیشنهاد من اینست که :
مضامین تحت عنوان " یکدنیا در ترازو " (از شاهین) بصورت مجموع بشکل یك رساله ویا کتاب جمع وتدوین گردد وبدسترس هموطنان خصوصا نسل جوان افغان گذاشته شود تا انها نویسنده های اجیر ونویسنده های وطنپرست را تفکیك نمایند وتحت تاثیر نویسنده هائی که برای تولید نفاق وجدائی هموطنان عزیز بنام ملیتها و اقوام تفرقه می اندازند، نروند. با احترام دکتورغفار متوکل .

تقدیم مشوره

محترم عبدالوهاب فرزانه ازویرجینیا

اقای شاهین محترم در صفحه ۷۹ شماره ۵۵ به نشر (یك دنیا ترازو) تذکری داده اند. تقاضای این دوستدار واخلاصمند شان اینست که بهمین روال موجوده ادامه بدهند زیرا یگانه نشریه ای که مقابل مشتی پله بین واستفاده جو مبارزه حقیقی را رویدست گرفته، مجله ائینه افغانستان وهمکاران محترم قلمی شان بشمول جناب شاهین میباشند.
اگر خدای ناخواسته این صداها ونوشته های نمکین نیشدار قطع شود، آن عناصر فاسد دلیل کامیابی خود دانسته در مخیله خوانندگان کم سواد رخنه وارد میکنند . عجالتا با جناب شما خداحافظی میکنم.

۵ سپتمبر ۱۹۹۵ ویرجینیا عبدالوهاب فرزانه

بخدمت یکدنیا در ترازو

محترم پوهاند دکتور محمد نادر عمرازفرانسه

پس از عرض احترام - ترازو زشتی ها وزیبائیها، صدق وکذب، روا وخطا را در کفه هایش قرارداده با هم مقایسه میکند ومیسنجد وبعداز ورای آئینه؟ در معرض قضاوت خوانندگان میگذارد.
راستکاران احساس مسرت میکنند و ریاکاران درمذلت فرو میروند. ازینروشاهین عدالت را نباید رها کرد وبرزمین گذاشت . شوابیکه ازین صواب حاصل میشود نباید اندك شمرد.
خطاکاران ازترازوی عدالت حساب میبرند واگر بشنوند که دیگر فساد شان در پله ترازو وزن نمیشود از خوشی میرقصند .گاه گاه ناشر آئینه افغانستان از قطع نشر آن مجله دلپذیر اخطار میدهد .علت انهم یکی مریضی است که عاید حال جناب ها شمیان گردیده است ودیگر ضعف بنیه مالی ائینه است که مشترکین محترم حتی وجه اشتراك را نمیپردازند چه رسد باعانه .
از خداوند متعال شفای عاجل و صحت کامل داکتر هاشمیان را مسئلت مینمائیم. ائینه افغانستان چه در طول مدت تهاجم روسیه شوروی و زمامداری رژیم کمونستی و چه در دوره حکومت ننگین جنگ سالاران جنایات را افشاء و چهره ها را معرفی نموده است . ائینه یگانه نشریه ایست که واقعیت ها را اشکار وبرملا میسازد، قضاوت را بدست شاهین میسپارد که این هر دو یعنی ائینه وترازو لازم وملزوم یکدیگر اند و خدمت قابل قدر انجام میدهند. درین فرصتیکه باصطلاح گاو به دُم رسیده حیف است که هموطنان را ازفیض لطف خود محروم و در وضع بیخبری از اوضاع وطن رها کنند.
البته تهیه مواد ونشر مجله کار ساده نیست واجرای همه کارها از طاقت وحوصله یکنفر بیرون است مخصوصا که قسمت زیاد نوشته ها بقلم خود داکتر هاشمیان است. اگر بغرض کم کردن ثقل کار یکنفر تایپست استخدام شود وحق الزحمه ان در اشتراك مجله افزود گردد برای مشترکین قابل قبول خواهد بود . انقطاع ائینه گناه است . بامید دوام نشر آئینه و ترازو . داکتر محمد نادر عمر

سقوط شهر هرات

مقدمهٔ فروپاشی نظام غاصبان

شهر تاریخی هرات که با روحیهٔ قوی مرد آهنین (اسماعیل خان) اداره میشد و نمونهٔ بارز مقاومت رژیم ربانی ـ مسعود، محسوب میگردید، به سهولت یک چارمغز کاغذی، (توسط طالبان) شکست و به سستی یک دیوار بی تهداب، سقوط کرد و در لحظه‌ای که این سطور را می‌نویسم، طالبانیکه علیه مدرس حریص قیام کرده اند، قدم به قدم بسوی پایتخت و مقر فرماندهی جناب صوفی ربانی، پیش میروند.

مستقیمانیکه جز به خدا و حکمت الهی، به هیچ چیز نمی اندیشند، پیوسته این پیام کهن را تکرار مینمایند که: "خدا کشتی آنجا که خواهد برد ـ اگر ناخدا جامه برتن درد!"

مومنان واقعی (بی ریب وریا) که اهل تفکر و استدلال هم هستند و سعی در تحلیل رموز حادثات دارند، معتقد هستند که حکمت الهی همیشه جوهر عدالت را تجسم میدهد، لو اینکه "عدالت" در ذهن نارسای بندگان چیز دیگری، غیر از عدالت آسمانی، باشد. ارادهٔ آن ذات متعال، بر اثبات و تحکیم "حق" رفته است. حکمت حق و عدالتی که قدرت فهم و درک بشر، تا ابد به کنه و ماهیت آن نمی رسد... حکمتی که هتلر مستبد را از اوج عزت بر زمین ذلت افگند، دندانهای خرس (روس) را فروریخت و غاصبان سرزمین آزادگان را در قفس افگند و مدعیان دروغین اسلام را رسوا نمود...

قابل تذکر است که ما هنوز به درستی نمیدانیم: آیا گروپ طالبان از جمع فرزندان صالح این خاک ترکیب و تنظیم شده، یا این دست اجنبیست که در پی تخریب ذهن و زمین ملت افغان افتاده، رگ و پوست و خون و ناخن طالبان را شکل داده است؟ اما آنچه فعلاً مسلم بنظر میرسد، اضمحلال تدریجی جمعی از غاصبان است که علناً در "جمعیت" نفوذ کرده، با استفاده از نام و حسن شهرت "مجاهد" و با سرقت حقوق و کریدت، لیاقت و ارزش جانبازی فرزندان رشید افغان و قهرمانان عقب سنگر، میخواهند سیطرهٔ خود را در سراسر میهن تحکیم بخشند!؟

در طول تاریخ مسلم شده است که ملت وطنخواه افغان، هرگز زیر بار استبداد نخواهد رفت و نظام مطلقه و تنظیمی را که سعی در تبدیل مذهب شان دارد، خواه اسمش را اسلامی گذارند یا "الحادی"، پذیرا نخواهد شد، خاصتاً که در بدری وادبار زندگی و آنهمه وحشت و دهشت جنگی و بربریت و تماشای تلاش پیگیر و مذبوحانهٔ عناصریکه بی واهمه از قهر ملت، خیال تطبیق و تبلیغ مذاهب و ایدئولوژی بیگانه را در سرزمین شان دارند، چشم و گوش همه را بازتر کرده است.

بنده ادعا نمیکنم که این غاصبان (منکر دیموکراسی، ضد آزادی انتخابات و مخالف وحدت ملی افغان)، اصلاً افغان نیستند ـ با آنکه اندیشه و اعمال ایشان "افغانی" نیست ـ ولی میتوان گفت که این گروه، از جمع آن عدهٔ (قلیل) هموطنان هستند که بجای اتکاء به اوامر قرآن، رعایت حقوق مردم و بلندنظری و رحم و دلسوزی به جان و مال و ناموس مردم، به نیروی بیگانه پناه بردند و به همسایه ها و اسلحهٔ داغ شان تکیه زدند (همسایه هائیکه خاینان ملی را به منفعت سیاسی خود، اندکی بالا میبرند، ولی سخت بزمین شان میزنند!) به آراء و عقاید و احساس مردم توهین کردند و بارها هم دروغ گفتند و پیمان شکستند.

من جناب اسماعیل خان را که اشتباهاً تحت فرمان غاصبان رفته بود، مقاومتر، آهنین تر و باثبات تر از آن شناخته ام که با یک تُف طالبان از معرکه بدر رود! تصور قریب به یقین بنده آنست که وی با ترک مسالمت آمیز میدان جنگ، در واقع خواسته است علیه استبداد رأی و عدم اعتنای رژیم به خواست ملت، احتجاج کند!

بنده، با آنکه شکست هوسهای غاصبان افراطی را، بخاطر آرامش وطن و هموارشدن زمینه برای انتخابات عمومی، فال نیک میگیرد، ظفر طالبان را تأیید نمیکند تا نداند که ایشان کیستند! تا نبیند که سرنوشت کشور به ارادهٔ مردم تفویض میشود! تا انتخابات آزاد (دیموکراسی) و وحدت اقوام مختلف ملت افغان را درک و لمس و احساس نکند!... تا اطمینان نیابد که طالبان تبعهٔ افغان اند و ایشان در صدد انتقال و تطبیق ایدئولوژی افراطیون نیستند! تا متیقن نشود که بعد از این بین ازبک و تاجک و پشتون و هزاره و بلوچ... و همچنان میان کابلی و پنجشیری و لهوگری و قندهاری و هراتی و نورستانی... فرق سیاسی وجود ندارد، روحیهٔ مساوات در کل کشور حاکم میشود و در حفظ حقوق و تطبیق عدالت اجتماعی، بین اقوام و قبایل و عشایر، تفاوتی ایجاد نمیگردد...!

به امید اینکه رژیم کابل واقعیتها را درک کند

سراج وهاج

شمارهٔ فوق العاده ۵۶

(اقتباس از شمارهٔ اخیر «آواز ملت» ـ دهلی نو)

رسوائي جنرالهای پوپکي رباني در دهلي

<u>ازطرف انجمن افغانهای مهاجردردهلی</u>

داکترصاحب ها شمیان سلامهای انجمن را بپذیرید. شما از مشکلات مهاجرین افغان دردهلی خوبترخبرداشته وچند بارهم کمک واعانه داده اید. شما درباره بدبختیها ومحرومیت های مهاجرین دهلی ورویه خشن مامورین هندی چیزهائی نشرکردید . ما همه این مشکلات ومحرومیت ها را تحمل کرده کوشش کرده ایم تا امروز از آبروریزی افغانها در دهلی جلوگیری شود. ولی سفیر وماموریـن سفارت رژیم ربانی درحالیکه از موتر وتمام امتیازات برخوردار بوده ازتجارت چرس و هیروین وکوکنار گرفته تا شراب فروشی، لواطت و زنکه بازی، صرفه نکرده اند. درهفته گذشته بدترین حادثه و فجیع ترین صدمه بحیثیت وآبروی ملت وکشور افغانستان توسط مامورین سفارت ربانی در دهلی رخ داده که در جراید انگلیسی و اردو درسرتاسر هندوستان نشر شده کتنگ روزنامه های (Times of India) و (Mid Day) درضمیمه تقدیم است و برای اینکه هموطنان ما در امریکا ـ اروپا ـ استرالیا ازشناخت بیشتر اشخاص ذیدخل برخوردار شوندبه تفصیلات ذیل که از طرف انجمن افغانها تهیه شده توجه فرمایند:

محترما، قصهء رسوائی سلطان محمود سکرتراول سفارت درتمام روزنامه ها ومطبوعات هندصدمه شدیدی بحیثیت افغانها درهند واردساخته درین رسوائی یک رفیق سلطان محمود هم شریک بودکه جنرال لطیف نام دارد. این دو نفر کی هستند ؟ هردوی این بدماشان از پنجشیر ومربوط بخاندان شاهی پنجشیریها هستند.سلطان محمود بچه کاکای جنرال فهیم رئیس عمومی خاد رژیم ربانی وجنرال لطیف برادر داکترعبدالله رئیس دفتر وزارت دفاع است که چند ماه پیش بحیث نماینده ربانی با مریکا امده بود. جنرال فهیم را همه می شناسند که ازمعاونان رازداران وشریکان مسعود در معاملات قاچاق لاجورد وزمرد وگیر وگرفت وشکنجه و قتل افغانها میباشد. وی عامل مهم دربرقراری روابط شورای نظار وکمونستهای کابل بوده وائتلاف منحوس مسعود ـ دوستم ـ پرچم را همین شخص وحلقه همکاران او کارسازی کرده بودندکه سبب ناکامی پلان صلح ملل متحد توسط بینان سیوان وبدبختیهای بعدی آن گردید زیرا اینها بقای خود را دربقای جنگ میدیدند نه در استقرار صلح .

وقتی حکومت باصطلاح اسلامی ربانی کابل را بقدرت تانکهای رشید دوستم قبضه کرد وجنرال فهیم رئیس عمومی خاد مقررگردید، سلطان محمود بچه کاکای خودرا بحیث رئیس یکی از ادارت خاد مقررکرد. این شخص که به عیاشي ولچکی عادت داشت وچندین بار درکابل دررسوائی های شرابخوری وتجاوز برمال وناموس مردم کابل گیر آمد وچون برای بچه کاکایش جنرال فهیم دردِ سر وبدنامی بارآورد، خپ وچپ او را ظاهرا بنام سکرتراول سفارت دهلی ودرحقیقت نماینده خاد دردهلی مقرر کرد. سلطان محمود دردهلی روابط نزدیک با پرچمیها داشت .علنی وپیوسته بملاقات محمودبریالی برادرکارمل درهوتل سامرات میرفت .اطلاعات لازم و مهم را برایش میرساند.موتر دارای نمبر دپلوماتیک سفارت را علنا دراختیار بریالی قرارداده و ایشان عریف سفیر ربانی دردهلی نیز ازاین تماسها وسوء استفاده پرچمیها ازموتر سفارت اسلامی کاملا خبر داشته ولی بنابرملاحظات روابط شخصیی که با سلطان محمود وخاد کابل داشته خودرا نمی خارید.

علت این چشم پوشی از دوحالت خالی نیست :(۱) ایشان جان عریف فقط برای نگه کردن چوکی اینکاررا میکرد واین نامرد که دعوی مسلمانی افراطي هم میکند مردی وایمان آنرا نداشت که صدای اعتراض را بلند کند تامباد جنرال فهیم وپنجشیریها آزرده شوند وچوکی وی در خطر افتد. (۲) اینکه چون پرچمیها با جمعیت اسلامی ائتلاف کرده موتر سفارت باجازه خود سفیر ورژیم ربانی دراختیار محمودبریالی قرار داده شده بود . البته شایعات دیگری هم درباره روابط شخصی وخصوصی بین ایشان جان عریف وسلطان محمود اززبان مامورین سفارت شنیده شده که ما ازتذکار آن صرفنظرمیکنیم .(ایشان جان عریف سفیر فعلی ربانی دردهلی همان فریبکار معروف است که زن دوم خودرا بدفتر ریفیوجی امریکا درپاکستان بحیث خواهر خود معرفی کرد زیرا طبق قانون امریکا به مرد دوزنه با مریکا پناهندگی داده نمیشود. این موضوع از طرف دولت امریکا در نیویارك تایمز نشر شده بود ودرباره اخلاق شخصی ایشان جان عریف که ریش وقیافه اسلامی دارد درپشاور وهم در امریکا قبلا چیزهائی نشر شده که هموطنان خوانده اند).

سلطان محمود که ازطرف خاد رتبه جنرالی دارد ودرسفارت اورا جنرال صاحب میگویند، دردهلی با استفاده از دوری از چشم بد ملاها شراب نوشی وعیاشی را زور داد وکار را بحدی رسانید که دردهلی هم بچرت کابل به تجاوز برزنان هندوها پرداخت. ولی اگر گردانندگان باصطلاح حکومت اسلامی برجنایاتش در کابل چشم پوشی کرد خدارا شکرکه حکومت هندوها اورا بالفعل درجنایت دستگیر کرد ودوسیه اش دردفترپولیس ترتیب شده وانتقام مظلومان کابل را هندوهای دهلی از اوگرفتند. سلطان محمودکه دردهلی ازمصئونیت دپلوماتیک برخوردار است باید درکابل در محکمه عدالت اسلامی (اگرچنین عدالتی درحکومت ربانی وجود داشته باشد) محاکمه و مجازات شود. ازینجاست که اسلام ربانی بازهم درمعرض آزمایش قرارگرفته تا دیده شود با این جنایتکار متکررچه نوع معامله میکند.

طوریکه درمطبوعات هند آمده وهم اززبان افغانهای داخل سفارت شنیده شده سلطان محمود در آن شب با رفیق جاناجانی اش بنام جنرال لطیف شراب نوشیده وهردو اینهمه رسوائی راافریدند که نه تنها باعث خجالت پنجشیریها، شورای نظار وجنرال فهیم بلکه تمام افغانها گردیدند. جنرال لطیف برادر داکتر عبدالله رئیس سیاسی وزارت دفاع ویارنزدیک احمدشاه مسعود است . جنرال لطیف پرچمی مشهوربودکه تا اخرین روز سقوط کمونستها دراردوی نجیب خدمت کرده است . وی درکابل باتهام شرکت درکودتای دوستم گلبدین برضد رژیم ربانی اشتراك کرد وبهمین اتهام بندی هم شده بود درحالیکه دیگران غرغره وشکنجه شدند ولی این برادرداکتر عبدالله نه تنها اینکه از زندان رها شد بلکه پاداشی هم گرفت وباپاسپورت سیاسی خودوفامیلش بدهلی ارسال ومشاورآتشه نظامی درسفارت دهلی مقررشد. اینرا میگویندعدالت

بقیه درصفحه 39

(دو کتنگ که ترجمه آنرا درصفحه بعد میخوانید)

دپلومات افغان بمقابل زن همسایه ایزارخودراکشید

کتنگ از روزنامه
(مید دی - Mid Day)
چاپ دهلی جدید مورخ ۱۷ گست ۹۵
ترجمه دری توسط ترجمانی

Afghan diplomat strips in front of woman neighbour

LHI MID DAY CORRESPONDENT

NEW DELHI, August 17

A senior diplomat of the Afghanistan embassy allegedly stripped in front of a woman neighbour in Anand Niketan last night, triggering off embarrassing the police and diplomatic activity.

The neighbour is screaming for action against the drunk diplomat and the police says it is hampered by the diplomatic immunity that the first secretary enjoys.

The 'flasher' diplomat narrowly escaped a thrashing from the residents who surrounded him after the woman raised an alarm around midnight. The crowd was not impressed by his diplomatic immunity, but chose not to shed blood.

Southwest district police said that the first secretary of the Afghanistan embassy had been in a drinking session with a friend last night. When his friend finally left around midnight, the diplomat — whose name the police did not disclose — stepped out of his house and entered the compound of his neighbour's house. The woman was alone at her house, save for a maidservant since her husband was away.

The diplomat rang the door-bell, and in response the woman peered out of the window to confirm the identity of her midnight caller. On spotting her neighbour, the lady presumed that he wanted some help and opened the door after asking her maid to accompany her.

To her shock and horror, the diplomat proceeded to take down his trousers, and flashed himself while swaying in a drunken stupor.

An alarm was raised by the woman and her maid, and in minutes neighbours came to her aid to see the drunken diplomat still standing at the front door, half naked and unable to realise what was happening. A neighbour dialed 100 and a PCR van rushed to the spot even as neighbours started castigating the diplomat for his behaviour.

The police has registered a case against the diplomat for criminal trespass and indecent exposure — offences punishable by imprisonment and fine. The police however said they were hampered by the diplomatic immunity accorded to embassy officials, which prevented his arrest.

The police are writing to the ministry of home affairs to forward their complaint to the external affairs ministry concerned.

Afghanistan embassy sources refused to comment on the incident.

توسط خبرنگار روزنامه مید دی

دهلی جدید ۱۷ اگست ۱۹۹۵

یک دپلومات عالیرتبه سفارت افغانستان ایزار خود را بحضور یک زن همسایه در محله اناند نیکیتان شب گذشته کشید، وضع خجالت باری بوجود آورد که مستلزم فعالیت های پولیسی ودپلوماتیک گردید.

در حالیکه زن همسایه فغان میزندوازپولیس تقاضای اقدام را میکند اما پولیس میگوید بخاطر مصئونیت دپلوماتیک که سکرتر اول دارد اقدامی کرده نمیتوانند.

دپلومات "جرقه دار" ازضربات نابودکننده ساکنین محل که در اثر بصدا درآمدن زنگ خطر توسط زن صاحب خانه بوقت نیم شب او را محاصره کردند نجات یافت. جمعیت مردم از مصئونیت سیاسی این شخص چندان باک نداشتند معهذا تصمیم گرفتند ازخونریزی بپرهیزند.

پولیس ناحیه جنوب غرب دهلی گفت که سکرتراول سفارت افغانستان شب گذشته مجلس شرابخوری با یک رفیق خود داشت. هنگامیکه رفیق او حوالی نیم شب او را ترک نمود دپلومات مذکور که پولیس نام او را افشا نکرد ازمنزل خودخارج شده به احاطه حویلی همسایه خود داخل گردید. زن صاحب خانه تنها بود فقط یک خدمه با خود داشت چونکه شوهرش بخانه نبود.

دپلومات افغان اول زنگ دروازه را فشار داد و زن صاحب خانه تنه خود را ازکلکین بیرون ساخت تا هویت مراجعه کننده نیم شب را تشخیص نماید. وقتی دیدکه همسایه اش میباشد زن صاحبخانه تصور کرد مردهمسایه بکمک ضرورت دارد لذا بمعیت خدمه اش بدروازه امده دروازه را باز کرد. درینوقت دپلومات شروع کرد بکشیدن ایزار خودو درحالیکه از شدت نشه جول میخورد بسرعت خود را بطرف خانم پرتاب کرد. زن صاحبخانه زنگ خطر را بصدا دراورد و درچند دقیقه همسایه ها بکمک او شتافتند و دیدند که دپلومات نشه هنوز بحال نیمه برهنه بدهن دروازه ایستاده و ملتفت نیست در اطراف او چه میگذرد. یک همسایه نمبر ۱۰۰ را چرخ داد و یک موتر پولیس فورا بمحل واقعه رسید ودیدکه همسایه ها شروع کرده اند بدشنام دادن دپلوماتی که این سلوک و صحنه را تبارز داده است.

پولیس دهلی دپلومات مذکور را بجرم جنایت و بیسیرتی ملزم ساخت و این جرایم درهندوستان به حبس و توقیف وجریمه می انجامد. اما پولیس گفت که بلحاظ مصئونیت سیاسی که باعضای سفارت ها داده شده، نمیتوانند او را توقیف نماید.

پولیس دهلی موضوع را بوزارت داخله مینویسد تا شکایت شانرا توسط وزارت خارجه بمقام مربوطه برسانند. مقامات سفارت افغانستان ازتبصره روی این موضوع امتناع ورزیدند.

Afghans sack diplomat for indecency

By A Staff Reporter

NEW DELHI, August 18: The Afghan embassy today announced the dismissal and deportation of its first secretary, Sultan Mehmud Dehdar, for having allegedly lowered his trousers in front of a woman neighbour in Anand Niketan on Wednesday night.

Mr Dehdar was allegedly inebriated, having just seen off a friend with whom he had had a drinking session. His wife and children were out of Delhi.

Mr Dehdar reportedly scaled a boundary wall, entered the adjacent building and knocked on the door of a first-floor flat, whose occupants he knew. The lady of the house was alone, with a maid. When the door was opened, Mr Dehdar is said to have lowered his trousers. The woman called the police.

The police registered a case of criminal trespass and indecent exposure; no other action was possible because of Mr Dehdar's diplomatic immunity.

The Afghan embassy said that on instructions from the ministry of foreign affairs in Kabul, Mr Dehdar had been dismissed. He would be deported and then prosecuted.

"The act of gross indecency...contravenes all the accepted norms and principles of the government...and grossly violates the spiritual and ideological values of the Muslim people of Afghanistan....The ministry expresses its deep regret," it said.

Mr Dehdar, the embassy said, was a member of the former ruling Communist Party. He had been employed "in pursuance of the policy of forbearance and forgiveness towards officials who were serving the communist regime," the em-

افغانها دپلومات خود را بخاطر بی سیرتی برطرف کردند (تایمز اف اندیا)

دهلی جدید ۱۸ اگست ــ امروزسفارت افغانستان برطرفی و اخراج سلطان محمود سکرتراول خودرا اعلام داشت

سلطان محمود دهدار شب گذشته ایزار خود را بحضور زن همسایه در محله انانند نیکتان کشیده بود. اقای دهدارکه با یك رفیق خود بسیار شراب نوشیده بود بعد از مرخص کردن رفیق خود بحالت بیموا زنگی درامده. خانم و اطفال اوبدهلی نبودند. قرار راپور واصله اقای دهدار از دیوار مشترك همسایه بداخل احاطه حویلی او رفته ودروازه اپارتمان طبقه اول که ساکنین آنرا میشناخته تك تك زده است. زن صاحب خانه تنها بوده فقط خدمه اش را همراه داشت. وقتی دروازه باز شده اقای دیدار ایزار خود را بحضور خانم کشیده است و زن صاحبخانه هم پولیس را احضار نموده است. پولیس دپلومات را متهم بجنایت و تخطی بحقوق همسایه و بیسیرتی متهم ساخته اما اقدام دیگری بخاطر مصئونیت سیاسی اقای دهدار ممکن نبوده است. سفارت افغانستان گفت که باشر هدایت وزارت خارجه کابل اقای دهدار برطرف شده است. او از دهلی اخراج و بعدا محاکمه خواهد شد. این عمل بیسیرتی شنیع بالاتر از همه معیارهای وپرنسیپ های قبول شده دولت هند بوده و همچنان تخطی فاحش است از تمام ارزشها معنوی و ایدیالوجیکی مردم مسلمان افغانستان. وزارت خارجه هند تاثرات عمیق خود را در زمینه اظهار داشته است.

سفارت افغانستان گفت که اقای دهدار یك عضو حزب کمونست سابق حاکم بر افغانستان بوده و باساس پالیسی عفو عمومی استخدام شده که برای مامورین شامل در حزب کمونست ارزانی شده است... ختم ترجمه

ادامه صفحه 37

اسلامی. جنرال لطیف در دهلی بحیث حلقهٔ وصل بین پرچمیها وجمعیت بسیار فعال بوده وبااستفاده از پاسپورت سیاسی بدون خوف برای پرچمیها کارمیکرد. این بود یکمقدار معلومات مختصر درباره قهرمانان هرکاره پهلوانی پهلوان ربانی ومسعود. باید گفت که سفارت ربانی در دهلی به رسوائی سلطان محمود وقتی رسما اعتراف کرد که رسوائی وشرمندگی رژیم ربانی باوج بین المللی رسید ودراخبارها برامده. حالا دراعلامیه رژیم ربانی ادعاکرده که سلطان محمود اصلا عضو جمعیت نبوده بلکه عضو حزب کمونست شاخه پرچم بوده است. ختم.

معلومات خصوصي در بارهٔ کثافات داخل سفارت رباني

ع. ص. ب از دهلی

(هویت کامل وآدرس نویسنده بخواهش او محفوظ است)

بمجله وزین اشینه افغانستان

چند قطعه کتنگ اردو وانگلیسی روزنامه های دهلی در بین این پاکت غرض معلومات شما ارسال شده یقین است جناب شما از مجرا های دیگر هم درین موضوع اطلاعات حاصل نموده باشید چونکه موضوع مربوط به افغانستان وبی حیثیتی وطن ما است حتما شما باید انرا برای اطلاع مردم نشر خواهیدکرد. من در اثر تماسیکه با مامورین سفارت دهلی دارم از کثافات داخل سفارت خبر داشته در بارهٔ رسوائی سلطان محمود سکرتر اول باید بگویم که این شخص لوده قربانی یك دسیسه همکاران وهم بستران خود شده است.

سلطان محمود تحصیلات ابتدائی داشته بلکه یك شخص بیسواد است و ازراه خدمت برای خاد نجیب ازجملهٔ خادیستهای کمونست پرچمی بود. بعد اززویکار آمدن رژیم ربانی وائتلاف بین پرچمیها ومسعود (پنجشیری) کمونستها یکتعداد ایجنتان خود را در دستگاه استخبارات مسعود (پنجشیری) شامل ساختند بلکه خاد رژیم ربانی را کمونستها ساختند وتاحال هم خودآنها اداره میکنند. شخصی بنام جنرال فهیم ازنزدیکان مسعود (پنجشیری) بحیث رئیس خاد رژیم ربانی مقررشد و اوپسرکاکای خود همین سلطان محمود بدعمل را بحیث رئیس یکی ازاداره های خاد مقررنمود. سلطان محمود بحیث مفعول (gay) دردوره نجیب شناخته شده بود و او بنوبه خود یکتعداد (gay) ها را درخاد جلب نمود وفجایع زیاد توسط (gay) های ریشدار بوجود آمد تا اینکه جنرال فهیم مجبور شد پسرکاکای خود را بحیث سکرتراول برتبه جنرال خاد بدهلی مقررکند ودرحقیقت وظیفه او رسیدگی بامور استخبارات در دهلی بود. این شخص بعدا زورود بدهلی با ایشانجان عریف روابط خصوصی قایل کرد حتی گفته میشود که ایشان جان عریف نیزبعمل شنیع لواطت گرفتار است وازطرف دیگر سفیر عریف از این جنرال خاد میترسید تامبادا فجایع شخصی ورسمی او را بکابل اطلاع بدهد لهذا با او ازراه رفاقت ودوستی پیش آمد مینمود. متعاقبا یکنفرمفعول (gay) مشهور دیگر بنام عبدالطیف که اوهم رتبه جنرالی دارد وعموزاده داکتر عبدالله آمروزارت دفاع ربانی است بحیث معاون آتشهٔ نظامی در دهلی مقرر گردیده. از روابط شخصی و خصوصی وشرابخوری ها و شبگذرانیهای این دوجنرال (یکی جنرال خاد ودیگری جنرال وزارت دفاع) همه خبردارند وسفیر کبیر ایشان جان عریف نیز شبها همرای این دونفر گاهی در خانه یکی و گاهی در خانه دیگر سپری میکرد. اما این سه نفر هرکدام بیك مرجع جداگانه راپور داده باساس هدایت مستقیم همان مقام اقدامات می کردند. سفیرکبیر ایشان جان عریف ازطریق وزارت خارجه با شخص ربانی تماس دارد. جنرال سلطان محمود سکرتر اول بریاست خاد راپور داده طبق هدایت مستقیم خاد عمل میکرد و جنرال لطیف بوزارت دفاع و بداکتر عبدالله راپور داده طبق هدایت او اجراات میکرد واین وضع تاحال همینطور میباشد یعنی یکی پروای دیگر را ندارد وسفارت بمعنی واقعی یعنی نمایندهٔ کشور ومنافع افغانستان وجودندارد.

دیری نگذشت که روی استفاده های شخصی مناسبات بین جنرال سلطان محمود وجنرال عبدالطیف برهم خورد. یك مدرك مهم سوء استفاده اعضای سفارت اسلامی دردهلی فروش شراب است ببازار آزاد. اینها ازطریق امتیازات سیاسی هزاران بوتل شراب وارد کرده توسط کمونستها ببازار عرضه میکنند وسفارت اسلامی افغانستان در دهلی بمقایسه سفارتهای غیر اسلامی شراب بیشتر وارد کرده است. یك بوتل ویسکی برای اعضای سفارت حدود یکنیم صدکلدار تمام شده دربازار آزاد به یکنیم تا دوهزارکلدار رفروش دارد. لهذا سفیرکبیر ایشان جان عریف بهمکاری جنرال لطیف در صدد لنگ کردن وبدنام ساختن سلطان محمود شدند وسلطان محمود که یك شخص ساده وکاکه بود ازطریق مناسبات خصوصی وجنسی که با جنرال لطیف داشت جنرال لطیف با و تلقین کرد که زن همسایه بالای سلطان محمود عاشق شده آرزوی وصل را دارد. همان است

بقیه در صفحه 14 (نیم صفحهٔ اخیر)

OPERTA ACKU

است.» منابع محلي و مسافرين تعداد تلفات را سنگين خوانده گفته شده که حدود چهار صد نفر از لشکريان رژيم رباني بطالبان تسليم شده اند. خبرنگار آئينه افغانستان اطلاع ميدهد که سه روز قبل بهنگام اشغال گرشک ازطرف قواى رباني، داکتر عبدالله در بيانيهٔ پرجوشي که بمناسبت فتح گرشک ايراد کرده گفته بود که تا چند روز ديگر قواى ما شهر قندهار را متصرف خواهد شد.

۳ سپتامبر - بموجب اطلاعات تلفوني که توسط آقاى خالد پشتون از شاغلي محمد صديق پتمن مسئول دفتر محاذ در پشاور اخذ شده سه تن از قوماندانان با نفوذ جمعيت اسلامي رباني در منطقهٔ فراه وهرات قبلا با طالبان ارتباط مخفي برقرارنموده درسقوط شيندند وهرات وعدهٔ همکاري داده بودند. يکنفر اينها قوماندان عبدالعزيزعليزائي شيندندى است که از طرف جمعيت والي فراه ميباشد وپسر او موسوم به قومندان عبدالرحمن ازطرف جمعيت بحيث قوماندان ميدان شيندند مقرر بود. قرار مسموع رژيم رباني بتعداد هجده نفر متخصصين هندى و روسي را براى ترميم وفعال ساختن طيارات و تربيه پيلوتها بميدان شيندند اعزام داشته سفارش کرده بودند تا هويت خارجيان بسيار مخفي نگهداشته شود. قوماندان شيندند بمقابل تصميم رژيم رباني مخالفت وپافشارى نموده گفته بود که اولا هويت و رسيدن متخصصين خارجي در شيندند مخفي مانده نميتواند و ثانيا مجاهدين بمشاهده روسها وهندوها بغاوت نموده امنيت ميدان را مختل خواهند ساخت. همان بود که عبدالرحمن قوماندان ميدان شيندند بدوام مخالفت خود توقيف ومتعاقبابدست شوراى نظار بقتل ميرسد. پدرش حاجي عبدالعزيزعليزائي شيندندى والي فراه بانتقام خون پسر خود طور مخفي باطالبان همکار شده ودر تسخير شيندند رول بزرگ بازى کرده است. اين منبع مى افزايد که مردم هرات از طرز اداره جمعيت رباني و اسماعيلخان دل خوش نداشته واز اعمال لشکر شوراى نظار سخت متنفر اند. مخالفين اسماعيلخان دست به تبليغات وسيع در بين مردم زده بسيارى هراتيان از نزديک شدن طالبان اظهار مسرت کرده از داخل شدن طالبان بهرات بخوشي استقبال خواهند کرد.
اخبار واصله ازپشاور از طريق صديق پتمن مشعر است که راه جلال آباد بکلي مسدود شده ودر سروبي بين قواى حکمتيار ومسعود پنجشيرى جنگهاى شديد شروع شده است. در محاذ باميان نيزبين نيروهاى وحدت - دوستم با رباني - سياف جنگهاى شديد جريان داشته قواى رباني - سياف عقب نشيني کرده اند

۳ سپتامبر ۹۵ - ريوتر خبر دادکه طيارات جنبش شمال ميدان هوائي بگرام را شديدا بمباردمان کرده بطيارات و رنوى ميدان خسارات وارد ساخته اند. اما وزارت دفاع رباني مقدار تلفات را جزئي يعني حريق چند طياره و زخمي شدن چند پيلوت اطلاع داد. بموجب يک خبر ديگر گدام ذخيره تيل واسلحه نيز منفجر شده است. در مقابل، بحوالهٔ فرانس پرس قواى هوائي رژيم کابل مواضع طالبان را در گرشک ودلارام شديدا بمباران نموده ادعا کردند که بطالبان خسارات زياد وارد ساخته اند.

۴ سپتامبر ۹۵- بي بي سي وخبرنگار فرانس پرس خبر داد که رژيم کابل سقوط شيندند را بدست طالبان تائيد نموده، بقول عبدالحفيظ منصور رئيس آژانس رباني، متخصصين وزارت دفاع رباني تشکيل جلسه داده موضوع تنظيم مجدد قواى قول اردوى غربي راتحت غور ومداقه قراردادند. وى گفت مقادير زياد اسلحه ومهمات قبلا از شيندند بميدان هرات انتقال داده شده است. منصور علاوه کرد که تمام طيارات جنگي قبل از اشغال شيندند بهرات وکابل انتقال يافته اند. رئيس آژانس رباني، تورن اسماعيلخان را بارتباط رهبرى وتنظيم امور نظامي مورد انتقاد قرار داده گفت يک کميسيون عاليرتبه وصلاحيتدار متشکل از داکتر عبدالله سخنگوى وزارت دفاع، عبدالرحمن وزير ترانسپورت و صديق چکري بهرات اعزام گرديده تا صلاحيت نظامي منطقه را از اسمعيل خان بجنرال علاوالدين معاون او تفويض نمايد.

ريوتر و بي بي سي از قول پيتر گريست خبر دادند که وزارت دفاع کابل تمام قوماندانان هراتي تحت قوماندهٔ تورن اسماعيلخان را تبديل نموده بعوض آنهازبده ترين قوماندانهاى شوراى نظاررا مقرر نموده وهمچنان احمد شاه مسعود پنجشيرى زايد از دوهزار عسکر تازه دم شوراى نظار راتوسط طياره براى دفاع هرات به ادرسکن انتقال داده جبهٔ دفاعي در موضع ادرسکن در سي کيلومترى هرات تاسيس شده است. خبرنگار مذکور ازقول وزارت دفاع رباني خبر داد که هيات اعزامي احمد شاه مسعود پنجشيرى فرماندهي قواى هرات رااز اسماعيلخان به علاوالدينخان انتقال داده است. مقامات کابل اظهار خوشبيني ميکنند که با رسيدن جنگجويان زبدهٔ قواى نظار به ادرسکن، ميدان شيندند را دوباره اشغال خواهند کرد.
پيتر گريست طي تبصره اى گفت اکنون ظاهر خواهد شد که آيا طالبان ميتوانند بگونهٔ موثر از قواى هوائي شيندند براى درهم پاشيدن نيروهاى دولتي استفاده کنند يا خير.

۴ سپتامبربي بي سي خبر داد که قواى طالبان در جبهٔ لوگر بحملهٔ شديد از ميدان شهر بطرف کابل شروع کردند، جنگ شديد براى دو ساعت جريان داشت و طالبان يکمقدار اراضي را اشغال کردند. اما رژيم رباني گفت که طالبان بمقاومت شديد لشکر شوراى نظار مواجه شده، نتوانستند قواى رژيم را شکست بدهند. اين حمله وجنگ آنقدر شديد بود که باشندگان اسيرو بيدفاع کابل صداى فير هاى توپخانه و هاوان را شنيده اند.

Endless internecine enmities between certain Afghan factions were potentially of great, strategic advantage to the Soviet Army in Afghanistan. The Absolute inability of many resistance groups to put aside their personal differences in the interests of their common good, for any length of time, continued to help the Soviet Army throughout its ten years in Afghanistan. Mutually advantageous working relationships between Soviet commanders and resistance leaders were far more likely to be based on the ancient principle that the enemy of my enemy is my friend than on any common political understanding.

Such alliances depended upon individual, and enterprising Soviet officers being able to command the respect of powerful resistance leaders, an extraordinary difficult task, given the circumstances. Against the odds there were cases where Russians managed to penetrate the implacable Afghan loathing of any foreign invader and forge an understanding. But such arrangements were always fragile, and they were perilous; a Soviet officer who went into the mountains to meet a resistance commander was more likely to end up dead than wearing the Gold Star of the Hero of the Soviet Union. (Schofield, 1995)

There were, however, many notable successes. The most significant ceasefire in the ten-year period of Soviet military involvement in Afghanistan was undoubtedly the truce concluded in February 1983 with Ahmad Shah Massoud; under the terms of the agreement the Mujahideen in the Panjshir Valley, under Massoud's command agreed not to launch any attacks against Soviet or government troops or convoys, and to interdict other resistance groups from attacks as well. The agreement was beneficial to both parties. For the Soviet forces, it guaranteed the security of the vital Salang Highway along its most vulnerable stretch, while at the same time enabling Massoud to regroup his forces, rebuild his infrastructure, utilizing war material, food, and cash received from the Russians as bribes. In addition, one fifth of all transported goods originating from Russia and destined for Kabul, which were allowed to pass without incident via Salang Highway, were given to Massoud by the Russians as payment. (Rubin, 1995)

For the Soviets, dealing with the Afghans was thus fraught with complications, but this was not an unfamiliar scenario to Russian intelligence officers. It was, after all, and particularly in Massoud's case, very similar to the world of Haji Murat, Tolstoy's famous story set during the nineteenth century Russian campaign in the Caucasus, which hinges on local warriors tactical decision to cooperate with the Tsar's troops against his mortal enemy. (Schofield, 1995)

Case Histories

Efforts to bribe guerrilla commanders and tribes had mixed success. When in 1980 the DRA Minister for Tribal and Frontier Affairs personally brought a previously agreed-on bribe of $28,000 to a frontier tribe, in exchange for its cooperation with the Kabul regime, the tribesmen killed the minister and his two aides and kept the funds. Guerrilla commander Amin Wardak reported that several times the DRA sent emissaries to him from Kabul who offered him food, supplies, and even weapons, if he would cease his

guerrilla activities and sever ties with other resistance organizations. Wardak refused. Some of these subversion efforts were successful, however. Another guerrilla commander in Wardak province, affiliated with the Peshawar-based Sayyaf-led organization, defected to the DRA on receiving a bribe. But most of his men would not follow him and joined another local partisan group. A number of Pakistan-border tribes did cooperate from time to time with the government in return for generous money payments. Among these were the Shinwari tribe in Nangarhar province and the Ishmaelkhel and Mandizi tribes in Paktia province. (Schofield, 1995)

Soviet intelligence officers quickly became masters of deceit and subversion in Afghanistan. And with unlimited resources at their disposal, easily recruited and persuaded villagers near a Soviet-DRA-guarded urban center or military base to enter into a truce through intimidation and bribes. The male inhabitants then would be persuaded to form a highly paid militia unit to maintain law and order in their village area, and to protect Soviet interests. Successful examples of this policy were seen in two strategic areas in Baghlan and Parwan provinces, which straddle the important north-south highway between Kabul and the Soviet Union. In fact, a combination of subversion activities in Parwan province was so successful that a visiting Western correspondent reported in 1983 that the resistance movement all but came to a standstill in that province. (Schofield, 1995)

An often utilized tactic, described earlier, was to bribe guerrilla bands to cooperate with the government. One of the most interesting of these attempts was an arrangement negotiated with the most celebrated guerrilla commander of the Panjshir Valley. Ahmad Shah Massoud. According to western sources, he demanded and received a bribe of roughly $350,000 in exchange for a truce beginning in February 1983. When the truce expired in February 1984, Massoud allegedly advanced three demands for a new truce: twice as much money, continued direct negotiations with the Soviets (instead of the Babrak government), and autonomous jurisdiction over Panjshir Valley. The Soviets reportedly were willing to accept the first two demands, but not the third. (Amstutz, 1986)

Another bribe objective was to turn guerrilla bands against each other. As mentioned earlier, a few bands did switch to the DRA side, to form what was called Pader Watan units. Also, the DRA claimed credit for some bloody infighting that sometimes occurred among rival bands in particular areas. An Italian Communist correspondent visiting Kabul in January 1984 was told by authorities that "many, perhaps dozens and dozens of informal agreements" have been reached between the DRA and certain elements of the resistance, under which some groups did turn against other members of the resistance. (Zaloga, 1995)

None of the policies and strategies noted above achieved the ultimate objective during the period. Although the Soviets could point to some successes, the end result fell far short of their hopes. (Schofield, 1995)

In consideration of the foregoing, it would be prudent to consider current events in Qandahar. On 9 August, Taliban MiG-21 fighters forced down a Russian-manned, Ilyushin-76 cargo plane loaded with 30 tons of ammunition destined for Kabul. This act, in strict contravention of the Geneva Accords, and a memorandum of understanding between the United States and the Soviet Union regarding "positive symmetry", underscores the continuing linkage between Moscow, the Rabbani government, and his military supremo, A.S. Massoud.

از جناب ترجمان افتخاری
اغیانه احترام خواهشمنداست
ترجمه دری اینهٔ مقاله را
برای شماره های آینده تهیه کنند

As a well-known thinker once said, "history repeats itself, the first time as tragedy, and the second time as farce! Neither a tragedy nor a farce should be inflicted on the war-weary people of Afghanistan." Bruce Richardson . . . September, 1995

شمارهٔ فوق العادهٔ نجات هرات

شیطان در خدمت استعمار نو

محترم جهاندیده ازفرانسه

روس های بی دیانت، دشمن انسانیت
داشتند با مردم افغان سوء نیت
با بیانات دروغین آن گروه نا نجیب
بادوروئي هاوصد هاگونه نیرنگ وفریب
مثل فحبه چند تني راما یل خود ساختند
ار جهان تفرید شان کرده بدام انداختند
بالاخر آن قوم روبه طینت ازسگ بتر
حمله آوردند دزدانه ، شبانه بی خبر
بر حدود وبر ثغور پاک افغان دلیر
غافل ازاینکه درآن بیشه باشد جای شیر
برخلاف انتظار خاینان خود فروش
خشم تاریخي ملت ناگهان آمد بجوش
مردم افغان سرپا خاست یکدم هر طرف
بردفاع از خاک آبائي،سراز غیرت بکف
چرخ دون کونیز باآزادمردان کینه داشت
هم بدان تقریب ابلیس سیاهی را گماشت
که بسربازان روس بیخدا یاری کند
ناتواند قسم نامرني تبه کاری کند

)x( )x( )x( )x( )x( )x( )x( )x( )x( )x( )x( )x( )x( )x(

جفت شد آن ماده شیطان لعین با اهرمن
هفت شیطان بچه بارآورد صاحب مکروفن
در بر شان کرد مثل خود لباس آدمي
داد شان عمامه و القاب ملا، مولوي
هریکی ازآن شیاطین شیخ پرتزویر وریو
هریکي در مسند تلبیس با شوکت خدیو
هریکي طاغوت را مودود و مردود خدا
از تهٔ دل دشمن سرسخت احمد مصطفي
منکر از امر حدیث و نص قران مجید
قاتل اولاد پیغمبر، به کردار یزید
درخفا هریک حلیف وجیره خوار ملحدان
لیک در ظاهر هماتا راز دار جاهدان
زیرریش خویش پنهان داشت صدهامکروشید
جز جهادحق سخن نشنید ازوی عمرو وزید
با پلان جنگ افغان همخیال و همنظر
بود تا دشمن سر ساعت بدارد بر حذر
تیر می انداخت هر جا پشت صفهای جهاد
ستر و اخفایش بجا میکرد روس بدنهاد

)x( )x( )x( )x( )x( )x( )x( )x( )x( )x( )x( )x( )x( )x(

در قبال افتضاح روسها ، بار دگر
بار ابلیس سیه بگرفت شادي زسر
از جهاد برحق و دین خدا کردي بیان
هر کجا بهر فریب قوم افغان و جهان
محرمانه گفت لکن باشیاطین که هان !
صحنه خالی گشت وفرصت شدمساعدبهرتان
چون شما در دست خود دارید کامل اختیار
این بتانها را کشید اکنون دماراز روزگار
تفرقه در بین تاجکها و
وز نفاق و جنگ ایشان بهره
مثل یک جولاه دور هر ب
تا نتیجه حاصل آید کا
بین خودافتید بهر مصلحت
درحق همدیگر تان فحش گوئید و
گله باري ها مگر همواره بر افغان
غیر از آنکه مرمیی سهوا بسوی تان
تا توان دارید قتل عام این مردم
دفع شان ازاینجهان جونماروجون گژدم
مهد علم و فضل رایگسان بگردانید به خا
نور عرفان را بندارید در تیره مغ
تکیه خانه ، مسجد و معبد اهل هن
برکنید از بیخ آنطوری که گویا خود
تا نماند دیگر از پشتونستان نام و
تا نگردد بعد ازین مردی بمیدان جلوه
آنگهي آسان توان شد کار استعمار
زانکه مي باید شعار تازه و بازار

تکرار تاریخ

محترم عزیزاحمدنوري

مولویها گر چنین عصیان کنند
جاهل بیمایه را حیران کنند
آنچه در فکرت نگنجدآن کنند
«شاهدان گردلبري زینسان کنند
زاهدان رارخنه درایمان کنند»

صفحهٔ تاریخ ما برگشته شد
بیگناهان ازمظالم کشته شد
چودري برخون مردم بشته شد
«مردم چشمم بخون آغشته شد
درکجااین ظلم برانسان کنند؟»

بر عقابان بودنه تازد چو باز
دال حوران کرده این هنگامه ساز
گیردش آخر عقاب بی نیاز
«خوش برآی ازغصه ابدل کاهل راز
عیش خوش در بوتهٔ هجران کنند»

صاحبانت پیش افغان دره ئی
سر بریدندش بسان تره یی
روس آمد نیزچون خرمهره ئی
«درپیش چشمم کمتراست ازقطره ئی
این حکایتها که از طوفان کنند»

همت والات را سوئی بزن
ای به غیرت شهرهٔ هر مرد وزن
ای مجاهد، بردگي نبود حسن
« ای جوان سروقد، گوئي بزن
پیش ازآن کرقامتت چوگان کنند»

مسلسل
925
371.3
991
الف VV
V.7:56

۴ سپتامبر ـ امید شماره ۱۷۶ خبر داد که عبدالحي ورشان که قبلا اخبار جبهات داخل افغانستان را به امید میداد از دوام همکاری خود با امید معذرت خواسته است . آئینه افغانستان اطلاع یافته است که آقای ورشان تا حال چند بار بالای ناشر امید بخاطرحذف و سانسور اخبار مربوط بجنایات رژیم رباني احتجاج نموده ولي ناشر امید پیوسته آن نوع اخبار راکه خودش برای رژیم رباني مفید تشخیص نداده حذف کرده است ،تا اینکه آقای ورشان مجبور گردید همکاري ژورنالیستي خود را با امید قطع نماید .

۵ سپتامبر ۹۵ـ همه سرویسهای جهاني خبر دادند که شهر هرات بروز دوشنبه ساعت هشت شام بدون دفاع و زد وخورد بتصرف نیروهای طالبان درامده است. اخبار حاکي است که درشهر هرات هیچنوع مقاومتي بمقابل طالبان بظهور نپیوسته سلاحهای تعبیه شده نیز بتصرف طالبان افتاده است .بي بي سي از قول پیتر گریست در سرویس هشت صبح خبر داد که قوماندان اسماعیلخان والي و قوماندان نظامي ولایت هرات از قدرت برافتاده وبا عمله وهمکاران خود توسط پنجاه لاري بکشور ایران پناهنده شده است . داکتر عبدالله ، صدیق چکری، عبدالرحمن وزیر ترانسپوت رباني و علاوالدینخان معاون اسماعیلخان ویکتعداد قوماندانهای دیگر نیز بمعیت اسماعیلخان از شهر هرات فرار وبمشهد رفته اند . حکومت کابل نیزسقوط هرات را بدست نیروهای طالبان امروز تائید کرده و رادیو ایران نیز رسیدن وپناهندگي اسماعیلخان و هیات معیتي او را تایید نموده گفته است که اسماعیلخان بخیر و عافیت وارد ایران شده است.

۵ سپتامبر ـ بي بي سي و صدای امریکا خبردادند که ولایت بادغیس توسط نیروهای رشیددوستم در حالي اشغال گردید که طالبان مصروف اشغال شهر هرات بودند . این منابع گفتند که رژیم رباني جلسهٔ اضطراري تشکیل داده تادربرابر سقوط هرات وتعرض طالبان برشهر کابل موقف بگیرند . گفته میشود درجلسهٔ اضطراری رژیم کابل سه عنوان مطرح شده است: طرفداران احمد شاه مسعود پنجشیري طرفدار دوام قدرت وجنگ استند . گروه دیگر طرفدار تسلیمي وختم جنگ بوده، گروه سوم بشمول رباني طرفدار پیداکردن یک راه حل سیاسي میباشند .

ولایت بدخشان که مقر آبائي رباني بوده وحکومت جمعیتي در آن مستقر میباشد امروز توسط یکنفر جمعیتي موسوم به بصیر خالدازمخالفین احمد شاه مسعود پنجشیری کودتا شده است . بصیر خالد که زمام ملکي و عسکری ولایت بدخشان را بدست گرفته اعلام داشت که بجنبش اسلامي شمال پیوسته وبعد ازین ولایت بدخشان در صف جنبش قرار خواهد داشت .

۵ سپتامبر ۹۵ ـ بي بي سي گزارش داد که طالبان امروز توانستند وارد پغمان شده شهر و مواضع سیاف را اشغال نمایند .سیاف با ورود طالبان از پغمان فرار کرده بصوب نامعلومي رفته است . هکذا بین طالبان وحکومت کابل در چند جناح حومه کابل جنگهای شدید درگرفته رژیم رباني قوای تازه دم ازچاریکار و شمالي بکابل فراخوانده است .بموجب یک خبر دیگر، سیاف بجلال آباد رفته و میخواست با غند ملیشه خود در کوه شمشادملحق شود اما مقامات ولایت ننگرهار ازین عمل جلوگیری کردند که سیاف مجبور ببازگشت به کابل شده است .

۵ سپتامبر ۹۵ بحوالهٔ اسوشیتد پرس ، دیوید لاکوود نماینده کمکهای ملل متحددر اسلام آباد از قول هفت نفر کارگران ملل متحد در هرات خبر دادکه طالبان شهر هرات را متصرف شده، حکومت ملکي جدید را تاسیس و برای سه روز رخصتي عمومي را اعلان نمودند . اوگفت کارگران ملل متحد از ترس اینکه در جنگهای بین قوای رباني وطالبان صدمه نبینند خود را باسلام قلعه رسانیده اند .همین منبع از قول عبدالرحمن زاهد سخنگوی طالبان خبر داد که گفت قوای ما بشهر هرات درامده و مردم هرات با خوشحالي و کف زدنها از ما استقبال نمودند اما سفارت رباني در اسلام آباد سقوط هرات را تکذیب نموده است .

۵ سپتامبر ۹۵ ـ اسوشیتدپرس خبردادرادیوی رژیم کابل مدعي شد که جنرالان اردوی پاکستان بهدایت آی اس آی در اشغال شیندند وهرات با طالبان کمک نموده اند. رژیم کابل گفت طیارات جت پاکستان از کویته پرواز و مواضع دولت اسلامي را در فراه وهرات بمباران نمودند وازطرف دیگر مقادیر زیاد اسلحه و مهمات جنگي از طرف پاکستان در ظرف چهار روز اخیربطالبان داده شده است . اما حکومت پاکستان مدعیات رژیم کابل وهر نوع دخالت درجنگهای اخیر حوزهٔ غربي افغانستان را رد نموده است.

۶ سپتامبر ۹۵ ـ اسوشیتد پرس، ریوتر وبي بي سي خبر دادندبعد ازآنکه رباني حکومت پاکستان را بمداخله در امور داخلي افغانستان متهم نمود، مظاهرهٔ شدیدی بمقابل سفارت پاکستان در کابل براه انداخته شد. شاهدان عیني گفتند زاید از پنجهزار نفر توسط بسها و لاریهای دولتي از مواضع مختلف شهردر حالي بسفارت پاکستان در باغ بالا (سفارت سابق انگلیس) انتقال داده شدند که چوبها یا سیخهای آهني بدست داشتند. مظاهره چیان شعار های ضد دولت وزعمای پاکستان را بلند ساخته مرگ بر بوتو، مرگ بر آی اس آی و مرگ بر پاکستان شعار میداند. در حالیکه محافظین رژیم رباني تماشا میکردند ، مظاهره چیان بمحوطهٔ سفارت داخل شده ابتدا سامان آلات سفارت را چور نموده یکنفر رامقتول و ۲۱ نفر اعضای سفارت بشمول سفیر پاکستان را در اثر لت و کوب مجروح ساخته بعد از آن

عمارت سفارت را حریق نمودند. مقامات وزارت دفاع و وزارتخارجهٔ کابل اعلامیه هائي نشر و مظاهرات شهریان کابل را ناشي از خشم شان بمقابل مداخلات پاکستان در حوزهٔ جنوب غرب و خصوصا در سقوط و اشغال شیندند وهرات توسط طالبان تلقي نمودند. مقامات وزارت خارجهٔ پاکستان درحالیکه هرنوع مداخله رارد مینمودند دربارهٔ صحت و امنیت اعضای سفارت خود در کابل اظهار تشویش نموده گفتند تلاش دارند اعضای زخمي خود را از کابل بیرون بسازند. وزارت خارجهٔ پاکستان بتاریخ ۶ و ۷ سپتامبر اعلامیه هائي نشر و گفت که رژیم رباني از تماس تلفوني شان با سفیر پاکستان جلوگیری کرده گفته اند که اعضای سفارت زخمي بوده در شفاخانه تحت تداوی میباشند. منابع افغاني در پشاور گفتند مظاهرهٔ مذکور از طرف منسوبین حزب حاکم وسپاهیان شورای نظار و متحدین شان یعني اتحاد اسلامي سیاف تشکیل شده ویک مظاهره تمام عیار دستوری بوده است نه عکس العمل شهریان کابل که خود بدست رژیم رباني اسیر بوده از آن متنفر میباشند. رژیم کابل مدعي است که بوقت هجوم مظاهره چیان بالای سفارت پاکستان از داخل سفارت فیر تفنگ صورت گرفته و در اثر ان یک مظاهره چي بقتل رسیده است اما دولت پاکستان این ادعا رارد و گفته است که از داخل سفارت قطعا فیر نشده است. دولت پاکستان مدعي است که رژیم کابل اصلا در فکر محافظت سفارت نبوده و این صحنه خونریزی و حمله بر حریم سفارت را خود رژیم کابل برانگیخته است.

۷ سپتامبر ۹۵ ـ وزارتخارجه رباني وسفارت او در نیویارک بارتباط واقعات چند روز اخیراعلامیه هائي نشر کرده اند که متن آنها ذیلا گزارش میبابد. توجه هموطنان بمطالعهٔ دقیق این اسناد جلب میگردد زیرا در بخش دوم این شماره تحلیل و تبصره برابن اسناد واخبار صورت میگیرد تا دروغها، بیکفایتیها و وحشتگیریهای رژیم غاصب و دیکتاتوری رباني مسعود ـ سیاف برملاگردد:

نامهٔ وزارتخارجهٔ رباني بعنوان سکرترجنرال ملل متحد

جلالتماب:

بااظهار تمنیات نیک، میخواهم به نمایندگي ازدولت اسلامي افغانستان باطلاع جناب عالي برسانم که سطح مداخلات خارجي مخصوصا دست اندازی پاکستان در امور داخلي افغانستان بهدف ساقط کردن دولت اسلامي افغانستان اکنون تا اوج خطرناکي بالا رفته است و بیم آن میرود که اگر مراجع مسوول بین المللي بشمول شورای امنیت سازمان ملل متحد از اتخاذ اقدامات جدی و موثر در برابر اوضاع موجود بازبماند، شعله های آتش جنگ بدون شک وشبه تا بیرون سرحدات کشور توسعه یافته وتا سطح غیر قابل کنترول شدت خواهد یافت وصلح منطقه را بخطر خواهد انداخت.

دولت اسلامي افغانستان بمثابهٔ عضو سابقه دار ووفادار ملل متحد پیوسته تلاش ورزیده است تا با رعایت دقیق اصول ومناشیر زنده گي بین المللي این سازمان ودر چهار چوب منافع سیاسي خود از طریق مجاری دپلوماتیک وسیاسي جلو وخامت اوضاع را بگیرد. چنانکه باربارپراصل همکاری خود با موسسه ملل متحد و سازمان کنفرانس اسلامي مبني بر حل صلح آمیز جنگ در کشور تاکید ورزیده است.

دولت پاکستان متاسفانه در طول سالهای بعد از پیروزي انقلاب اسلامي افغانستان نه فقط از دروازهٔ همکاري و حسن اعتماد پاجلونگذاشت بلکه بااستمساک به ترفند های مختلف سیاسي و نظامي اینک جنگ افغانستان را که بقیمت خون ملیونها انسان تمام میشود تا اوج خطرناکي رسانده ودست نشانده های خود گروه طالبان ... (در متن کاپي شده نیم سطر خوانا نشد)

از جناب عالي با تاکید تقاضا میشود تادرین موردقبل از آنکه جنگ موجود بعد جدیدی بخود بگیرد دست به تدبیر عملي برده وبابتکار خویش بارزومندیهای ملیونها تبعهٔ افغاني که همین اکنون میان دود و آتش قرار دارند جواب مثبت بدهید.

ازجلالتماب شما درخواست میداریم تا با استفاده از نفوذ ملل متحد دولت اسلامي پاکستان را بر آن دارند تا دست از همچو مداخلات آشکار باز دارد.

دولت اسلامي افغانستان رسالت تاریخي و ملي خود میداند تا بهرقیمت ممکنه مصممانه واستوار تلاش حلقات خارجي را که میخواهند افغانستان را به تجزیه بکشانند عقیم سازد.

دولت اسلامي افغانستان برای اتخاذ هرنوع اقدام و موضعگیري آینده در جهت حفظ تمامیت ارضي، وحدت وحاکمیت ملي و استقلال افغانستان اتمام حجت نموده وتقاضا میکند تا این نامه بحیث سند رسمي شورای امنیت ملل متحد توزیع گردد. با تجدید احترامات فایقه.

دکتور نجیب الله لفرائي وزیر دولت در امور خارجه دولت اسلامي افغانستان.

یادداشت اداره: نامه فوق و متن انگلیسي آن که در ذیل نشر میشود هردو تاریخ ندارند اما تصور میرود بتاریخ ۶ یا ۷ سپتامبر صادر شده باشد. متن انگلیسي از طرف نمایندگي رباني در نیویارک بافغانها توزیع گردیده، باید خاطر نشان ساخت که پاراگراف سوم متن انگلیسي باپاراگراف سوم متن فارسي مطابقت ندارد بلکه در متن انگلیسي اضافاتي صورت گرفته است.

TRANSLATION

Islamic State of Afghanistan
Ministry for Foreign Affairs
Kabul, Afghanistan

یادداشت اداره ــ درموا ردی که درین
شماره بعد ازتخلص مسعود کلمه «
مشخصه « (پنجشیری) اضافه شده
از طرف این اداره باحترام قدامت
مستند اقای محمدیعقوب (مسعود)
است که مقاله وادعای شان در شماره
۵۵ اثینه افغانستان نشر شده است .

Your Excellency,

Allow me to express my best wishes to you. On behalf of the Islamic State of Afghanistan I would like to inform Your Excellency that the level of foreign interferences, particularly by Pakistan in the internal affairs of Afghanistan, aimed at overthrowing the Islamic State of Afghanistan, has now culminated to a dangerous poin . It is really feared that, should the responsible international bodies, including the United Nations Security Council fail to take serious and effective measures in relation with the present situation, the flames of war would undoubtedly spread out beyond the frontiers of our country and would reach to an uncontrollable intensity, seriously endangering regional peace and stability.

As a faithful and early member of the United Nations, thoroughly respectful of United Nations principles aiming at the consolidation of international peace and determined to preserve its vital interests, the Islamic State of Afghanistan has always tried to prevent the escalation of the tensions by favoring diplomatic endeavors. Afghanistan has therefore repeatedly urged the recourse to peaceful means for the solving of armed conflicts in Afghanistan, in the course of its exchange of views with the United Nations and with the Organization of Islamic Conference.

During the years following the establishment of the Islamic State of Afghanistan, Pakistan has unfortunately refrained from working for cooperation and mutual trust and, furthermore, has provoked the armed conflicts in Afghanistan, which are causing the killing of Afghan masses, to a dangerous climax, by giving rise and assisting the so-called bands of "Taleban" both with equipment and personnel, to overrun the Western part of the country.

We earnestly call upon Your Excellency to undertake measures, before the time when the current conflicts take new dimensions and through your initiatives to positively respond to the millions of Afghans threatened by the perilous acts of war.

اطلاعیهٔ وزارت امورخارجهٔ دولت اسلامي افغانستان

بدینوسیله اطلاع داده میشود که: علی ا لرغم غلبهٔ گروه مزدور « طالب نما » برهرات اوضاع در کشور تحت کنترول قرار داشته واحساسات ملي مردم برعلیه تجاوز آشکار ملیشه های پاکستاني بر غرب افغامستان در میان افغانها در داخل وبیرون کشور در حال اوجگیری است . تازه اطلاع حاصل شد که شهر کابل اعم از مرد وزن پیر وجوان که تعداد آنها به صدهزار نفر میرسید طي تظاهرات بزرگ تنفر شدید خود رااز تجاوز پاکستان در قلمرو شیرمردان افغان ابراز کرده اند. قبضهٔ طالبان بر شهر هرات با بمباران میدان هوائي هرات که در پانزده کیلومتري شهر قرار دارد توسط طیاراتي که از میدان هوائي شهر کویته بلند شده بودند صورت گرفت .نیروهای گروه طالب نماها در حدی نبود که نفوذ موثر در تمام ساحهٔ ولایت هرات برعلاوهٔ نیمروز وفراه داشته باشد. پاکستان در رفع این کمبود ملیشه ها و کرنیل های خود راوارد صحنه کرده است .در حال حاضر قرار اطلاعات رسیده طالب های سابق وملیشه های اعزامي پاکستان در شهر هرات کنترول دارند. وسائل استراتیژیک نظامي بشمول طیارات قبلا از آنجا تخلیه گردیده بود و مجاهدین در اطراف شهر و در ولسوالي های مجاور در حال گروه بندي مجدد و تشکیل یک شورای مختلط نظامي تحت قوماندهٔ وزارت دفاع ملي دولت اسلامي افغانستان میباشند.

در ساحهٔ سروبي دولت بتاریخ ۱۴ سنبله آخرین پوسته مرتفع سرکوهي را از دست قوتهای حکمتیار بیرون کرده واکنون تمام ساحه سروبي یا زیرتصرف ویا نظارت قوای دولت قراردارد.

نیروهای دولتي در ساحهٔ سالنگ حدود بیست کیلومتر بطرف شمال تونل در مرتفع ترین نقاط موقعیت دارند. تمام ناحیهٔ استراتیژیک درهٔ صوف سمنگان بدست دولت افتاد. درهٔ صوف بنابرارتباط استراتیژیک آن بامرکز کشور (ازراه بامیان) واتصال مرکز با شمال اهمیت سوق الجیشي دارد. امروز منطقهٔ چارکنت نیز از دست ملیشه ها نجات داده شد.

دربامیان اطمینان داده میشود که شهر و اطراف شهر در تصرف دولت بوده وطي آخرین نبردها دشمن به کیلومترها عقب نشیني کرده است . شهر کابل واطراف آن کاملا د رامن بسر میبرند ومردم منتظر شکست های روزافزون دشمنان وطن اند . ختم

یادداشت اداره: این اطلاعیه نیز تاریخ نداشته شاید بروز ۶ یا ۷ سپتامبر صادر شده باشد.

مصاحبهٔ عبدالرحیم غفورزی باویس ناصري (مقیم المان)

بروز ۴ شنبه مورخ ۶ سپتامبر ۱۹۹۵ مطابق وقت شام کابل طي صحبت تلفوني با غفورزی مصاحبهٔ مختصری بعمل آمد ، موصوف در پاسخ چنین گفت : « اوضاع در شهر کابل آرام وبحالت عادي جریان دارد. بعضی منابع خبري بدور از واقعیت تشویش خلق نموده واخبار نادرست را پخش نمودند . اشاعهٔ اخبار مذکور را تکذیب مینمائیم. در سروبي قوای دولتي به پیشرفت های چشمگیری نائل آمده وامکان دارد که انشاء الله سروبي از قوای مخالف تصفیه شود. مسئلهٔ هرات راشما خبر شده اید. متاسفانه یک سلسله سازش هائي د رآنجا صورت گرفته وبالاخره نتیجه همان شد که ملیشه های پاکستان با سوقیات بزرگی که از طریق کویته در دوشب پیش صورت گرفته بود قبلا داخل قندهار شده وبعدا بولایات دیگر نفوذ نموده وتوانستند که فعلا کنترول شهر هرات رابدست بیاورند. محترم جنرال اسماعیل خان بدون مقاومت عقب نشیني نمودند. یک عده از قوای دولت بجهت دستیابي قوای حوزهٔ جنوبغرب بدانجا اعزام شده بود. یک قسمت این قوا بالاثر حمله وپیشروي ملیشه های پاکستاني از منطقه خارج وتعداد دیگر آن عقب نشیني تاکتیکي کرده جانب سرحدات در حال حرکت هستند. در آنجا کدام مشکل دیگری نیست . قوماندانها هم از مناطق خارج گردیده اند. وفعلا صرف کنترول شهر هرات بدست ملیشه ها است . البته بدست همان ملیشه های محلي که سابقا با جنرال اسماعیلخان مخالف بوده ودر حاشیهٔ های سرحدات افغانستان وایران مستقر بودند. طالبان توانستند که همین ملیشه های سابق را باپرداخت پول و دیگر وسایل بخود جلب نموده ودر سقوط هرات همین ملیشه های ملحد دست و رول بزرگ داشتند. ازمیدان هوائي شیندند طیارات ووسائل حربي که بدست دولت بود قبلا همه کشیده وبکابل نقل داده شده اند.

دولت فعلا الحمدلله آمادگي برای دفاع از مناطق تحت کنترول خویش رادارد وهیچکدام علت تشویش برای هموطنان عزیز ما در داخل وخارج وجود ندارد. همچنان پیامي از طرف وزارت خارجه دولت اسلامي افغانستان عنواني سر منشي عمومي ملل متحد فرستاده شده است که توسط نمایندهٔ دایمي ما در ملل متحد بانمقام ارجاع شده است .

طي پیام مذکور آمده است که دولت اسلامي افغانستان از مداخلات آشکار همه جانبهٔ دولت ودستگاه استخباراتي پاکستان (آی - اس - آي) بسازمان ملل متحد شکایت نموده وخواستار قطع مداخلات در امور داخلي کشور ما گردیده است .

ما از تمام مردمان شریف افغانستان تقاضا مینمائیم تا قضایای کشور شانرادلسوزانه تعقیب نموده وبر ضد این مداخلات آشکار ومداخله گرانه مقامات پاکستاني صدای مظلومانه وهمبستگي خویش را در هر کجاکه هستند با دولت اسلامي شان اعلام وابراز بدارند.

اکنون قوماندانهای دولت افغانستان در مناطق جنوبغربي کشور مشغول تجدید سازماندهي وجمع آزری قواء هستند. بانها موکدا هدایت داده دشده تا به تشکیل یک شورای عالي نظامي دست بدست هم داده ودر بدست آوردن مناطق شان اقدام نمایند. انشاء الله این وضع در آیمده دوباره جبران میشود.
امروزدر شهر کابل تمام مردم از دوائر ومکاتب بسرک های شهر مظاهره کنان اجتماع و بطرف سفارت پاکستان در حرکت هستند. با شعار های وطنپرستانه وضد مداخلات عریان مقامات پاکستاني صدای احتجاج ونفرت شانرا ابراز واین مداخلات بیشرمانه راجدا محکوم نمودند. مردم وملت افغانستان کلا در پهلوی دولت اسلامي خویش قرار داشته وهرنوع مداخلات بیشرمانه بیگانگان رادر امور افغانستان ونیز تبلیغات غرض آلود انها راکه در رسانه های خبری پخش ونشر گردیده است تقبیح وخلاف همه پرنسیپها و موازین روابط همسایگي و بین المللي میشمارند.

دولت اسلامي افغانستان با تمام وسائل وامکانات دست داشته خویش بصورت روشن و قاطع برضد مداخلات نظامي پاکستان تثبیت موقف نموده، واین مداخلات صریح را عمیقا محکوم میکند. امید واریم که مقامات پاکستاني با درنظر داشت موقف بسیار ثابت و روشن دولت اسلامي سیاست های شانرا در قبال مداخلات غرض آلود در امور افغانستان سلوک خویش را مورد تجدید نظر قراربدهند تا باعث وخامت مزید اوضاع نگردند.

اعلامیهٔ رژیم ربانی 8

بارتباط حملهٔ وحشیانه برسفارت پاکستان

متن بیانیهٔ وزارت امورخارجهٔ دولت اسلامي افغانستان دررابطه باحوادث اخیر در سفارتکبرای جمهوري اسلامي پاکستان درکابل .
مورخ ۷ سپتمبر ۱۹۹۵

« دربدو امرلازمست تذکرداده شودکه ظهور واقعهٔ غم انگیز در سفارت جمهوري اسلامي پاکستان در کابل یک رخداد استثناهي وبدون سابقه در جهان خاص در شرایط یک کشور بحران زده و ازجمله افغانستان وجدا ومنتزع از سلسلهٔ واقعات اخیر نمیباشد .
ولی اینبار نقشی که از خارج مرزهای کشور در شکل دهي حوادث اخیر در هرات بازي گردید ، در ایجاد یک ذهنیت خشم آلود بطور ناخواسته کمک کرد و حالت هیجان زده گي وبیحوصله گي در میان هموطنان ما بوجود آورد .
مردمیکه دیروز درقطارهای مارش بسوی سفارت پاکستان در کابل در حرکت بودند صرفا میخواستند تا بافریاد هرچه بلندتر مراتب انزجار ونفرت خود را نسبت بمداخلات مستقیم خارجي در امور مربوط بافغانها ابراز کنند . امافیر گلوله ها از داخل سفارت که موجب شهادت یک جوان شاگرد لیسهٔ نادریه شد وضع را تاحدی بوخامت کشانید که برای نیروهای تقویت شدهٔ امنیتي ، حتي بقیمت از دست دادن پنج نفر از پرسونل آن ، ممکن نشد تا موج هجوم هزارها انسان خشمگین راعقب بزنند ، دوکمربند نیرومندامنیتي اطراف سفارت شکست و امواج مظاهره چیان وارد محوطهٔ سفارت گردیدند ، اوضاع از کنترول بدرشد ، اعضای سفارت بشمول جلالتماب قاضي همایون سفیر مجروح گردید و یک سکرتر محلي وفات کرد .
وزارت امور خارجهٔ دولت اسلامي افغانستان با اظهار مراتب تاثرات خود نسبت بمرگ سکرتر موصوف و مجروحیت تعداد دیگر منجمله به آتش کشیده شدن سفارت پاکستان ،باطلاع میرساند که در همان آغاز واقعه کمیتهٔ عالیرتبهٔ مختلط غرض رسیدگي باوضاع تشکیل گردید . اعضای مجروح بلافاصله بشفاخانه انتقال گردیده وتمام امکانات دست داشته برای نجات زنده گي مجروحین بکار گرفته شد .
خوشبختانه دوعمل جراحي متعاقب برجلالتماب سفیرکبیر ویک عمل جراحي بر آتشهٔ نظامي آن سفارت موفقانه انجام گردید ودیگران نیز از شوکهای اولیه وجراحت های خود رو به بهبود میروند .
معاون وزارت امور خارجهٔ دولت اسلامي افغانستان پس از عیادت از مجروحین داخل بستربصورت عاجل از طریق تلفون با جلالتماب نجم الدین شیخ معاون وزیر در امور خارجهٔ پاکستان تماس گرفته ضمن ابراز همدردي نسبت به ائتلاف آقای مسیحي ، بوی از بهبود وضع صحي دیگران معلومات داد .
با فعالیت بدون وقفه درطول دیشب این وزارت بهمکاری جانب پاکستانی وترتیبات فوق العاده کارمندان صحی شفاخانهٔ (۴۰۰) بستر اردو ، کارمندان میدان هوائي کابل و دفتر صلیب سرخ توانست انتقال موفقانهٔ مجروحین سفارت پاکستان را به اسلام آباد سازمان بدهد . در نتیجه مجروحین الیوم صبح بساعت ۱۰ر۶ توسط طیارهٔ ۳۰- نظامي پاکستان به اسلام آباد منتقل گردیدند .
سفارتکبری دولت اسلامي افغانستان در اسلام آباد دستور یافته است تا یادداشت جداگانه رسمی این وزارت را در همین ارتباط بمقام های ذیصلاح وزارت امور خارجهٔ جمهوري اسلامي پاکستان تسلیم نماید .
وزارت خارجهٔ دولت اسلامي افغانستان صمیمانه آرزومند است تا این حادثه پیامدی روی روابط متقابل برادرانه و دوستانه بین دو کشور همسایه نداشته و جانب پاکستان تحلیل درستي از مسایل این کشور بعمل آرد . »

نشریه شماره ۱۷۶ مورخ ٤ سپتامبر (امید) که بتاریخ ٦ سپتامبر بایالت ویرجینیا وواشنگتن رسیده وتوزیع شده بود دربین جریده یکورق ضمیمه تایپ شده پیرامون اوضاع هرات مانده شده بودکه بهمه خوانندگان امید رسیده و یک نسخه انرا هموطنان بما ارسال کرده اند که اینك عین متن مذکور چاپ میشود:

تازه ترین اخبار

از وقایع افغانستان

فقرده اخرین اخبار ضمیمه شماره ۱۷۶ هفت نامه امید

تازه ترین امروز

- قرار خبرگزاریهای معتبر اسمعیل خان امیر حوزه غرب و جنوب غرب از مقامات دولت اسلامی ایران تقاضای پناهندگی سیاسی نموده و این درخواست او مورد قبول قرار گرفته است.

نطاق وزارت دفاع حکومت کابل طی اعلامیه اسمعیل خان را مسئول ساخت و باخت با طالبان دانسته و سقوط نیمروز و هرات را به توطئه نسبت میدهد که وی با طالبان مشترکاً در خفا چیده بودند قرار منابع کابل اسمعیل خان تمامی طیارات و سلاحهای ثقیله را به طالبان هدیه داده و خود راه ایران را پیش گرفته است .

گزارش از خبرگزاری یونایتد انترنشنل دیپلوماتهای خارجی سقوط شهر هرات را توسط قوای مختلط مخالفین حکومت برهان الدین ربانی به سرگردگی طالبان تائید کرده اند. گفته میشود مقاومتهای ازسوی قوای حکومتی صورت میگیرد ولی مامورین وزارت خارجه پاکستان افزوده اند که در داخل شهر زد و خورد صورت نگرفته است.
یک نطاق شورای هماهنگی در پیشاور اطلاع داد که مخالفان حکومت ربانی ولایت بدخشان را به تصرف خویش درآورده اند. قوماندان خالد نصیر بعد از فرار مامورین حکومتی زمام امور را بدست دارد نماینده طالبان در اسلام اباد بیان داشت که شهر هرات شام دوشنبه چارم سپتمبر بعد مقاومت شدید به تصرف انها درامده است و میدان هوائی شیندند را روز یکشنبه بعد از اشغال ولایت نیمروز به اختیار خویش گرفته اند.
دیپلوماتهای غربی در اسلام اباد اشغال ولایت بادغیس توسط رشید دوستم و سقوط هرات را شکستهای عمده دانسته اند که در دو هفته گذشته دولت برهان الدین ربانی در جبهات متحمل شده است.
قرار رادیو استرلیا سفیر و اعضای سفارت پاکستان زده و زخمی به پاکستان برگشتند. حدود هزار نفر پریروز مداخلات پاکستان را در امور افغانستان تقبیح نموده و طی مظاهره داخل سفارت پاکستان در شهر کابل شده و اعضای سفارت را که به دفاع خویش برامده بودند مورد لت و کوب قرار داده عمارت سفارت را تخریب نمودند. پاکستان بدنبال این عمل سفیر و اعضای سفارت را فراخوانده و از مقامات کابل تقاضای غرامت کرده است.
به اساس مصاحبه که با عبدالرحیم غفورزائی دیروز صورت در کابل صورت گرفته است وی اوضاع کابل و نواحی انرا آرام توصیف نموده است. معین وزارت خارجه حکومت برهان الدین ربانی شایعه جنگهای پغمان را رد نموده و انرا ساخته و پرداخته دشمنان تمامیت ارضی افغانستان خواند. غفورزائی افزود عبدالرب رسول سیاف رهبر اتحاد اسلامی در کابل میباشد و آوازه فرار او را نوکران پاکستانی برای تضعیف روحیه طرفداران حکومت کابل براه انداخته اند.

بعدا بتاریخ ۸ سپتامبر ۹۵ (امید) در رد و تکذیب اخبار فوق اطلاعیه دیگری توزیع کرد که ذیلا از نظر شما گزارش می یابد :

امید

بدین وسیله اخبار مربوط به پناهندگی اسمعیل خان به ایران و سازش او با طالبان که قبلاً در ضمیمه تازه ترین اخبار مربوط شماره ۱۷۶ هفته نامه امید بصورت جداگانه در ورجینیا پخش شده بود نسبت عدم موجودیت شواهد و اسناد تا تایید صحت و دروغ آن از سوی منابع موثق داخلی و خارجی تردید میگردد.
از خوانندگان و علاقمندان پوزش طلبیده میشود.

ادامه گزارش و تحقیقات و اخبار :

۸ سپتامبر ۹۵- بموجب خبر دیگر که ازمنابع هرات به آئینه افغانستان رسیده بتعداد ۸۵۰ نفرافراد معیتی اسماعیلخان که در پنجاه لاری بعجله بایران رسیده ، حدود دوصد نفر زنها و اطفال مغرورین شامل بوده، هکذا آقای داکتر عزیزالله لودین مشاور سیاسي اسمعیلخان وچند نفر همکاران او از حلقه مربوط بداکتر یوسف خان در جرمني که با اسماعیلخان همکاری میکردند نیزدرجملهٔ حرم اسماعیلخان شامل بوده بمشهد فرارکرده اند. خبر مشعر است که در لاریهای مذکور جوالهای بزرگ بانکنوتهای دالر، پوند ، کلدار وریال وهمچنان صندوق های سکه های طلا و ایراق وجواهرات زنانه و سامان آلات باستاني متعلق بموزیم هرات نیز شامل بوده است . مرد ها هرکدام فقط یکدانه کلاشینکوف یا تفنگچه داشته اند که بداخل سرحد ایران اسلحه شان گرفته شده، بطور غیر مسلح بمشهد وارد گردیده اند. حکومت ایران اعلام داشت که بسرکردگان پناهندگان افغاني در یک هوتل و بعمله وهمکاران شان در بارک قشلهٔ عسکری جاداده شده است . خبرمربوط به بوجیهای پول و انتقال آلات باستانی با یران دربازار هرات شایع بوده) همین منابع سرچوك هرات گفتندکه درمشهد بین اسماعیلخان ازیکطرف و داکتر عبدالله عبدالرحمن وصدیق چکری (سه نفراز وزرای کابینه ربانی) ازطرف دیگر وجنرال علاوالدین وجنرال عظیمی ازجانب دیگر بالای تقسیم پول و سکه باب طلا نزاع واقع شده، همان بود که داکترعبدالله موضوع را بکابل اطلاع ورژیم کابل از دولت ایران تقاضا کرده است تا ازدادن پول وسامان آلات مذکور به تورن اسماعیل خان جلوگیری نماید. راجع بصحت وسقم این اخبارمعلومات بیشتر دردست نیست، با یدمنتظراعلامیه طالبان بود تا حقایق را بیان دارند. اینقدر معلوم است که رژیم کابل نجیب لغرائی را بتاریخ ۹ سپتامبر به تهران اعزام داشته است که خبر آنرا ذیلا میخوانید. قرار مسموع نجیب لغرائی ازحکومت ایران تقاضای استرداد محمولات لاریها را بکابل نموده اما حکومت ایران باشر اصرار تورن اسماعیل خان محمولات مذکور را بکابل نفرستاده، فعلا در نزد حکومت ایران میباشد. شایعه دیگر مشعراست که